



ارگان کارگری سازمان مچاهدین خلق ایران

اسفند ۱۳۵۴

شماره ۲

www.iran-archive.com

کارگران جهان متعدد شوید

قیام کارگر

ارگان کارگری سازمان مجاهدین خلق ایران

اسفند ۱۳۵۴

شماره ۲

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

فهرست

- * سرمقاله : تئوری کهننه شده (اپورتونیستی) ۱
- ۳۱ مراحل و اکنومیست های جدید ما
- * اخبار ۶۶
- بررسی عمل و عکس العمل حمایت مسلحانه مجاهدین
- ۹۰ خلق از اعتصابات کارگران (در بهار ۵۲)
- * کشتار انقلابیون ۱۰۰
- ۱۰۴ تحلیلی بر : اعتصاب کارگران کارخانه سپتاروئن (زیان)
- ۱۳۶ توطئه های سرمایه داران، سود و یزه و ماهیت واقعی آن
- * درسهایی از : اقتصاد سیاسی ۱۵۲
- ۱۶۲ ریشه های فلسفه در کجاست
- ۱۶۹ اصول و شیوه های مخفی کاری *

تئوری کهنه شده (اپور تئوریستی) مراحل

و

اکونومیست‌های جدید ما

نقایی کارگر! *www.tanaharchive.com*

همانطور که در شماره پیشین این نشریه مشذکردیم،
تشار "قیام کارگر" گام دیگری است از طرف ما برای برقراری ارتباط
هرچه وسیع سیاسی - تشکیلاتی بین جنبش مسلحه پیش‌تاز
جنبیش طبقه کارگر.

اما این ارتباط چه از نظر تشکیلاتی و مخصوصاً چه از نظر
سیاسی، دارای معانی وسیع و گسترده‌ای است که همگی آنها را
می‌توان حول اصلیترین وظیفه کمونیستها خلاصه کرد. این وظیفه به
طور خلاصه عبارتست از کشف و تدوین آن شوری انقلابی که تبلیغ و
ترویج آن در میان جنبش طبقه بتواند این جنبش را تاسطع عالی-
ترین شکل مبارزه‌ی سیاسی ارتقاء داده و آنرا در جهت نابودی
و ستگاه طبقه حاکمه‌ی ایران واستقرار حاکمیت
اکامل بروانه سازی بمحركت در آورد.

قیام کارگر

مبازه‌اید، لوزیک،
وظیفه‌ای بین برای تحقق
امروزه دنیوهای انقلابی
و گسترش موقعیت توده‌ای
جنبیش مسلحانه پیشتاز



البته اکون به برکت سالها مبارزه‌ی سرسختانه‌اید،
لوزیک در جنبش جهانی کمونیستی بین کمونیستهای راستی
و منحرفین چپ و راست آن کسی نیست که این وظیفه‌را لاق
بطوریانی منکر شود؛ اما بد لیل آنکه انحرافات فکری و ایدئو
لوزیک و نتیجتاً انحراف در هدفها و روش‌های سیاسی، اصل
ماهیتی اجتماعی دارند و همچنین بد لیل آنکه جهانی اجتماعی
و طبقاتی این انحرافات نا ناید کامل روابط تولید بورژوازی
و اصولاً خود تولید کالا شی یا نیمه کالا شی همچنان باقی هست
هنوز کسانی پیدا می‌شوند (و هستند) که بعنوان گوناگون و در راه
پوششها و بهانه‌های مختلف در اجرای چنین وظیفه‌ای علیرغم
موافقت زبانی و ظاهری با آن - کارشکنی می‌کنند. البته اشک
و حق محتوا این کارشکنیها - یعنی آن شورها و نظریاتیکه ای
کارشکنیها توسط آنها توجیه می‌شوند - بنابر خصوصیات ملی یا
مرحله‌ی مبارزاتی و ... یک کشور، ظواهر و مضماین مختلف
را بخود می‌گیرد. اما مهمی آنها در زیارت، نوع سیاست
و ایدئولوژی بورژوازی را در جنبش کمونیستی نمایند گی می‌کنند
بعنوان مثال، انحراف اکونومیستی اوخر سالهای نو
سد هی نزد هم جنبش سوسیال دموکراسی روسیه را می‌توان نام بر

سرمقاله

لئین "دراین بار مینویسد": "..... ده اینکسما
همان آغازید ایش اکونومیسم، در مطبوعات پدیده‌ای را مشاهد
کیم کمیتهای تازگی داشته و رای فهمیدن تمام اختلافات بین
وسیال دموکراتهای (*اکونویسی نهایت غالب توجه است و آن
نکه طرفداران "نهضت صدر رصد کارگری" یعنی مخلصین
ردیکترین و "دروزی" ترسن (اصطلاح "رابوچیه دلو" *است)
بطه با مبارزه پرولتا ری وصال‌الفین هرگونه روشنفکر غیرکارگری (ولو
رشنفکر سویالیست هم باشد) مجبورند برای دفاع از نظریات
بود به‌دلایل " فقط ترد یونیونیستهای بوروزوازی توسل جویند.
من بمانشان میدهد که هرگونه سرفورد آوردن در مقا
ل جنبش خود بخودی کارگری، هرگونه کوچک کرد ن نقش "عنصر
*) - این نام "سویال دموکرات" در آن سالها بکار رکان و معتقد
تبش کمونیستی اطلاق می‌شد در حالیکه بعد از ام زیند بهای
طهریاسی وايد علوزیکی که در مبارزات پرولتاری روسيه عمل
داد، پرولتاریات تحت رهبری حزب کمونیست و کمونیستهای (یا
شوكهای) در یکطرف و انواع نمایندگان خرد بوروزوازی و بوروزوازی
عمولاً تحت همین عنوان (سویال دموکرات) در طرف دیگر
کارگرفتند. بنابراین در تمام موارد یکه لئین "از سویال
موکرات نام می‌برد منظورش کمونیستها هستند و صراحتاً از سویال
موکرا سی همان جنبش کمونیستی به بیان امروز است.

* - "رابوچیه دلو" روزنامه کارگری ارگان اکونومیستهای منحر-
بن جنبش سویال دموکرا سی اوخر سالهای نود قرن نوزده روسيه
ست - معنای لغوی این نام عبارت است از: "مسئله کارگر"

قیام کارگر

آگاه " یعنی نقش سوسيال د موكراسى " در عین حال معنايش اعم از اينکه کوچك کنند بخواهد یا نخواهد، تقو نفوذ ايد ئولوزى بورژوازى در کارگران است.

همه کسانی که از " بالغم درازی با اید ئولوزى " و از افراط در ارزش نقش عنصر آگاه وغیره سخن می‌رانند خیال می‌کنند که جنبش صد درصد کارگری بخودی خود می‌تواند اید ئولوزی مستقلی برای خوش تنظیم کند و تنظیم می‌کند و تها باشد کارگران " سرنوشت خود را از دست رهبران خارج کنند ". ولی این خطای فاحش است

آنگاه " لنيين " بعد از آوردن استدلالات جامعی در روای این نظرات، اينطوراً أصيدهد: " حال که از ايد ئولوزي مستقلی که خود تودهای کارگراز همان جریان نهضت خود بروجود آورد هبائند، نمی‌تواند حرفی در میان باشد . در اینصورت قضیه فقط اينطور می‌تواند طرح شود: یا ايد ئولوزی بورژوازی یا ايد ئولوز سوسياليستی . در اینجا حد وسطی وجود ندارد . . . (" چه باید کرد " صفحات ۴۰ و ۴۲)

اکونومیسم را می‌توان بیماری د وران کود کی جنبش کارگری نامید . در روسیه نیز درست در شرایط و لحظات حساس که انقلابیون سوسيال د موكرات بمرهبری " لنيين " در صدد ساختن اولین پلهای ارتباطی سیاسی و تشکیلاتی با جنبش طبقه کارگری که بودند و درست در موقعی کسر حلہ جدیدی از رشد جنبش کارگری در روسیه آغاز می‌شد این انحراف ظهر کرد تا اینکه بالاخره بعد از يك دوره مبارزه‌ی طولانی سیاسی - ايد ئولوزیک علیه‌آن،

مبارزه‌ای که بنحو رخشان و اقناع‌کننده‌ای در رساله‌ی معروف "لنین" "چه باید کرد" تئوریزه شده است در سال ۱۹۰۶ از مای د رآمد. از آن هنگام تاکنون، اکونومیستها مانند همه‌ی اپورتونيست‌های دیگر، رنگ و بوی خود را بارها و بارها بر حسب پیشرفت اوضاع و شرایط و خصوصیت‌های دیگر اجتماعی، ملی یا جنبشی و... عوض کردند اما هسته نظرات انحرافی و ضد پرولتری آنان تفاوت چندانی نکردند.

در ایران نیز همان‌جا پیدا شد و شد مرحله‌ی جدیدی از جنبش کارگری، در شرایطی که اولین جوانه‌های نورسیست‌های جنبش نومن کمونیستی کشورمان — بعد از تحمل فشار سال‌ها اپورتونیسم حزب توده و سال‌ها خلاصه سیاسی و سازمانی ناشی ازین اپورتونیسم — آهسته آهسته تیغ می‌کشید، اختلاف بین دو خط مشی، یکی خط مشی انقلابی کمونیستی و دیگری خط مشی‌های انحرافی از جمله انحرافاتی که بهره‌حال و رنهاشت به منوی "اکونومیسم" قابل تحويل آند ظاهر شد. اختلاف مابین این دو خط مشی بموازات رشد جنبش انقلابی از یک طرف و رشد مبارزه خود بخود توده‌ها — از جمله رشد جنبش کارگری در ایران — روز بروز عیقت روا ساسی ترکیست تا اینکه بالاخره در یک طرف خط مشی انقلابی مبارزه‌ی مسلح از پیش تازون نقش سازمان مسلح پیش تاز قرار گرفت و در طرف دیگران نوع خط مشی‌های انحرافی — اکونومیستی مستقر شد.

اپورتونیسم اکونومیستی این بار نیز یک چهره‌نداشت، بلکه در چهره‌های گوناگون و در زیر شعارها و پوششها متعدد دی نیش زهرآگین خود را در دن جنبش انقلابی ما و مبارزه‌ی طبقه‌کارگر فرو

قیام کارگر

میبرد . "کارآرام سیاسی در میان توده‌ها" ، "رفتن به میان کارگران" ، "تشکیل فوری حزب طبقه کارگر" ، "استفاده از شرایط دموکراتیک (ا) برای تشکیل توده‌ها و کارگران" و ... "فرمولهای بودند که قاصد سازشکارانه‌ی خرد مبور زوایش و گرایشات فرصت طلبانه - روشنفکرانه پیروان خود را منع نمیکردند

البته منحرفین اکنومیست‌ها ، اکنون مواضع بسیاری اسیر و غیر فعلی دارند این مواضع کمد قیاقاناش از پی عملی ، ترس و محافظه کاری مفترط حاکم بر آنها از یک طرف (*) و بیچیده بودن شرایط حاد انقلابی از طرف دیگراست ، به آنها بدین سادگی‌ها اجازه نمیدهد پشتونه‌های عملی و سازمانی مشخص دارد اخل ایران ، برای انحرافات نظری خود فراهم بینند ، اما بهره‌حال مبارزه‌ی بین این دو خط مشی اکنون نیز جریان دارد . مانند تها به پیشواز چنین مبارزه‌ای می‌روم و آنرا یکی از وظائف مهم انقلابی خود میدانیم بلکه معتقد به دوندگی مبارزه‌ی اصولی ، قاطع و بیگیر با انحرافات موجود در جنبش کمونیستی ایران ، بدون افشاء ماهیت اپسورة تونیستی این انحرافات در تعلم اشکال سیاسی - تشکیلاتی واید ئولوزیکی اش مرحله‌ی دهم ثبت سیاسی جنبش مسلحانه‌ی پیشناز و ارتقاء تئوری و عمل آن ، جنبش کامرون حدت نیروهای واقعاً انقلابی و گسترش موقعیت توده‌ای خود را در استورایین مرحله از کار خود قرارداده است ، غیرممکن است .

(*) - در واقع این تمایل به می‌بینی عملی و ترس و محافظه کاری روشنفکرانه است که آنها برآ چهار نظر فکری و چه از نظر عملی به سمت "اکنومیسم سوق" میدهند .

در واقع بهمان اندازه که ارتباط وسیع تر سازمان مسلح پیشنازی جنبش‌های طبقات مختلف خلق — مخصوصاً ارتباط با جنبش طبقه‌ی کارگر — ضرورت واقعیت پیدا می‌کد، بهمان اندازه که امر وحدت نیروهای واقعاً "انقلابی" وارد در جبهه نبرد، مردم روحیاتی ترتلی می‌شود بهمان میزان نیز مبارزه با انحرافات فکری سیاسی کمیتowanد درستگیری سیاسی — تشکیلاتی این جنبش‌ها بسمت مبارزه مسلحانه و تحقق شعار "نابودی دستگاه طبقه‌ی حاکم و پکناتوری شاهجهانی تکار" اختلالاتی ایجاد کند لازم نیرو ضروری تر خواهد بود.

بدین جهات است که از این بعده در یک سلسله مقالات مستقل که در عین حال از نظر هدف و مضمون کلی بهم پیوسته بوده و سمت واحدی را تعقیب می‌کند بازیانی حتی المقد و رساده و عامه‌فهم، این انحرافات را چه در اشکال مشترک و عمومی شان وجهه در شاخه‌ای فرعی تر و جزئی تر آن مورد بررسی و نقد علمی قرار می‌دیدهیم.

و اکنون در این شماره، جریان انحرافی ای را مورد توجه قرار می‌دیم که در پاسخ سوال "اصلیت‌ترین وظیفه انقلابی در این مرحله تئوری اکنونمیستی اما ظاهر الصلاح" رفتن بمعیان کارگران "را مطرح می‌سازد.

مخالفت ساجنبش مسلحانه و وضعیت عمومی اپورتیونیتها

مخالفتهایی که امروزی امشی مسلحانه پیشنازی صورت می‌گیرد، علیرغم اشکال و شیوه‌های گوناگون بروز و ظهور تئوریک آن در یک

چیزیاهم مشترک هستند و آن بی عملی مفرطی است کم بر اکثر قرب به اتفاق این محافل و گروههای مخالف حاکم است. وقتیکه از این قبیل افراد یا محافل، چه آنها که تشکیل فوری حزب کمونیست را پیشنهاد میکنند، چه آنها یکه "رفتن بعیان توده‌ها و آگاه کردن آنان" را ترجیح بند همه‌ی شعارها و تئوریهای خود کردند و چه آن کسانیکه صحبت از کارآرام توده‌ای، صحبت از "تسريع همان مبارزه‌ی روزمره‌ی کارگران و باصطلاح به همان مبارزه‌ی اقتصادی آنان جنبه سیاسی دادن" میکنند پرسیده شود که چه برنامه‌ی عملی ای برای اجرای مقاصد خود توان دارید و چه کارهای مشخص و عملی ای را تاکون در راه نیل به این هدفها انجام داده‌اید؟ عموماً از یاسخ صریح طفر میروند و سعی میکنند دوباره بایک سری عبارت پردازهای کلی و عام، گریبان خود را از این قبیل سوال‌ها رها سازند، مسلماً "هیچ کمونیست راستینی مخالف حزب کمونیست نیست". نه تنها مخالف نیست بلکه عنوان یک وظیفه‌ی بزرگ انقلابی در راه ایجاد و تشکیل آن مبارز میکند. همینطور هیچ رزمندی‌ی انقلابی ای از رفتن بعیان توده‌ها و آگاه کردن آنان، آموختن از آنها و آموزاندن به آنها، هراسنند ارد و بالاخره یک مبارز انقلابی وقتی به حرکت مادی تاریخ و جوامع اعتقاد داشته باشد مسلماً "به مبارزه‌ی روزمره و اقتصادی طبقات زحمتکش - هر چند که این مبارزه سطح نازلی از نظر سیاست و ... داشته باشد - بی اعتنای خواهد بود".

بعبارت دیگر، این درک صحیح از اصلیتین وظیفه یا وظائف یک سازمان انقلابی نسبت به جنبش انقلابی، مبارزه‌ی خلق و در رأس آن مبارزه، سیاسی پرولتاپیا است که درک صحیح اصول

فوق و اعتقاد واقعی به آن را امکان پذیر نمی‌سازد . یک سازمان انقلابی مارکسیستی - لینینیستی ، آنگاه نمی‌تواند در ک صحیحی از حزب ما ز آیند « جنبش انقلابی » از آیند « ضرورت‌های یک مرحله جلوتر جنبش کمونیستی و ... داشته باشد که مقدمه تا " به ضرورت‌های انقلابی موجود و مهیا ز های سیاسی - استراتژیک این مرحله (حال) پاسخ عملی مناسبی دارد « باشد .

بنابراین - همانطور که دید می‌شود و در آیند « نیز بیشتر روش خواهد شد - اختلاف واقعاً " بر سر عدم اعتقاد به یک سلسله اصول عام و شناخته شده که اینقدر را طرف این قبیل عناصر مخالف جنبش مسلحه تکرار می‌شود نیست . بلکه مسئله اساسی بر سر اینست که آنها نکرار مکرراً این قبیل شعارها و عبارات کلی را پوششی کرد « اند برای جو عملی خود ! اما این بی عملی آنها به چوچه معنایی آن نیست که آنها مثلاً " شوری های روش و مشخص بر قی کار دارند . چرا که آنها بهمین دلیل که از جریان عمل انقلابی جدا هستند نمی‌توانند و در عمل هم نشان داد « اند که نمی‌توانسته اند یک خط مشی عملی ، روش و علمی برای مبارزه با دستگاه طبقه‌ی حاکمه ایران ارائه دهند . حد اکثر مطالبی که آنها عنوان می‌کنند چیزی جز تکرار یک سری قوانین عام و تجربیات شناخته شده صریط به جنبش‌ها و کشورهای انقلابی نقاط دیگر جهان و تعجب د گماتیستی این نظرات و تجربیات به شرایط ایران نیست .

بهمین دلیل است که اعتقاد آنها از مشی مسلحه تکرار نیز - علیرغم همه‌ی شدت و غلظتش - ناکون هیچگاه نمی‌توانسته است بریک پایه‌ی مشخص شویک ، ناظریه شرایط خاص اجتماعی - اقتصادی - سیاسی ایران قرار گیرد .

آنها از موضع پاسیو و ضد علمی و متعصبانه‌ای که ناشی از ماهیت فرصت طلبانه و غیر انقلابی فعالیت‌های روشنفکران است آنهاست - موضعی که معدّتاً با اشکال گوناگون خرد و کارهای سیاسی، محفل بازی‌های روشنفکری و ... توجیه می‌شود - با شورهای و عملیات مربوط به سازمانهای مسلح پیش‌تاز برخورد می‌کند. آنها با جنبش مسلح‌انه مخالف هستند با این دلیل که دیگر زمینه‌ای برای محفل بازی‌های روشنفکری باقی نگذارد و است. خشونت متقابل بیلیس و دشمن را باعث شده است! به آن تصانند می‌فاسد دموکراسی! حکومت مطلقه ضریب زده و آنرا هم از آقایان طرفداری نموده‌ای! سلب کرد ماست و ... در واقع مخالفت بسیاری از آنها با جنبش مسلح‌انه پیش‌تازه نه برایه‌ی یک انگیزه‌ی سالم انقلابی مثلاً برای کشف راههای نوین ترویج‌شور تر مبارزه و نه برآسانی یک برخورد خلاق و واقع‌غیر متعصبانه علمی با واقعیات اجتماعی، بلکه برایه‌ی حفظ منافع محدود و فردی و گروهی و جسید ن به دگمهای ذهنی که این منافع را توجیه می‌کند و بر ثبوت وضع فعلی آنها، بن علی و پاسیفیسم سیاسی آنها حکم میدهد قرارداد و طبیعتاً شیوه‌ای کدر بر - خورد با واقعیات اجتماعی از جمله "اندیشه و عمل" جنبش مسلح‌انه پیش‌تازه ریش می‌گیرند، (چون اکنون با بقا و تثبیت این جنبش که به بهای خون صدها فرزند مبارز خلق و فداکاری و ارجان گذشتگی هزاران نفر از انقلابیون اسیرو در حال پیکار بدست آمده، جنبش مسلح‌انه - چه اپورتونيستها بخواهند یا نخواهند - تبدیل به یک واقعیت زند و پویای اجتماعی شد ناست) نه شیوه‌ای علمی و انقلابی مبتنی بر احساس مسئولیت

انقلابی و کشف خلاق حقیقت اوضاع نیست، بلکه دقیقاً "شیوه‌ای غرض‌آلود، کینه‌توزانه و آلوده بصنافع احساسات وعواطف متعصبه‌ی فردی و گروهی است. (*) با اینحال ما جدا از هرگونه مقابله با مثل تبلیغاتی، تنها قصد داریم خطوط پیشنهادی و نظرات سیاسی - استراتژیک آنها را -

(*) - شیوه‌ی تبلیغات بعضی از همین افراد و محافل علیه سازمانهای مسلح، بسیار جالب توجه است. مخصوصاً وقتی با عناصر زحمتکش یا کسانی که اطلاع نزدیک و دقیق از اوضاع جنبش مسلح‌اند ارزد برخورد می‌کند این شیوه‌ی گریمنتهای اوج مغضبانه و عوام فربانهاش میرسد. آنها می‌گویند: "چریکها! هم! اینها مدد‌تهاست که ازین رفتگاند (!). در واقع اینها از اولش هم چیزی نبودند (!). مشتی دکرو و مهندس ولیسانس (!) اکماز فشار دیکاتوری به هیجان آمدند ببودند. مدتی هم دست به کارهای پرسرو و صدازند بعد ش هم دیدیم که چطوری ضریه خوردند. (توجه کنید که چگونه آنها توطئه‌ی سکوت دشمن را در مورد موقیت‌های جنبش و تبلیغات کرکنند مانرا در مورد ضرباتی که برا و وارد می‌آید برای مشوب کردن اذهان مردم بکار می‌برند. درست همان کاری که پلیس می‌کند. آنها چه خبری از دردهای مردم دارند! چه خبری از وضع کارگر و ... دارند. چه چیزی از مبارزه‌ی توده‌ها، از استثمار آنها و ... سرشان می‌شود. برای آنها فقط دیکاتوری مهم است (!) اصلاً آنها فکر می‌کنند خودشان به تنها! باید بادولت و رزیم درگیری‌شند و این وسط مردم نقشی ندارند. فکر می‌کنند یعنی

البته تا آنجاکه برخی نوشته‌های معدود و پراکندگی منسوب به آنها، وبا برخوردهای مستقیم خود مانشان میدهد — ورد توجه قراردهیم و ماهیت آنرا روشن نماییم.

مشت روشنگرهم میتوانند رژیم را از بین ببرند. عجب خیال باطلی! بهمین دلیل هم هست که مردم "ضریب خورند" (!) در حالیکه ما (!)، مسامع تقدیم باید به میان توده‌هارفت. باید رابطه درونی و مستحکمی با جنبش آنها برقرار کرد و درین رابطه بآنها آگاهی دار. (البته چون عمدتاً هنوز این کارها را هم نکردند بنا بر این فعلًا مجبورند فقط تئوریها یا شان را بطور زیانی تبلیغ کنند!) بعده و تفکر و مسلسل که آگاهی نمیآورد. باید با توده‌ها زندگی کردم از آنها آموخت و سختیها و رنجهای آنرا چشید و... والخ. البته در صفحات بعدی خواهیم دید که معنای پیشنهادات و توصیه‌های آنها چیست؟ معنای رفتن بصیان توده‌ها، آگاهی دادن بآنها، چشیدن درد و رنجشان و... پیشنهادات و توصیه‌هایی که البته هنوز بآنها عمل نکردند. أما راجع به اتهامات آنها به سازمانهای مسلح و شیوه‌های تبلیغاتی آنها، مابرازی همیشه صحنه، این قبیل تبلیغات عوام‌گیری‌انهای خود آنها و آگذاری‌کیم. از این جهت آنها میتوانند مطمئن باشند که همچنان رکتو بی‌رقیب خواهند ماند. (برای آشنازی به سوابق طولانی و غیرقابل رقابت این قبیل محافل درین نوع تبلیغات کافی است به نشانیات آنها در خارج از کشور مراجعه کنید. رشته‌ی بی‌پایانی از اتهامات غلط و شداد و فحش‌های سیاسی و غیرسیاسی

اکونومیسم یا سلیم خانه در مقابل جریان خود بخود عبارزه

دنباله روان این جریان انحرافی معتقدند که هر روشنفکر انقلابی موظف است بهمیان کارگران برود و با آنها کاروزندگی کند و متدرج به آنها آگاهی سویا لیستی بد هد . آنها معتقدند که جنبش کارگری جوان و نوپا است و احتقان معتقدند که این جنبش اصولاً "وکویا هنوز وجود نیامده است ! بنابراین باکسار آرام در میان کارگران باید منتظر بود که جنبش کارگری بوجود آمده بتدریج رشد کند . آنگاه بمرور به آن حدی بررسد که عمل شرایط ایجاد حزب فراهم شده ، نزب طبقه کارگر تشکیل شود و ... ! اگر شما در مقابل آنها این سؤلات را مطرح کنید کمنظور شما از آگاهی سویا لیستی چیست ؟ یک روشنفکر با چه دیدگاههایی باید بهمیان کارگران برود و اصلیترين وظیفه اود رفیال طبقه کارگر (جنبش کارگری) چیست ؟ آیا یک سازمان انقلابی

→ نسبت به مخالفین اروپائی و مخالفین نسبت به آنها ، اینست اصلیتیں محتوی برخی از نشریات منتشره در خارج - نشریات متعلق به این محاافل - بدون آنکه حتی یک مسئله اساسی از مسائل خاص مربوط به شرایط ایران را مورد توجه قرارداده باشند) و اماد ریاره نظر آنند سه از کسانی که بطور مشخص با استراتژی و تاکتیک جنبش مسلحه پیشنازه بروند انتقادی در ماهیت مسئله داشتماند - یعنی انتقاداتی سیاسی استراتژیک وارد کردند - در مقالات آینده به بحث خواهیم پرداخت .

مارکسیستی - لینینیستی هم باید همان راه یک روشنفکر را برود یا
وظائف دیگری برای آن موجود است؟ وبالاخره حزب چگونه
درجه پروسه‌ای تشکیل خواهد شد؟ به شما این گونه پاسخ
خواهند داد؛ آگاهی سویالیستی همان دانش مارکسیستی
است. این روشنفکر باید بداند که کارگر جگونه استشاری شود و
کارفرمای چه رابطه‌ای با کارگر برقرار کرده و میکند و اینکه کارگر میتواند
و باید حق خود را هر روز بیشتر از چندال سرمایه دار بیرون بکشد
و ۰۰۰۰ اینها را باید بدرج یک کارگر بی‌آموزاند و اوراتشویق کند که
با این ترتیب برای بدمت آوردن حق خود مبارزه کند. در جریان
همین آگاهی دادن روشنفکره کارگران بدرج آگاه شده پس
بحقوق خود برد و هنگامیکه این جریان باندازه کافی همه گیر
شد، آنگاه شرایط ایجاد حزب ۰۰۰۰ فراهم خواهد شد.
از همین دیدگاه اگر خواهیم پرسید آگاهی کارگران
و طبیعتاً آخرین سرحد وظیفه این قبیل روشنفکران رامیعنی
کیم مسئله بها این ترتیب درمی‌آید که ابتدا کارگران در رابطه با
استماری کمیشوند و آشکارا میبینند که کارفرمای حق آنها را میخورد
به ایرادها و اعتراضات منفرد دست میزند. بعد از مدتی متوجه
میشوند که کارفرما به اعتراضات تک تک آنها جوابی نمیدهد و آنها
اینطوره نتیجه نمی‌یابند. بنابراین تصمیم میگیرند که بشکل جمعی
ومتحد تری کارشان را پیش ببرند. از این نظر در صدد انتخاب
نماینده‌گانی از جانب خود برمی‌آیند تا خواسته‌ای جمعی آنان را
با کارفرمای مطرح سازد. طبیعی است که کارفرما با این ترتیب هم به
خواست آنها پاسخی نخواهد داد زیرا با سنه خواسته‌ای آنان
با اتفاق خود ش مغایراست. بعزم آنها متوجه میشوند که با

متولّشدن به کارفرما هیچ نتیجه‌ای عاید شان نخواهد شد بنا – براین به وزارت کار و دادگاه ارات و سازمانهای دولتی که به کارشان ارتباط دارد رو می‌آورند . در اینجا مبارزه‌ی آنان شکل سیاسی پس خود گرفته است (۱) هر چند که هنوز رخد رفته است این است . وزارت کار و سازمانهای دولتی هم کمروشن است جوابی بآنها نخواهد داد و آنها را هر یاریک بهانه سرگرم کرده و با دفع الوقای مکرر، تغییری در اوضاع نابسامان آنها نمیدهد . کارگران پس از مدت‌های طویل قانونی و مسالمت‌آمیز برای تجربیات مکرر خود بازیز نتیجه‌میرسند که بطور دست‌جمعی باید دست به یک اعتراض بزنند . از اینجا است که به ضرورت اعتصاب و نقش آن پس می‌برند . در اثر اعتصب مقوا می‌نظامی دولتی کارگران به کارخانه زاندارها و مامورین ساواک برای سرکوب کارگران به کارخانه اعزام می‌شوند و با حیله و حمله‌ی آنها کارگران متوجه شوند که دولت بشیان سرمایه‌داران است (۲) اما آنها دیگر تصمیم به مقاومت گرفته‌اند و حاضر نیستند که ساکت باشند . به این خاطر اعتصابات اقتصادی آنها به مرورد رشکل اعتصابات گسترده‌ی سیاسی و تظاهرات خیابانی و ... در می‌آید و زمینه‌ی مقاومت و مبارزه‌ی مسلحانه در آن شکل می‌گیرد (۳) هنگامیکه

(۱) — نمونه‌ی کامل "مشخص دیگری ازین تئوری اپورتونیستی" "مراحل" را می‌توان در استدلالات اکونومیستی شاخه‌های دیگری ازین گروهها — که بطور خاص با الگوریتم‌های رکورس خود از انقلاب چین و تجویز مستقیم وی رو در باستان آن برای ایران تحت عنوان "راه محاصره‌ی شهرها از طرق رهات" ! می‌بینیم

توجهه کیم که مچنین امری در تمام کارخانه‌ها بوجود نماید. آنگاه

میشوند مشاهده کرد. جزوی بی‌نام و نشانی که حول اثبات همین شوری و شرح و سطح آن نگاشت بافته درست همین پروسه را با همین مقدمات و موّ خرات — منتهی این بار برای دهقانان — ترسیم کرد هاست. توجه کنید: برای آنکه متوجه باشند ماهیت واقعی دشمنان طبقاتی خود را بشناسند، وابستگی آنرا به امپریالیسم درک کند و هزار مبارزه‌ی قهرآمیزی آنها ببرند، باید مسیر معین از تجربیات را طی کرده و از مراحل مختلفی بگذرند. بعنوان مثال هنگامیکه دهقانان توسط اربابهای بانکها، شرکتها و ... استشار میشوند، اولین مبارزه آنها مبارزه‌ی اقتصادی است. په فرض آنها سعی میکنند میزان زمینی را که در اختیار دارند یا محصولی را کمپدست می‌آورند کمترشان دهند. بهره‌ی مالکانها اجاره‌ی کمتری پردازند و با اگر جزء دهقانان بی‌زمین هستند و در شرایط مزد ورزی پسرمیبرند سعی میکنند از زرکارشاق شانه خالی کرده و در بروند و بطور کلی تاحد امکان ازشدت و میزان استشاری که برآنها را داشتمیشند و بگاهند. (بدیهی است که اربابها نیز نباشند) منافع طبقاتی خود سعی میکنند در این مورد بر خلاف آنها عمل کرده و هرجئه میتوانند بیشتر آنها را استشار کنند) همین جریان در مورد راههای آنها به بانکها یا تاجرها شهربادی است و آنها سعی میکنند با شکال مختلف از زرکارسنجیان پرداخت این وامهای ظالumanه بگریزند ولی بر اثر تجربیات مکرر خود متوجه میشوند که اینگونه مبارزات اقتصادی به میچوچنمیتواند به نتیجه برسد و آنها را از زیر

به این نتیجه میرسیم که زمینه‌ی آماده‌ای برای یک شورش و قیام

یوگ استمار خلاص نمی‌کند. لذا در این مرحله آنها بمبازه‌ی سیاست البته در سطح رفومیستی آن‌مانند مراجعته به ادارات، شکایت کردن و عرضه نوشتن کشاند می‌شوند. بدین‌جهت است که کسی جوابی به آنها نمیدهد و سعی می‌کنند آنها را سرکیسه کنند. هزنه‌های کمر-شکن اداری و رشوه‌خواری ماموران، اندک پولی را که با خود به شهر آورده‌اند از دستشان در می‌آورد. اگر اصرار و ساعت بخرج دهند سرگردان و مایوس وید و ن اینکه نتیجه‌ای گرفته‌باشند به خانه خود باز می‌گردند. این حیرانها خشم و ناراحتی آنها را برمی‌انگیزد. تا حدی ماهیت حکومت (البته اقشاریانین بورژوازی بوروکرات (?)) همچون زاندارمها، کارمندان بانک و اصلاحات ارضی ودادگستری را برایشان روش می‌سازد. بر اثر تکرار این تجربیات آنها پس می‌پرند که این کارهای نیز به جوچه نمی‌تواند حقوق حقه‌ی آنها را تامین کند. از این‌جاست که نطفه‌های مقاومت در آنها استمیشود و این بار آنها از برد احت بهره‌ی مالکانه (بصورت اجره‌ماره) و بد هیهای بانک و غیره سریاز می‌زندند. اربابها آنها را کلک می‌زندند و تهدید می‌کنند ولی آنها راهی برایشان باقی نمانده و تصمیم به مقاومت گرفته‌اند. لذا زاندارمها بهده می‌آیند. آنها نیز دهقانان را مورد ضرب و شتم قرار میدهند و کاسه‌ی صبرشان را لبریز می‌کنند. ولی دهقانان که بتدریج ماهیت حکومت و همچنین پشتیبانی آنرا از ارباب‌دارک کردند « تضمیم خود را گرفته و به مقاپل می‌پردازند ». این‌جاست که اعزام قوای منظم مسلح زاندارمی‌لایم می‌آید و دهقانان جز توصل بعذور و اعمال قهرمتقابل، راهی

سرتا سری در کشور وجود آمده است و ۰۰۰ بطور خلاصه صبا رزات

در مقابل خود نمی بینند و مجبور صبا رزه باشد دولت می شوند . در این مرحله است که جنبش مقاومت در رابر رژیم و طغیان توده های دهقانی فرامیرسد . هنگامیکه این طغیان مناطق وسیعتری را در بر گرفت و سرکوب آن از توانائی زاندار مری خارج شد آنوقت کاریه مداخله ای ارتش و برپاشدن آتش انقلاب می کشد همین پروسه ای آگاهی البته به شکل خاص (بدیهی است که با سرعت بیشتری) در مورد کارگران صادق است . بطور کلی میتوان گفت که ارباب و کارفرما همچون دیواری دولت را که بشتبیان آنها - است از دید دهقان و کارگروه هقان ابتداء بصارزه باشد شمنان مستقیم و رو در روی خود پردازند تا چهره ای کریه دهولت مسلح که بشتبیان ارباب و کارفرما است تعایان گردد . بهمین طریق لازم است زانوی دولت را خم کرد تا امپرالیسم بشتبیسان وی بهمان صورت قبلی که درشت دولت از دید توده ها مخفی است ، شناخته شود . بعبارت دیگر صبا رزات توده ها فقط میتواند ابتدا از صبا رزات اقتصادی شروع شده و سپس بر اثر تجربیات مکرر خود آنها بصارزات سیاسی و در مرحله نهایی بصارزات نظامی ارتقا یابد و . . . مادراینجا به نقل مفصل این داستان حمامی و دلکش را نویسنده ای خیال پردازمان بایان میدهیم . در حالیکه این سوال همچنان باقی میماند که اگراین داستان خیال انگیز و رویایی از پروسه ای مقاومت و انعقاد و رشد غطفه ای آگاهی در دهقانان و کارگران ایرانی مسأله ای یک اثر مهیج از هنرهای

توده ها فقط میتوانند ابتدا زمینه ای اقتصادی شروع شد موسس

برای نمایش در محافل نیمه خصوصی ! سیاسیون و روشنفکران باز وق اروپانشین نیست ! چرا تاکنون این دهقانان و کارگران که بزعم شعاع ریک چنین پرسهای بیک چنین آگاهی عظیمی داشت میباشد صدها بار رئیس مزد و رشاها را واگون نکردند ؟ مگرنه اینست که حکمتکشان ایرانی سالها و ساله است که چنین پرسه ای از برخورد با مالک و کارفرما و ادارات دولتی وزاندارم و ساوی و ... را نکرام میکند - آنهم نهیک بار و نهیک دور - پس چرا رذیم مزد و رحاکم ایران در همان اولین دورهای آغاز و انجام این پرسه نا بود منشده . در چنین صورتی یعنی مطابق نظرشما آیا ممکن است تاکنون حتی اثربار استخوان پوسیده های طبقه حاکمه ایران باقی ماند باشد ؟ ! وبالا اقل چرا هم اکنون رئیس ایران بایک مبارزه هم گیر توده های بایک آتش فشان علیه از مقاومت خوین و ... توده های ملیونی دهقان و کارگر و پرسنیست ؟! و باز هم اگر توده های روزن دهقانی که شمامدعی هستید خود شان به چنین آگاهی عظیمی که به نا بودی دستگاه طبقه حاکم میانجامد دست میباشد آنگاه آقای نوستند سمعتمن ، نقش جناب تعالی و رفقای گروه و محفل تان در این میان چشم می شود ؟ آیا این داستان دل انگیز اما خیالی شما از پرسه خود پس خودی آگاهی توده ها (کارگران - دهقانان) با این اساسی ترین حکم مارکسیستی - لینینیستی که محصول دهها سال مبارزه با اسلاف الیه استخوان دار تر و همان اند از مصادق تراز شما - اکنومیستهای اواخر سده نوزده روییه - است « در تناقض نیست » (میگوئیم استخوان دار)

براثر تجربیات مکرر خود آنها و باطن مراحلی بمبارزات سیاسی و در

از شما، به دود لیل ساده که آنها درست در هشتاد سال پیش از این
در شرایطی این حرفه را میزدند و همان اعتقاد داشتند - نه آنکه
تازه از زبان دیگران و طوطی و ارتقاید کنند، آنطور که شما اکنون به
آن مشغول هستید - که هنوز مارکسیسم با چنین گنجینه‌ی عظیمی
از تجربه، عمل و آگاهی کما روزیدان درست یافته است مجهرزنشده
بود . نهیک انقلاب پرولتاری به پیروزی رسیده بود . نه تورهای
سوسیالیستی در عمل به ثبوت رسیده بودند و . . . همین طور ممکن است
صادق تراز شمل بازهاین در لیل ساده کلا اقل آنها در حد همان
اعتقادات ناد رستشان عمل میکردند . کارافشاگری را اقل در
همان محدوده ای اکنومیستی آن به شدت و احرارت دنبال می
کردند و . . .) کصیگوید : " . . . تکامل خود بخودی نهضت
کارگری درست منجره تبعیت این نهضت از ایدئولوژی بورژوازی
میشود و جریان آن درست برطبق برنامه Credo ("کرد و " -
 برنامه‌ای اکنومیستی - رویزیونیستی بود که در سال ۱۸۹۹ از طرف
محافل اکنومیست روسيستان تشرشید . "لینین" ورقایش در یک
گروه ۱۷ نفری ماهیت انحرافی آنرا که با فرمول "بغداد کارگران
مشغول مبارزه‌ی اقتصادی باشند" "خلاصه میشود" بنحو
اقناع کننده‌ای افشا کردند) انجام می‌باید زیرا نهضت خود بخودی
کارگری همان تردیونیزم (اتحاد به گرایی) و همان پیروی از
مبارزه‌ی صرفاً حرفه‌ای است و تردیونیزم هم چیزی نیست جز
همان اسارت ایدئولوژیک کارگران از طرف بورژوازی . از این‌رو
وظیفه‌ی مایعنه وظیفه‌ی سوسیال دموکراسی عبارت از مبارزه با

مرحله‌ی نهائی بصارزات مسلحانه ارتقاء یابد (۱) . این مسیری

حریان خود بخودی است و عبارت از آن است که نهضت کارگری را از این تعامل خود بخودی تردیونیم که خود را زیر بال و سر بردازی میکشاند منحرف سازیم و آنرا زیر بال و پرسویال دموکراسی انقلابی بکشیم (پایان نقل قول "لینین" ، "چه باید کرد" صفحات ۴۲ و ۴۳) . تأکیدات از خود لینین است .

باز آیا ترسیم چنین نقشه‌های خیال‌ساخته‌ای از روند آگاهی در کارگران ، از تکامل خود بخودی بصارزه‌ی خود بخودی آنها تا حد نابودی طبقه‌ی حاکم و ... تکرار همان انحرافات رسوا شده‌ی روزیونیستی در حد و دلیل قرن پیش نیست که تصور مینمود که "گوا مارکس مدعی بوده است که تکامل اقتصادی و بارگاه طبقاتی نه تنها شرایط تولید سویالیستی بلکه مستقیماً معرفت بلزوم آنرا هم بوجود می‌آورد و ... (و یا) کارگران رفته‌رفته در ک میکند که سویالیست ممکن بوده و ضروری است و ... ("چه باید کرد" - صفحه ۴۱ و ۴۲ - بنقل از کائوتسکی) در حالیکه واقعیت این است که "سویالیسم" (و ما اضافه میکیم : سویالیسم و یا شوری و آگاهی سویالیستی) و بشارزه‌ی طبقاتی یکمی زائیده‌ی دیگری نبود بلکه در کار یکدیگر بوجود می‌آیند و بدایش آنها مغلول مقدمات مختلفی است ؟ ("چه باید کرد" صفحه ۱۴ - به نقل از کائوتسکی - جملات داخل پرانتز همچنان از آن ماست) .

ناچه‌اند از مشما باید از نظریاسی عقب مانده و از نظر

قیام کارگر

است که توده ها در جریان زندگی خود آنرا اطی می کنند و کارما یعنی

ایدئولوژیک تنگ نظر و از نظر عملی فرصت طلب باشد که حاضر شوید و باره بعد از یک قرن مبارزه علیه چنین مقررات پرسیده ای اکنومیستی - روزیزنیستی، در حالیکه چهره ضد انقلابی و ضد مارکسیستی این شوریهای منحرف دیروز (و خیا لبافیه ای روشن فکرانه ای امروز شما) سالهاست بدون هیچگونه نقاوی در معرض نمایش گذاشته شده است به دو باره آنها را از قبر بیرون بیاوردند. از این خبری، نا آگاهی و عدم امکان دسترسی یک عدد به حقیقت و فرصت طلبیں و انفعال طلبیں عده دیگری، استفاده کید و این جسد های پرسیده را، بعنوان جاندارترین موجودات روی کره زمین - یعنی همانطور که فقط در کره مغز شما جاندار و در حرکت است - جایز نیست. اما بعد، این شبیه آخری شمار در باره ای قضیه دیوار و کارفرما . . . دولت و . . . مخصوصاً آن نتیجه بسیار درخشانی ! که بعنوان رهنمود اصلی مبارزات توده ها، از این شبیه بدست میاورد دیگریک شاهکار تمام عیار و تشییت شده! اکنومیستی است، این ابداع جدید در عالم اکنومیسم را به شماتیک میگوئیم. مطابق شبیهات بکرو اصیل شما، ارباب و کارفرما دیواری! هستند که دولت را از دیده هقانان و کارگران مخفی نگا میگردند. همینطور دولت نیز دیواری است که امپریالیسم را از چشم توده ها مخفی نگا میگردند (!) بدینجهت (همه کسی قضیه در اینجا است) لازم است ابتدا با کارفرما و ارباب - این دیوار اول - مبارزه کرد بعد در مرحله دیگر وقتی این دیوار خراب شد، یعنی کارفرما و ارباب نابود شدند (؟)

همین آقایان هم باید براین مبنای واقع بینانه‌ی توده‌ای و قوانین

به حساب دولت که پشت سرا و ایستاده است، رسید و بعد از
همه‌ی اینها، یعنی بعد از خراب کردن دیوار دوم (شکستن
زانوی او!) امپرالیزم را که حالا! سروکلماش از بیشتر این
دیوار شکسته بیداشده ولا بد پشتی هم دیگریه دیوار رسیده!
داغان نعود (ا) یا به عبارت دیگر لازم است اول از مبارزه‌ی
اقتصادی و صنفی شروع کرد. در این مرحله بهیچوجه نباید
درست از پاختاکرد و مثلاً خواهان کوچکترین مبارزه‌ی سیاسی
شد - یعنی در این مرحله نباید بادولت بورژوازی و امپرالیسم
حاکم را فتاد بلکه باید از دست زدن به هرگونه مبارزه‌ی سیاسی
علیه طبقه‌ی حاکمه . . . خود را از بین سپس اگر حول و قوه'
این مبارزه‌ی صنفی - اقتصادی مورد نظر آقایان، توانست و
قدرت پیدا کرد دیوار کار فرمایان و مالکین را خراب کند (التبه
ما هنوز تفهمیده‌ایم چگونه می‌شود با وجود دولت تعاینده بورژواها
و ملکین و حاکمیت امپرالیسم و . . . - صرفاً "با مبارزه‌ی اقتصادی"
دیوار کار فرمایان را خراب خواهد کرد؟ مثل اینکه تنها باید
بگوئیم که آقایان سرنا را از سرگشاد شن باد کرد (آنگاه
می‌توان بھاین مبارزه‌ی اقتصادی کم کم چهره‌ی سیاسی داد
و در خواسته‌ای سیاسی رامطرح کرد (حالا این مرحله خوش
باید چه مراحل دیگر و چه مسیر دارد و در ازی راضی کند خدا
عالی است) در روند رشد همین مبارزه‌ی سیاسی است که نوت به
مبارزه باد دولت میرسد و . . . الخ.

البته مادراینچه از هرگونه بحث دربارهٔ ماهیت این آخرین ابداع مشعشع اکونومیستی شماکه میخواهد مبارزه‌ی توده‌ها را از اصلیتین سیر سیاسی خود علیه طبقه‌ی حاکمه و امپریالیسم خارج کرده و آنرا کت بسته در طبق اخلاص سازش‌کاری و معامله‌گری با بورژوازی بگذارد، دربارهٔ ماهیت تسلیم طلبانهٔ تئوری‌ای که بنحو موزد یانه‌ای مبارزه‌ی اساسی برای نابودی امپریالیسم و دست نشاندگان مزدور را اصلیش راعملان تعليق به محل میکند و جای آن اکونومیسم سازشکار و رکوتوه نظر جزوی لیبرال راقرار میدهد خودداری میکیم.

بررسی این مطالب و نقد آنها به ادامه‌ی همین بحث در متن (وندریا ورقی) و چنانچه در این مقاله امکان پذیر نشد به مقالات بعد موكول میشود اما اکنون فقط اجازه بد هید بهینیم نتایج مورد نظر شما از این تشبيه چگونه با یک تجربه‌ی انقلابی شناخته شده در سطح جهان تطبیق میکند؟ منظور تجربه‌ی وستام است. اگر انقلابیون و تسامی این توفیق عظمی را پیدا میکردند که رهنمودهای بیامبرانه شمارا در راهی مرافق که توده‌ها باید برای رسیدن بهیک مبارزه‌ی ضد امپریالیستی طی کنند میشنیدند، آنگاه نه تنهان میباشد و باید دست به دعوت توده‌ها برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دست نشاندگان داخلیش رژیمهای نگوین‌ها و وان شیوه‌ها بزنند، نه تنهان نی باشد و باید شعار نابودی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشاند ماش را در دستور روز مبارزه‌ی تمام طبقه‌سات و

براستی اگراین آقایان همین کارها را هم انجام میدادند،

نیروهای خلقی - دهقانان، کارگران، روشنفکران، خردمالکان و حتی مالکان لیبرال - قرار ید هند، بلکه بد لیل وجود همان دیوار کذا ائم و بد لیل اینکه ذهن توده هابه زعم شماتا از سیاست کانال طولانی و چند مرحله‌ای مبارزه‌ی اقتصادی، اقتصادی - سیاست وسیاسی . . . عبور نکد قادر به فهم آنچه که پشت دیوار وجود دارد، نیست! باید تنها به شعارهای اقتصادی و مبارزه‌ی اقتصادی - صنفی با مالکین و کارفرماهای اپسند میکردند . دهقانان را تشویق میکردند که بهره‌ی مالکانه‌ی کمتری بپردازند امتیازات ارض و . . . بگیرند و . . . و به کارگران توصیه کنند که برای اضافه دستمزد، بهبود شرایط کار و . . . اعتراض نمایند، خواهان سندیکا و اتحادیه بشوند و . . .

اما در چنین صورت مثالی ای، در صورت اجرای تعالیم مشعشع شما آقایان اکونومیست ها مثلاً در رویت‌نام، سرنوشت مبارزه‌ی مردم این کشور به کجا می‌انجامید؟ حاضرید در این باره لحظه‌ای اندیشه کنید، منصفانه کلاه خودتان را قاض کنید و تناقضات فاحش او هام اکونومیست خودتان را با واقعیتهای زنده و ملموس زندگی، آشکارا ببینید؟ بله، بلا فاصله خواهید گفت شرایط مثلاً رویت‌نام با ایران تفاوت دارد . در آنچه داشمن خارجی مستقیماً "نیرو پیاده کرده بود" افراد ارتتش آمریکا بالغ بزیم میلیون نفر بود . بدین دلیل جنبش‌های خود پس خودی اوچ و توان دیگری بید اکرده بود و . . . اما ما از شعایر پرسیم، امپرالیزم آمریکا که تا اوائل دهه‌ی . آ در رویت‌نام اصولاً سریاز نداشت و

واقعاً حاضر بودند بهمین ترتیب بصیان کارگران برond و باصطلاح

حد اکثر مستشاران نظامی اش کمتر از ۷ - ۶ هزار نفر (رقصی در همین حدود) بود، پس جهه عاملی باعث شد کمیکاره در مدت کمتر از ۷ - ۶ سال مجبور شد بیش از نیم میلیون سرباز د رانجسا پیاده کند؟ جزت شدید مبارزه‌ی سیاسی توده‌ها - مبارزه‌ای که مستقیماً دولت دست نشانده‌ی امپرالیزم را نشانه گرفته بود و توسط جبهه‌ی انقلابیون و یتنام رهبری می‌شد - عامل دیگری می‌توان پیدا نمود؟ امپرالیزم آمریکاد رویتام نیرو پیاده کرد برای اینکه انقلابیون آن به موقعه‌های اکونومیستی در باره‌ی مبارزه‌ی صنفی - اقتصادی و ... تسلیم نشده و شعار سرنگونی رژیم دست نشانده و نابودی نفوذ و حاکیت امپرالیستی را در دستور روز مبارزه انقلابیون و توده‌های حتمکش قرارداده و موجودیت این رژیم را به خطرانداخته بودند . والا مبارزه‌ی صنفی - اقتصادی مبارزه با کارفرما و ارباب کفاحتیاج به پیاده کرد نیم میلیون سرباز آمریکائی ندارد؟

نه آقایان محترم، این نافهمی، ہی تحریکی، ناگاهی و ... توده‌های نیست که موجب ندیدن نیشت دیوار می‌شود . خیر، این با کمال بوراثتی پاسیفیسم و ترس و زیونی خود را به دو شرایط و جریانات خود بخودی اند اختن و در عین حال منتظر رشد این شرایط و اوج خود بخودی این جریانات نشستن و بالنتیجه در برابر شان تسلیم شدن است که موجب عقب افتادگی نهضت مانده است . این شما - جناب روشن فکر اکونومیست - مستید که حاضر نیستید به وظایف انقلابی خود تان عمل

آنان را آگاه کند و . . . صادقانه هم نتایج کارشان را بررسی کند ماصحبت زیادی با آنها نداشتیم چون بالاخره در عصی میدیدند که قدم درجه راه انحرافی ای نهاده‌اند . چگونه خائفانه در برابر جریان خود بخودی مبارزه سرتسلیم فرود آوردند و چگونه "اکوتومیس" راجایگرین "سوسیالیس" کردند ! اما تأسیفانه جز معدود افراد و عناصری که هریک به نوعی تحت تاثیر این قبیل شوری با فیها عمل دست به چنین کاری زده‌اند، عمدتی کسانی که معملاً چنین اختراعات مشعشع شوریک یا بهترگوئیم عامل چنین نسخه برداریها و کتاب‌نویسی - هائی بودند (یا هستند) فرنگها از ایران و شرائط ایران ، کارگران و رحمتکشان ایران دورند . آنها در خارج از کشور از میان بازار داغ بحث‌های روشنفکری و از میان کتاب‌های قطبور در باب احکام و تجربیات عام . فرمولهای خود را استخراج می‌کنند و بعنوان شورهای دست اول انقلابی به ایران صادر می‌کنند . البته اینکه میکنند روشنفکر زندگی خود را بروزهای خود را رها

کنند . حاضر نیستید بخودتان رحمت بد هید تا کار لازم و فعالیت شایسته‌ی آگاه‌گراندی سیاست (بمعنای انقلابی و پیش‌تازانه‌ی آن) را که اصلیترین وظیفه‌ی شماست انجام دهید . این دیوار نه در مقابل چشم توده‌ها بلکه در آن دیشه و عمل شما وجود دارد . دیواری که منافع و طبیعتاً اندیشه‌ی شما اقتضا نمی‌کند تا آنرا از مقابل چشمانتان بردارید و حقیقت آمادگی تو دهارا نه صرفاً برای مبارزه‌ی اقتصادی بلکه همچنیس برای مبارزه‌ی سیاسی و انقلابی دریابید .

کند، بعیان کارگران برود و همراه آنها کار و زندگی کند، در حد خود یعنی در حد فعالیت یک عنصر روشنفکر و بعنوان اولین قدم عمل متلقیانه و نسبت به زندگی گذشته‌ای او گام انقلابی بشمار می‌آید و می‌تواند در همین حد نشاند هندسه‌ی صداقت این فرد باشد. امام‌سئله بر سرچگونگی حرکت متلقیانه یک روشنفکر نیست بلکه مسئله بر سر وظیفه‌ی جنبش انقلابی، وظیفه‌ی سازمان یا یک گروه انقلابی مارکسیست - لینینیست در قالب جنبش طبقات مختلف خلق و در اینجا بطور خاص در قالب جنبش کارگری است.

این دو سئله بعنوان دو امرکلی، از زمین تا آسمان بایکدیگر تفاوت دارند. برای یک روشنفکر مبارز ممکنست رها کرد نزندگی خرد، بورزوائی و رفتن به میان کارگران - بعنوان تنها راه آغاز فعالیت انقلابی و بعنوان اولین گام - عملی درست و انقلابی باشد، درحالیکه سازمان انقلابی نمی‌تواند بگوید ما از روی ناجار و سعلم اینکه ساده‌ترین کارمکله‌هایی است و باشاید اینکه چیز دیگری به عقلمان نرسید این حرکت را انجام میدهیم. درحالیکه اگر نظرات این محافل را که فوقاً "ذکر نمودیم از نزد یک و بطور دقیق - تری مورد توجه قرار دهیم باین نتیجه میرسیم که تها وظیفه‌ی اصلی و مهم یک سازمان انقلابی مرکب از انقلابیون حرفه‌ای مارکسیست - لینینیست، همانا عبارتست از رفتن به کارخانه‌ها و به میان کارگران، دادن آگاهی به کارگران تا مبارزه‌ی کارگران با کارفرماطی مراحل خود تشدید شده از آنجامبارزه‌اش را به پنهانی برخورد با اجزا، بروکراسی و سپس مأمورین ژاندارم و امنیتی او و آنگاه کل طبقه‌ی بورژوازی بکشاند.

اماچنین وظیفه‌ای برای یک سازمان انقلابی قائل شدن، هرچند که در پوشش تئوری خوش آب و رنگ "رفتن بهیان کارگران" یا شد چمصنای مید هد؟

آن آگاهی کمبه کارگران کمک میکند تا مبارزه خود را علیه کارفرمایش دید کند. آن فعالیت سیاسی آگاهگرانهای اکهاز مبارزه‌ی اقتصادی شروع شده و در یک مسیر تدریجی بضمایر زمینه سیاسی نائل می‌شود. اچمنوع آگاهی و چمنوع فعالیتی است؟ آیا این یک آگاهی سوسیالیستی است یا یک آگاهی ترد یونیورسیتی؟ آیا این فعالیت سیاسی "یک فعالیت انقلابی در میان طبقه کارگر است یا یک فعالیت اکونومیستی؟ مبارزه‌ی اقتصادی علیه کارفرمای چگونه میتواند به مبارزه‌ی سیاسی علیه طبقه حاکمه تبدیل شود؟ آیا ارگانهای اجرائی این دو نوع سیاست در میان جنبش طبقه (مبارزه‌ی اقتصادی و مبارزه‌ی سیاسی) یکسان هستند یا متفاوت‌اند؟ اگر کسان هستند چرا این ارگان هم اکنون فعالیت خود را در میان طبقه بهمان سیاست اول محدود کرده است؟ اگر متفاوت‌اند پس اجرای سیاست اخیر (بردن تئوری مبارزه‌ی سیاسی بمعان طبقه و تشکیل مبارزه‌ی خود به خودی آنها تا عالیترین سطح سیاسی) اگر وظیفه‌ی انقلابیون کمونیست نباشد وظیفه‌ی چه کسانی است؟

و بالاخره آیا وظیفه اینقلابیون کمونیست هدم‌سازی و همراهی با جنبش خود بخودی طبقه است؟ . . .

اجازه‌بد هید تجربهٔ تاریخی ظهور انحراف اکنومیست‌سی در جنبش انقلابی روسیه و بارزه‌ی جانداران انقلابیون کمونیست‌علیه

قیام کارگر
در شماره‌ی آینده، بحث خود را با بررسی تجربیات
انقلاب روسیه ادامه خواهیم داد.

* * *

بخاطر حجم زیاد مطالب، بحث "انقلاب ظفار" را با
پوزش از رفقای کارگر به شماره‌ی آینده موقول میکنیم.

* * *

رفقای کارگر!

باما به آدرس "کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران"
که در آخر همین شماره، "قیام" آمده است مکاتبه
کنید.

* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *



خبر

اخبار کارگری ایران

اعتراض کارگران جهان چیست :

در شعاره آذ رمه قیام کارگر خبری داشتیم در مورد اینکه کارگران کارخانجات جهان چیت روزهای هفتم و هشتم آبان برای دریافت سود ویژه نیمه اول سال ۴۵ دست به اعتراض زدند. جریان کامل اعتراض را براساس اطلاعات دقیقتری که بعارتیه است.

در زیر می‌آوریم :

قبل از کار فرما آخر هر ما سود ویژه کارگران را بین ۲ تا ۵ روز می‌پرسیم. پس از اینکه در این اواخر آنرا به راه می‌کاریم و می‌زانیم ۲۰ روز تقلیل دار. کارگران با این عمل کار فرما اعتراض کرد و واگرفتن ۲۰ روز سود ویژه خود داری می‌کنند. کار فرما وقتی با اعتراض کارگران رو برو و می‌شود آنرا تا ۲۳ روز افزایش میدهد. ولی کارگران قبول نکرد و می‌توانند که برای ۶ ماه اول سال ۵ روز سود ویژه آنها داده شود. خواهند که برای ۶ ماه اول سال ۵ روز سود ویژه آنها داده شود. بد نیال این جریان کارگران شیفت صبح و سپس کارگران شیفت بعد از ظهر، روز شنبه ۷ آبان در دفتر کارخانه جم می‌شوند و خواسته های عادلانه خود را مطرح می‌کنند. رئیس سند یکا و نمایندگان کارگران می‌خواهند که بسر کار برگردند تا آنها به کارشان رسیدگی کنند! ولی یکی از کارگران رو بمنایندگان می‌گوید: "ما خودمان به کارمان رسیدگی می‌کیم"! شما کاری به کارمان داشته باشید. در این

میان کارفرما (مهندس سیزدی) و مدیرعامل (مهندس سکسیاری) و رئیس انتظامات (سرهنگ) با حقه و نیز نگ و عده و عیاد سعی میکند کارگران را بادادن علی الحساب یکاه سود و یزه راضی کرده بسرکار برگردانند با این وعده که بقیه سود و یزه را هم آخر سال بآنها میدهند ! ولی عده‌ای از کارگران برای بسی اشکدن صحبت‌های آنها از میان کارگران فریاد میزنند : « . روز ۴۵ روز کارگریکه خود را در میان کارگران پنهان کرد مبود داد میزند : "مهند سکسیاری دزد است" . "کارگران که تحت تأثیر روحهای مدیرعامل درحال راضی شدن بودند هم با این عکس العمل‌ها هشیار شدند و با ره اعتراض خود را شدت میدهند . کوشش کارفرما و مدیرعامل برای فربداردن کارگران بجای نمیرسد و آنها موفق نمی‌شوند کارگران را سرکاری‌فرستند . این جریان از ساعت آینده از ظهر تا ساعت شب ادامه پیدا میکند و چون کارگران از دنبال کردن خواسته‌های خود منصرف نمی‌شوند کارخانه به اداره کار شهرستان کرج متول می‌شود . معاون اداره کاریه کارخانه می‌آید . او هم درابتدا سعی میکند کارگران را گول زد موبایل این وعده که حق شمارا خواهیم گرفت آنها را بسرکار برگرداند . ولی چون کارگران گول نمی‌خورند او عصبانی شده و شروع به تهدید کردن و ترساندن کارگران میکند و میگوید : "بد ستورشاه کسانی که اعتصاب راه بیندازند و نگذارند کارگران کارکند خرابکار و اخلالگر محسوب می‌شوند " . در جریان این سخنرانی و در جواب تهدیدهای معاون وزارت کار، یکی از کارگران حرف اوراق طبع کرد هو میگوید : "با به ما ۵ روز سود بد هید یا اینکه ما همان کارگران واقمه " .

کاروانسراسنگی هستیم . "(*) معاون اداره کار را شنیدن این حرف میگوید : " به به ، هنوز چنین کارگری در اینجا وجود دارد ؟ " و پس میخواهد که این کارگر را بشناسد . مهندس سیزدهی ، مهندس کساری و سرهنگ هم بر روی این موضوع پافشاری کرده و از کارگران میخواهدند که نام این کارگر را بگویند . ولی کارگران رفیق مبارز خود را در میان خود پنهان کرده و شروع به مسخره کردن کارفرما و دارودستهاش میکنند و میگویند : " نامش مهندس است ! "

بالاخره معاون اداره کارهم موفق نمیشود کارگران را سر کاری فرستد . کارگران هم شب را در رسالن کارخانه میخواهند و صبح روز بعد اعتصابشان را آدامه میدهند . ساعت ۹ صبح رئیس اداره کار میآید . او هم را بتدابیرای فرب دادن کارگران مقداری از فعالیت های شاه ضد کارگر را برای باصطلاح پیشرفت و رفاه کارگران ذکر میکند و پس ازان میگوید : " هنوز کارفرما با ماقرارداد نبسته است که چه مقدار سود بشما بد هد .

(*) - کارگران غیر این کارخانه در اوخر سال ۹۴ هنگامی که اعتصاب کردند و برای گرفتن حقوق خود دست گمعی - در جاده کرج - پیست وزارت کار را حرکت بودند مورد حمله چکمه پوشان و زاندارمها رژیم شاه خائن قرار گرفتند . مزد و ران رژیم پا مسلسلهای آمریکائی - اسرائیلی کارگران رزمده را بخاک و خون کشیده و حدود ۲۰ نفر را میکشند و بیش از ۵۰ نفر را زخمی میکنند . اشاره کارگر مبارز به این مقاومت دلیرانه است .

ما از کارخانه خواستایم فعلاً یکماه سود بشمابد هد و قیماش را آخرسال بپردازد . و دنبال آن تهدید میکند که "کسانی که بخواهند اعتصاب کنند و شورش راه بینند ازند؛ آنها را زندانی و تبعید خواهیم کرد . بالاخره اعتصاب ساعت ۱۵/۱۰ اهمان روز (۸ آبان) تمام میشود و کارگران با گرفتن یکماه سود و پژه به سر کاربر میگردند .

در تمام طول اعتصاب زاند ازمهام محوظه کارخانه و دور تا دور فتر را اشغال کرده بودند و در خروجی کارخانه را گتار ل میگردند .

پس از تمام شدن اعتصاب، کارفرما ۱۲ الی ۱۵ نفر از کارگران فعال در اعتصاب را بیرون کرده و اسمی ۴ انفر را هم در لیست سیاه کارخانه وارد میکند . یکی از کارگران اخراجی پیر مردی است که بیش از ۸ سال در این کارخانه کار کرده است و اکنون که توان کار کردن را ازدست داده و هیچ کارخانه‌ای حاضر نیست اورا استخدام کند او را اخراج کردند . این کارگر بیمار از دراعتصاب کاروانسراستگی نقش فعالی داشته و دراعتصاب آخر زیز فعالانه مبارزه میگردید است .

تعهیل نماینده به کارگران کارخانه "رضاء" در مشهد :

عددی از کارگران این کارخانه را - که وابسته به کارخانه ایران ناسیونال است - بدفتر احضار میکند و از آنان میخواهند که بار دیگر بهمان نماینده سابقشان رأی بد هندیک - می از کارگران میگویند : "این که نماینده" مانیست ؟ ! " رئیس حفاظت کارخانه که فوق العاده منفور است تهدید ش میکند و مقداری هم بد و بیراه میگوید . بقیه کارگران با مجرمه حاضر

در دفتر مجبور میشوند کاغذ را عضاً کند . پس ازان سایر
کارگران را هم مجبور باین کار میکند !
اخراج کارگران شركت لیلاند :

شرکت لیلاند موتور ایران به موجب قرارداد یکه جهت
ساختن و تحويل دادن اتووسهای دو طبقه داشت تا آبان
ماه ، همتعداد زیادی کارگرفتی و نیمه فنی استفاده میکرد . ولی
از دیماه ، تاکنون بیش از صد نفر (وقولی ۷۰۰ نفر) از کارگران
خود را اخراج کرده است . اخراج کردن کارگران هنوز اداره دارد
و شرکت روزانه ۱۰۰۰ نفر را بیرون میکند . این شرکت تا قبل
از دیماه ۵۰۰ نفر کارگردان است که بدینترتیب تاکنون بیش از
بیش از کارگران جدید خود را اخراج کرده است . علت این امر
ظاهراً تمام شدن قرارداد فروش اتووسها است . نکته قابل
توجه در این خبر اینست که اکثر کارگران اخراجی از کارگران جدید
هستند و بدینترتیب آنها نمیتوانند اعتراضی افتتاحی را علیه
این اقدام کارفرما برآورده باشند . در اینجا فقط اتحاد و همبستگی
کارگران جدید و قدیم میتواند توطئه کارفرما را در رهم بشکند که
متأسفانه این اتحاد و همبستگی وجود ندارد .

اعتراض کارگران کارخانه نورد اهواز و سخنان وزیر کار :
در رواخر آبان ماه سال جاری کارگران کارخانه نورد اهواز
هرای گرفتن حق مسکن و برخی حقوق دیگر است با اعتراض
میزند . خبر دیگر از جریان اعتراض ندارم همینقدر معلم
است که پس از عدم توافق بین کارگران و کارفرما ، رئیس کارخانه
اعلام میکند که اختیارات لازم برای بجا آوردن خواسته های
کارگران را ندارد ! ولی پس از آمدن وزیر کار ! معینی / و مدیر

عامل کارخانه (علی رضائی، سنا تور فرمایش) بحول کارخانه و مذاکره، حضوری، اعتصاب تمام می‌شود و کارگران بسرکار برمی‌گردند جریان جلسه‌ای که با شرکت وزیرکارا، علی رضائی و استاندار اهواز و دیگر کارفرمایان و همچنین نمایندگان کارگران و عدّه‌ای از کارگران در راشگاه شرکت نفت تشکیل شده بود، حاوی نکات جالبی است:

ابتداً یکی از نمایندگان کارگران از وزیرکارا می‌خواهد که برای تأمین مسکن کارگران اهواز فکری جدی بکند؛ زیرا در حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد مزد کارگران صرف هزینه مسکن می‌شود. نماینده کارگران می‌خواهد که مطابق قانون کار، خانه‌هایی از طرف کارفرمایان ساخته و به کارگران داده شود و یا حداقل دولت و کارفرمایان زمین در اختیار آنها بگذارند. تا خودشان با تشکیل شرکت تعاونی به ساختن خانه اقدام نمایند. وی در خاتمه صحبت‌ش از وزیرکارا می‌خواهد که بعد از سخنرانیش ۵ دقیقه برای این موضوع وقت بگذارد تا شکلی‌سف این کار روش شود. ولی وزیرکارا وقتی برای سخنرانی پشت تربون می‌رود بعوض توجه و پاسخ به خواسته‌ای کارگران با وفاحت سخنرانی خود را با این جمله آغاز می‌کند: "مردم ایران درازای اینکه موقعیت اجتماعی آنها بهتر شده بایستی بیشتر کار کنند. !؟ وزیرکارا چنین ادامه می‌می‌کند: کارگران که از سهمیم شدن در سود کارخانجات و موقعیتهای رفاهی دیگر برخوردار شده‌اند بایستی بهره وری کار خود را بالا ببرند. !؟ وفاحت پراکن‌های جناب وزیر! بهمین ترتیب ادامه می‌کند: "برای پاسخ دادن به

سئوالات حاضرم . هر کس سئوالی دارد مطرح کند . ولی وقتی کارگری خواست سئوال کند مدیر کل اداره کاراهواز جلوی او را گرفت . کارگری که درابتدا چند دقیقه‌ای صحبت کرد ، ہو نهم سئوالی داشت که باز مددیر کل اداره کارگفت : " فعل و قت ش نیست " بگذار برای بعد . ! سپس خود شریشت تربون رفته و میگوید : " گواهی چکس سئوالی ندارد ." ! او پس از تشرک راز وزیر (بخاطرد فاعش از سرمایه داران) جلسه را خاتمه میدهد !

واقعاً که سرمایه داران خوب وزیری اجیر کرد ماند ! کارگران از نداشتن مسکن مینالند . وزیر کار ! موقعیت های رفاهی را بrix آنها میکشد ! کارگران از بالا بردن هزینه مسکن و کافی نبودن مزد شان شکایت میکند . وزیر سرمایه (*) برای سود بیشتر سرمایه داران دل میسوزاند و از بهره‌وری بیشتر کار صحبت میکند ! منتظر چنان وزیر ! اینست . اگر کارگران مسکن ندارند ، مهم نیست . اگر مزد شان مخارج زندگی بخورو نمیرشل راهم تأمین نمیکند ، بد رک ! آنها که سائل مهی نیستند . مهم اینست که چون " موقعیت اجتماعی آنها بهتر شده " پس باید

(*) - وزیر کار کسی است که بوسیله کارگران وزحمتکشان انتخاب شود و از نیروی " کار " و حقوق کارگران دفاع کند بنابراین وزیری که بوسیله سرمایه داران اجیر میشود و از استثمار سرمایه " و منافع سرمایه داران دفاع میکند هیچ اسس غیر راز " وزیر سرمایه " نمیتواند داشته باشد . همین طور است " وزارت سرمایه " اداره سرمایه " و

بهره‌وری کارشان را بالا ببرند! لابد منظور جناب وزیر! از مردم سرمایه داران نظیر علی رضائی، لا جوردی و ... هستند که سناتور هم شده‌اند. بنابراین جناب وزیر احقر دارد از کارگران بخواهد بهتر ترتیب و در هر شرایط بیشتر کارکنند تا سود بیشتری عاید مردم (یعنی اربابان سرمایه دار وزیر مزد و را بکند).

سخنرانی وزیر کار ا در جلسه "نمایندگان صاحبان صنایع"

در جلسه‌ای که روز چهارشنبه ۳۰ مهر روزارت کارتیه ایران تشکیل شده بود، وزیر کار ا برای نمایندگان صاحبان صنایع سخنرانی کرد و چنین میگوید: "اعتراضات کارگری در ایران روز بروز افزایش یافته است بطوریکه آمار گرفته شده چنین نشان میدهد که در سال ۱۴۴۹ - ۱۴۴۸ اعتضاب سال ۵۰ - ۱۴۴۹ اعتضاب سال ۱۵۰ - ۱۴۵۰، بیش از ۲۰۰۰ اعتضاب و بالاخره سال ۵۲ - ۱۴۵۱ نزدیک به ۵۰۰ اعتضاب در کارخانجات رخ داده است." وزیر کار ا علت اعتراضات را چنین گفته است: "تاسالهای اخیر وضع کارگران خوب نبود و دستمزد آنها کم بود و کسی از آنها طرفداری نمیکرد، هاست. کم کم وزارت کار مشتبه کارگران شد" (۱) و نماینده کارگران از آنها دفاع کرد و بهمین دلیل کارگران هر روز اعتضاب میکند (۱) که وضع آنها بهتر شود.

جالبترین نکته در این سخنرانی، اعتراف وزیر کار ا به اوج گیری مبارزات کارگری است. رشد تصاعدی اعتراضات و مبارزات طبقه کارگر ایران - که اکنون سرمهداران رژیم شاه هم مجبور به اعتراف آن شده‌اند همان عاملی است که چشم انداز پرشور مبارزه، خلق مارانزدیکر و پرشکوه ترمیکد.

اما این سخنرانی حقایق جالدیگری را نیز آشکار میکند.

حقیقت اول وقاحت وزیر سرمایه است، جناب وزیر! از یک طرف میگوید وضع کارگران بهتر شده است و از طرف دیگر میگوید تعداد اعتصابات زیاد شده است. و بعد با وقاحت میگوید علت زیاد شدن تعداد اعتصابات بهتر شدن وضع کارگران است!

حقیقت دوم در این سخنرانی "زیاد شدن اعتصابات به دلیل حمایت وزارت کار!" است. آری، وقتی وزارت سرمایه با سرکوب کرد ن اعتراضات کارگران از آنان حمایت میکد! وقتی رژیم شاه جنایتکار را بخاک و خون کشیدن کارگران مبارزه از اعتصابات آنها حمایت میکد! وقتی اعتصابات کارگران جهان چیز و شاهی با مسلسلهای آمریکائی - اسرائیلی از طرف رژیم حمایت! (یعنی سرکوب) میشوند! کارگران میفهمند که برای گرفتن حقوق شان فقط باید بخود شان متکی باشند. کارگلن درک میکنند که برای گرفتن حقوق شان باید اعتراض و اعتساب کنند آنها همچنین درک میکنند که نه فقط علیه سرمایه داران بلکه علیه رژیم حاکم سرمایه داران نیز باید مبارزه کنند. آنها مبارزه میکنند و این مبارزه را تا سرنگونی کامل دولت شاه جنایتکار ادامه خواهند داد. و این حقیقتی است که وزیر مزد و سرمایه داران مجبور به اعتراف آن شده است!

* - * تودهای زحمتکش به مبارزه علیه * - *

* - * رژیم شاه جنایتکار امام حسین هند * - *

در شماره آذرماه "قیام کارگر" در گیری زحمتکشان "نعمت آباد" و "ترک آباد" را بانی روهای ضد خلقی رژیم خبر دادیم. همچنین خبرهایی داشتیم از زد و خورد بین مردم

د راین شماره مشروح و قایع درگیری زحمتکشان شمیران نو
راباعی عالی زدیم شاه درج میکنم :

مختصری از اوضاع شمیران نو : شمیران نو منطقه‌ای است در شمالی‌ترین قسمت نارمک، در شمال شرقی تأسیسات شرکت واحد.

زمین خوارها، زمینهای این منطقه را که قبل بیان بود
بنام خود ثبت کردند و از ۱۵ سال قبل شروع به فروش آنها
به زحمتکشان نمودند. زمین خوارها - که چند برادر (معروف
به هفت برادران) و چند تیمسار از آن جمله‌اند - در مقابل
فروش این زمینهای قبالت‌های کاغذی که هیچگونه ارزش رسمی
و سندی نداشت به مردم دادند و از راه کلاهبرداری و با
مکیدن خون توده‌های زحمتکش، شرطه‌ای هنگفتی بچنگی
آوردند. مردم نیز بعلت ارزان بودن زمین در این منطقه به
آنچه آمده و از ۱۰ الی ۱۵ سال قبل شروع به ساختن خانه
کردند. و با حمایت و مراحت بسیار و بهای رشوه دادنها چند
باره موفق شدند خانه‌هایی در آنجا بسازند. مردم فقیر این

منطقه که صدها خانوارند از ابتدائی ترین وسائل زندگی نیز سحر و مند . این منطقه لوله کشی نشده و مردم آن از نظر آب شدیداً در رمضیقه هستند . تنها ۳ شیرآب در منطقه وجود دارد که مورد استفاده همماهالی است . در تمام مدت شب ان روز و مردم در این آشیر - که فشارشان هم خیلی کم است - جمع شده و ساعت ها بخاطر کم آب منتظر میمانند . دعوا بخاطر آب - بعلت کمی آن واژد حمام مردم - یک واقعه عادی و روزمره است . تا کون چندین نفر در سر شیرآب بخاطر آن جان خود را ازدست داده اند ! نان ، حمام و دیگر نیازهای اولیه مهتمترین مسائل مردم منطقه بشمار می آید . اسرویسهای رفت و آمد شان از شهریه محل که جای خود دارد و دیگر صحبت شرایط نباید کرد و همین طور است بقیه نیازهای مردم .

بارزه و مقاومت مردم بازموقعي که مسئله مناطق خارج از محدوده عالم شد ، شهرداری دخالت کرده و به جلوگیری از ساخته شدن خانه ها بوسیله مردم پرداخت . اما مردم بخاطر احتیاج به مسکن مجبور بودند به روشی که شده خانه ای بازند شهرباری هم با سوءاستفاده از نیاز مردم ، با جگیری از آنها را شروع کرد . مأموران شهرداری از هر ماشین آجری که از منطقه شهرداری عبور میکرد . ۰۰۰ تومان و برای ساختن هر خانه حداقل ۳۰۰ تومان باج میگرفتند . آنها بیش رسانه ، هر خانه ای را که بد ون دادن باج ساخته میشد خراب میکردند ، بشکه های آبی را که باز حمل زیاد تهیه شده بود بزمین می رختند و این اذیت و آزارها هنوز هم ادامه دارد و با تشکیل گارد مخصوص این گارد ر شهرداری شدت هم گرفته است .

نفرت و گینه عمیق مردم نسبت به شهرداری درابتدا شکل مقاومت منفی بروز میکرد . مثلاً یکارکه گارد شهرداری برای خراب کردن خانه‌ای آمده بود ، صاحبخانه "زمختکش" با یک کارد قصابی جلوی درخانه ایستاده و به مزد و ران ضد خلق میگوید : "اگر یک قدم دیگر جلوی اید خودم را میکشم " مقاومت‌های از این قبیل تا خرداد ماه سال جاری تنها شکل مقاومت مردم بود . در این زمان مردم که تحملشان تمام شده بود واز " مقاومت منفی " هم نتیجه‌ای نگرفته بودند تصمیم میگیرند جواب زورگوئی‌های شهرداری را بازورید هندواز تجاوز مأموران شهرداری جلوگیری کنند . عده‌ای از مردم شمیران نومخفیانه " اتحادیه " ای تشکیل می‌دهند (*) و قرار میگذارند که جواب دنده‌ان شکنی به زورگوئی‌ها و تجاوزات مأموران شهرداری بد هند و میگویند : " یا آنها مارامیکشند و یا ما پیروز میشویم . "

بدنبال این تصمیم مردم در هر نقطه که زمینی داشتند شروع به ساختن خانه میکنند . خبرگوش مزد و ران شهرداری و شهریانی میرسد . شبانه گارد و رانگر شهرداری و ۳ میلیون گارد ضد اغتشاش شهریانی با یک بولد وزیر راهی شمیران نمیشوند تا خانه‌های تازه سازود بوارهای بالارفته را ویران سازند . مزد و ران بعضی درون به منطقه، مورد استقبال و پذیرائی

(*) - از چگونگی این شکل که اهالی به آن " اتحادیه " میگفتند اطلاع دقیقی در دست نیست ولی در جریان درگیری مردم با نیروهای رژیم وجود یک رهبری محسوس بسود .

گرم ! مردم — که از قبل خود را آماده کرده بودند — قرار میگیرند . زحمتکشان خشمگین ه از زن و مرد و کوچک و بزرگ، با چوب و چماق و حتی دست خالی بعجان مزد و ران میافشند . مأموران در ابتدای پیشروی میکنند ولی خشم آتشین مردمی که جان برلبشان رسیده بود آنها را درست پاچه و مستاصل میکند . زحمت — کشان خشمگین با مقاومت یکپارچه خود مأموران را علیرغم تعداد زیاد و تجهیزات کاملشان شکست داده و واداریه عقب نشینی کردند . مزد و ران با صطلاح قلد رشد اداری و شهریانی پس از کل خوردن و برداشتن زخمها فراوان با جاگذاشتن بولد و زره زوزه کشان دست به فرار زدند . حتی بولد و زره نیاز از خشم مردم در امان نماند . مردم بولد و زره را که نو هم بود — با پیل و گلک در هم کوییده و به آهن پاره ای تبدیل کردند .

مردم هشیارانه به پاسداری پیروزی خود پرداختند و به نوبت در منطقه پاس می دادند . ولی شهرداری از ترس خشم او جگیرند . مردم واقع امام خشن ترا آنان ه خانه سازی دارند این زمینهای را برای ساکنان شمیران تو آزاد اعلام میکنند بدینترتیب مقاومت دلیرانه زحمتکشان شمیران تو، مزد و ران را به را ودار به عقب نشینی میکند و مردم از فردای شب درگیری شروع به ساختن خانه هایشان میکنند .

عكس العمل این درگیری و یورش دوباره مزد و ران :

بنودی خبراین پیروزی در بین زحمتکشان میبیجد . در تمام منطقه و اطراف آن صحبت از پیروزی مردم در میان است . مردم جمع میشند و با شادمانی میگفتند که دیگر شهرداری جرأت ورود به شمیران ندارد . در چند مورد اظهار نظرهای

جالبی شده بود . مثلاً "یکباره که عده‌ای در هم جمع شده بودند میگفتند : "وقتی مردم مثل دیشب با هم متعدد باشند ، حتی اگر دولت ارشش را هم بسیج کد نمیتواند جلوی آنها را بگیرد . "

چند روز پس از این جریان سیل عظیمی از فقیرترین توده‌های شهری به این خیال که خانه‌سازی در منطقه برای همه آزاد شده است ، با بیل و کلنگ برای تصاحب زمین سرازیر شده و هر یک زمین‌هائی را تصرف کرد و فارغ از خیال تهاجم مزد و ران رژیم به ساختن خانه میپردازد . جریان این هجوم بلا فاصله به شهریان اطلاع داده میشود . نیروهای سرکوب دشمن با دستپا چگی ، با گازاشک آور و مسلسلهای آمریکائی - اسرائیلی بسوی منطقه یورش میآورند و با شلیک تیرهای تک تمام منطقه را محاصره میکنند . راههای را بسته و به هیچ مأشینی اجازه عبور نمیدهند . فرمانده "مزد و ران" (سرهنگ) دستور داده بود که کوچکترین مقاومت مردم را با گلوله پاسخ بدند و آنها را به رگبار بینند . گارد پس از محاصره ، اهالی ، آنها را واداره خروج از منطقه مینماید و مردم هم که خود را بادستان خالی در مقابل چکمه بوشان مسلسل بدست رژیم میبینند پس از مدتی مقاومت واپسیگی مجبور به ترک منطقه میشوند . بد نیال این جریان منطقه‌مدد رپوششی از نیروهای رژیم قرار میگیرد . این وضع چند روز ادامه پیدا میکند و پس از آن مزد و ران بتدربیج منطقه را ترک میکنند . پس از آن ورود هر نوع مصالح ساختمانی به منطقه ممنوع اعلام شد و لک اکیپ از مزد و ران رژیم برای جلوگیری از ورود مصالح ساختمانی در دروازه شیران نو مستقر گردید . هر ماشین که وارد منطقه میشد مورد کنترل دقیق

این مأموران قرار میگرفت (*). اکیپ چند نفری مأموران کم کم بصورت پاسگاهی درآمد که توسط پاسبانهای کلانتری نارمک پاسداری میشد و کارش جلوگیری از ورود مصالح ساختمانی به این منطقه بود. مردم از مزاحمت های پاسبانهای این پاسگاه که جای مأمورین شهرداری سابق را گرفته اند به تنگ آمدند و آنرا محل دزدان سرگرد نه مینامند. درگیری های پراکنه مردم با این "دزدان سرگرد نه" ادامه دارد. مثلاً یکبار پاسبانهای پاسگاه بوسیله "عدمای ناشناس" کش خورد و فرامیکند ولی مجدداً برگردند و کارهای ضد مردمیشان را ادامه مید هند.

مزدوران شهرداری و شهربانی در آبان ماه گذشته با بولدوزرها و تجهیزاتی نظیر مسلسل و گازاشک آور به منطقه می آیند و علی رغم اعتراضات مردم در حدود ۶۰ خانه را در منطقه معروف به اوقاف - خراب میکنند. مردم میگفتند همان چند نفری که از مارشو گرفته بودند تا خانه های میشان را بازیم موقع خراب کردن خانه ها فرماندهی عملیات را بعهده داشتند.

دو باره مدتی بعد مأمورین برای خراب کردن چند مغازه - یاخانه - وارد شمیران نمیشوند ولی مردم با آنها اجازه

(*) - روزنامه های جیره خوار رژیسم نیز خبرهای مختلف را از این جریان درج کردند. مثلاً کیهان روز ۲۱ شهریور ۵۵ نوشت: "توقیف مصالح ساختمانی در شمیران تو... ۱۳۰۰۰ کامیون مصالح ساختمانی توقیف شد و ..."

چنین تجاوزی را نمیدهند . اهالی این منطقه که درگذشته ای نزدیک مقاومت و مبارزه دلیرانه خود را نشان داده بودند این بار هم به زد و خورد با مأمورین میپردازند . مأمورین بعض در گیری شروع به تیراند ازی هوائی و پرتاب گاز اشک آور میکنند . در اثر مقاومت شدید مردم تیرها که ابتدا هوائی بود بجانب مردم نشانه روی میشود . این جنایت تعدادی زخمی و یک شهید بنام "علی میرزا"ی "بجای میگذارد و چند معازه هم خراب میشود . همان شب تعداد زیادی از اهالی در مسجد جمع میشوند و در حالیکه چشم انعدامی داران شلیک گاز اشک آور بوسیله مأمورین بشدت میسوخت درباره جریان صبح به گفتگو میپردازند . فردی شروع بسخترانی کرد . میگوید : "من میدانم که فرد اساعت ۹ اینچنانست ولی میخواهم حرفهایم را بزنم . ما چقدر بیچارهایم . در وطن خود مان حق زندگی و آزادی نداریم مردم شما هم غیرت ندارد ؟ اکنون چند معازه را خراب کرد هاند . فرد انوبت خانه های شماست . همت کنید و فرد اب طرف مجلس راه بیفتید و تظاهرات برآ بیندازید . اسم ما شیران نوش ها بد در رفته . هرجا (اداره یا موسسه دولتی) از شیران نوش ها صحبت میشود به او خراب کار میگویند و ... او سپس برای اینکه صحبت هایش مارک سیاسی نخورد میگوید : "مردم شاخصی خویه، اشتباه نکنید اینها هستند که نیکذارند اخباریه گوش شاه برسد . " عکس العمل مردم در مقابل این حرف تمسخریود . این تمسخرگویای همه آنستی بود که تحمل کرد و بودند . ستعی که از طرف مأموران رژیم همین شاه خائن با آنها شده بود . همین فرد در امام صحبتش گفت : "من فرد انیستم ، چند وقت

پیش بخاطره مین حرفه ام را به سازمان امنیت بردنند و آرزو
با زد اشت کردند و

بهر صورت آن شب تصمیم براین می شود که همه اهالی آن صبح
فرداد ر مسجد حاضر شوند ولی مردم تأکید می کردند که مردم ها
باید در تظاهرات شرکت کنند چون در این صورت عمال جنایتکار
روزیم با یارانه و اسلحه آنها را متفرق می کنند ولی با زمینه ای و
بچه ها نمیتوانند چنین رفتاری داشته باشند ! مردم از فردی که
در این حادثه کشته شده بود بعنوان شهید یاد می کردند و
میگفتند : " او به خاطره همه ما شهید شد تاما خانه مان را حفظ
کنیم . او راه را بمانشان داد . "

بنابرود جسد این شهید را به مسجد بیاورند تا در جریان
تظاهرات در پیش از صفوت ظاهر کنند گان بحرکت درآید تا
آنها در رسیرشان برای مردم توضیح بد هند که چرا تظاهرات
کرده و فرد مذکور را چه بشهادت رسانیده است . ولی پژوهش
قانونی ازدادن جسد به مردم خود داری کرد و تظاهرات نیز
برای جلوگیری از سرکوب خونین آن توسط چکمه پوشان روزیم
انجام نشد . اجتماع مردم در آن شب با سخنرانی یکی دو نفر دیگر
پایان یافت . مبارزه و مقاومت زحمتکشان شمیران نسو
هنوز ادامه دارد .

مبارزه زحمتکشان عظیمه کسریج :

ساکین کوئی عظیمه - در صدد وده شهرستان کسریج -
پس از تهدید مأمورین رژیم در مردم خراب کردن خانه هایشان
تهدید کردند که در صورت نزدیک شدن بولد وزرهابه
خانه هایشان متقابلاً خانه شهردار کرج را به آتش خواهند

فیام کارگر

کشید بدنبال همین جریان روزنامه "جیره خوار" "رستاخیز" ۳۲ دیماه تحت عنوان "تقاضای ساکنین کوی عظیمیه" از قسول اهالی این منطقه نوشت: "ساکنین خیابان ۲۴ متری عظیمیه در محدوده شهرستان کرج، نزدیک به یکسال است در این محل ۲۰۰ دستگاه ساختمان احداث کرده و در آن ساکن هستیم ولی از چند بیش آنهم بدون دلیل قابل قبولی، مورد مزاحمت مأموران شهرداری کرج قرار گرفتایم. مأمورین شهرداری، مرتب مارامورده شدید قرار میدهند که باعث وحشت خانواده هایمان شده است و چون امکان تلفات جانی زیاد است لذا توجیه مقامات مسئول را جلب و تقاضای رسیدگی فوری داریم تا از اقدامات شدید آمیز مأمورین شهرداری کرج جلوگیری شود."

"محمد ایران نژاد و تعدادی امضا دیگر"
مأمورین تاکنون اقدامی برای خراب کردن خانه های مردم صورت نداده اند.

زحمتکشان حقوق خود را بزور میگیرند:

در تاریخ ۱۱/۱۵/۹۴ بیش از صد نفر از زنان زحمتکش خیابان چهل متری حسینی دست بتظاهرات میزندند.
خیابان حسینی - که جاده قدیم کرج را به جاده "ساوه" وصل میکند - بعلت عبور و مرور ماشینهای سنگین به ترافیک فشرده ای دارد. پرجمعیت بودن منطقه، ترافیک سنگین خیابان و نبودن وسائل ایمنی (چراغ راهنمائی و...) در آن و نیز تاریک بودن خیابان تاکنون موجب حوادث زیادی شده است. بگفته اهالی از زمان احداث خیابان تاکنون - حدلا

خبر — اخبار — ۵ نفر در تصادفات این خیابان کشته شده‌اند.
دو سه شب قبل از تظاهرات زنان، زنی حامله براثر برخورد با
تریلر کشته می‌شود و صبح همان روز زیز مردی جان خود را در راین
جاده ازدست میدهد. این حوادث، خشم مردم را دامن
می‌بیند و زنان — که بخصوص بشدت خشمگین بودند — تصمیم
می‌گیرند که تظاهراتی برای بیان داشتند. براساس این تصمیم روز
۱۵ بهمن ماه جاده را بند می‌آورند. ماشین‌های رصفی طولانی
محبوب به توقف می‌شوند. چند راننده که با اعتراض به زنان، قصد
عبور از لایلاند آنها را می‌کنند مورد تهاجم زنان قرار گرفته و ماشین‌ها
یشان سنگاران می‌شود. شیشه‌های چند ماشین خرد می‌شود
و زنان خشمگین اعلام می‌کنند که تا تضمین اجرای درخواستهای یشان
به تظاهرات خود ادامه خواهند داد. آنها خواسته‌های خود
را به این شرح اعلام می‌کنند:

- ۱ — نصب چراغ در سرتاسر خیابان، زیرا تاریکی عامل مهمی
در این تصادفات بوده است.
- ۲ — نصب چراغ‌های راهنمای رفواصل مختلف جاده و
ایجاد پلهای هوائی برای عبور پیاده.
- ۳ — نصب چراغ راهنمای یا گذاشتن مأموران پلیس راهنمائی
در تقاطع‌ها.

در همین موقع قطاری که می‌باشد از خط آهن بخل جاده
بگذرد سرمیرسد و مجبور بتوقف می‌شود.

خبراین تظاهرات به کلانتری محل (کلانتری ۱۹) میرسد
که برای متفرق کردن زنان پاسبان ب محل می‌فرستد. پاسبانها
که قصد حمله به زنان را داشتند مورد تهاجم آنها قرار گرفته و

قیام کارگر ۰۰

سنگباران میشوند . بدنبال این جریان زاندارمی دخالت میکند . چند کامیون زاندارم مسلح به خیابان آمده زنان را با خشونت متفرق میکنند .

خواسته های مردم که از مدتها قبل بوسیله نامه دادن و شکایت کدن و ... عنوان شده بود اینبار با اتحاد خود آنها و برخورد خشونت آمیزشان ضعات اجرائی پیدا میکند و روز بعد از تظاهرات رژیم بالاجبار تعداد زیادی کارگر را برای اجرای خواسته های مردم و در مرحله اول نصب چراغ برای روشنائی خیابان به آنجام میفرستد .

”پرشکوه ترباد مبارزه“ توده ها علیه ”

”رژیم شاه جنایتکار“

آماری از جنایات سرمایه داران :

طبق آماری که از روزنامه های جیره خوار رژیم بدست آورده ایم ، از آذربایجان گذشته تا نیمه بهمن امسال ، ۳۷ کارگر در ضمن کار و در اثر انفجار دیگ بخاره برق گرفتگی ، سقوط از بلندی و ... کشته شده اند .

این آمار مسلمان ”بیان کند“ فقط جزئی از جنایات سرمایه داران است . زیرا از هم دست و حامی جنایتکار نمیتوان انتظار داشت که بهمه جنایات اعتراف کند . رژیم شاه که خود مستقیما در جنایات سرمایه داران شریک و مسئول است از جنایات آنان بوسیله وزارت کار ، پلیس ، زاندارمی ، سازمان امنیت و ...

خبر

حمایت میکند ب مسلمان فقط جزء کوچک از این جنایات را منعکس نماید . و قربانیان حرص و آزسرمایه داران بسیار بیشتر از ۳۷ نفری است که رژیم اعتراف میکند .

در این میان رژیم که قصد داردستان خون آلود خود را بپوشاند و انعود میکند که کویا "صد ماتوارد به کارگران ناشی از بی مبالاتی" بی وقتی، و ۰۰۰ خودشان است . به این دلیل است که کارگران از وسائل حفاظتی استفاده نمیکنند "ا ولی کوشش رژیم بیهوده است .

کارگران بخوبی میدانند که این کشته شدنگان و صدها هزارها کارگر کشته شده و صدمدیده "دیگر قربانیان حرص و آزسرمایه دارانند . همچنین کارگران بخوبی میدانند که آنها بدین دلیل صدمدیده میباشند خود را لذت داده اند که وسائل حفاظتی در کارخانه ها وجود نداشته است .

چند خبر دیگر در این زمینه :

* - یکی از کارگران کارخانه سیمان مشهد دستش زیر نوار نقاله رفته و قطع شده است . قبل از نیزد راین کارخانه یک کارگر از بالای دکل سقوط کرده و درگذشته است .

* - ساعت ۵ صبح روز ۲۸/۱۰/۴۵ حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کشته میشوند که از سرویس عقب مانده بودند برای اینکه در یک کارخانه نرسند و جرمه نشوند سواریک وانت میشوند . اوایل جاده قدیم کرج بعد از فرودگاه، ماشینشان از کار میافتد . هنگامیکه کارگران مشغول هُل دادن ماشین و راه انداختن آن بودند، مینی بوسن که با سرعت از جاده عبور میکرد از پشت به آنها میزند . در این تصادف بین ۶ الی ۲۰ نفر از کارگران کشته

و بقیه زخمی میشوند.

* - در هفته اول بهمن ماه ۵۷ تن از کارگران شرکت "تکوفر" هنگام بازگشت از کارخانه در جاده قدم کرج - حوالی شاه پسند برای تصادف با یک اتوبوس مسافر بری (و بقولی سرویس کنسرملی) در جا کشته میشوند.

پیروزی کارگران کارخانه قرقره زیبا :

کارگران کارخانه قرقره زیبا که در آبانماه امسال دست باعتصاب زده بودند، توانستند بهمراه خواستهای خود دست یابند. اعتصاب کارگران با موفقیت کامل و با گرفتن "یکماه و نیم سود و بیمه برای نیمه" اول سال ۷۰ "یک پایه حقوق" پایان گرفت. علیرغم این پیروزی و بالارفتن مزد، کارگران بطور روزافزونی کارخانه را بعلت سطح پائین دستمزد هاد رآن ترک میکنند و به کارخانه هایی که با مزد بیشتری آنها را استفاده میکنند میروند. چند سالن و تعداد زیادی از دستگاه ها خواهد بود و کارخانه اکون با کمبود ۰۰ نفر کارگر رو بروست. کارخانه در خشان (وابسته به کارخانه قرقره زیبا) هم ۳۰ نفر کارگر کم دارد.

اعتصاب در معادن کرمان و پیروزی کارگران :

کارگران معادن کرمان در زیمه اول بهمن ماه ۷۴، برای گرفتن مزد دینماه که پرداخت نشد بود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تا پیروزی کامل کارگران ادامه داشت و بعد نجیان خشمگین که ستم دولت ضد کارگری شاه جنایت کارخانشان را به لب رسانده بوده تنها پس از گرفتن تمام دستمزد شان حاضر

شدنده سرکار برگردند.
اینک شرح جریان اعتصاب:

* - اعتصاب کارگران معدن "پادانا"ی کرمان:
اعتصاب در این معدن سه روز طول کشید. کارگران
بلافاصله پس از دست کشیدن از کاره به نیروگاه برق معدن حمله
کرد و آنجارا شغال میکنند. معدنچیان خشمگین به کارمندان
نیروگاه دستور میدهند که نیروگاه را خاموش کنند. کارمندان
درابتدا ازان حجام این کار خودداری میکنند ولی وقتی خشم
کارگران را مشاهده میکنند و با فحش و تهدید آنها را برومیشنوند
تسلیم شده و قبول میکنند که نیروگاه را خاموش کنند. با این حال
میگویند: "باید اول از سرعت ماشینها کاست و بعد آن را خاموش
کرد. در غیر این صورت دستگاهها خراب میشوند." کارگران
جواب میدهند: "به جهنم که خراب میشوند." و کارمندان
رامجبر میکنند که یک دفعه نیروگاه را خاموش کنند.
پس از خاموش کردن نیروگاه، عده‌ای از کارگران چوب به
دست و با یک ماشین به جستجو در معدن میپردازند. و هر
جا کارگری را در حال کار کردن مشاهده مینمایند او را بزور سوار
ماشین کرده و در فاصله‌ی دو ری پیاده میکنند.
کارگران سپس وارد قسمت اداری شده و آنجارا هم تعطیل
میکنند. شدت عمل کارگران در این قسمت بیشتر بود و مثلاً
وقتی یک از کارمندان در مقابل اقدامات کارگران مقاومت میکند،
کارگران او را با فحش از قسمت اداری بیرون میانند از نمایند.
کارگران اعتصابی در جستجوی کارگران و کارمندانی که ممکن
بود احیاناً مشغول بکار را شنیده‌اند به باشگاه نیز رفتند و

قیام کارگر ۵۴
چون در آنجا غیر از کارشناسان روسی کسی را ندیدند آنجا را ترک کردند.

در روز دوم مقدار زیادی سرباز نیروگاه برق را محاصره میکند تا ازا شغال آن بوسیله کارگران جلوگیری کند. فرماندهی سربازان برای ترساندن کارگران میگوید: "اگر فرد اسر کار نموده همهی شمارا به مسلسل میپندیم." یکی از کارگران میگوید: "سال قبل در همین موقع در مرز عراق زیر گلوله توب و تفک بودیم و از این چیزها نمیترسیم."

در جریان اعتضاب معدن "پا بدانا"، "اعتراضی" رئیس باصطلاح اداره‌ی کارگران به محل میرود و با کارگران صحبت میکند و میگوید: "شما سرکار نمودید، من قول میدم هم هرجه بخواهید تاده روز دیگر برایتان آماده کنم." یکی از کارگران با گفتگو اینکه این قول را سال قبل هم دادی ولی به آن عمل نکردی او را رسوا میکند. بالاخره در روز سوم کارگران با گرفتن تمام دستمزد شان حاضر میشوند سرکار بزرگردند و روز چهارم این کار را میکنند. یکی از کارمندان در این مورد میگفت: "به ماد و ماه حقوق ندادند حرف نزدیم، ولی کارگران دستمزد شان را - که چند روز دیر شده - بسزو رگرفتند؟"

* - کارگران معدن "باب بنزو" نیز همان با کارگران معدن "پا بدانا" دست به اعتضاب زدند. در جریان اعتضاب، کارگران رئیس معدن - مهندس حسن زاده - را که آنها را تهدید کرده بود بشدت کشک زدند. همچنین رئیس انتظامات و چند مهندس دیگر نیز بشدت کشک خوردند. کارگران تا پیروزی کامل و گرفتن تمام دستمزد شان به اعتضاب

ادامه دادند.

*— کارگران ذغال شوئی زریند کرمان — که وابسته به کارخانهی ذوب آهن است — نیز در همین موقع اعتراض کردند و مانند کارگران دو صudden دیگر پس از رسیدن به خواستهایشان به سرکار برگشتند.

— پرداخت دستمزد کارگران باگرفتن ۶ میلیون تومان وام از بانک ملی ممکن شده است. باز پرداخت این وام را آرشام سرمایه دار باصطلاح نیکوکار کرمانی و رئیس سازمان امنیت کرمان، تضمین کرده است. علت ضعانت آرشام این بود که وقتی بانک از ذوب آهن دراینمورد سوال میکند، ذوب آهن جواب میدهد؛ "فلاهیچگونه پول واعتباری برای پس داد ن این وام نداریم." باینجهت و برای پایان دادن به اعتراض خشمگینانهی معدنچیان، بالاخره آرشام مزد ور مجبور میسند خود نیز ضعانت به بانک بدند.

* * *

*— در اوخر دیماه سال جاری کارگران چاپخانهی روزنامه اطلاعات برای افزایش دستمزد دست به اعتراض زدند. این اعتراض ۲ ساعت طول کشید و کارگران پس از گرفتن ۱۲ تومان اضافه دستمزد در راه به سرکار برگشتند.

*— در دیماه سال جاری کارگران کارگاه سنگری "میکا" برای افزایش دستمزد خود، ابتدا دست به کم کاری میزنند ولی چون نتیجهای نمیگیرند دست از کار میکشند و با این کار بالاخره کارفرما را مجبور میکنند که ۱۵٪ بر دستمزد شان اضافه کنند. تعداد کارگران این کارگاه ۴۱۰ نفر است.

* * *

اخبار جنبش مسلحه‌ی خلق:

* - روز دوشنبه ۱۳ بهمن دولت شاه جنایتکاری کی دیگراز جنایات خود را اعلام کرد . این جنایت جدید اعدام دو تن دیگراز انقلابیون بود که علیه رژیم ضد خلق ایران دست به اسلحه برده بودند .

انقلابیون شهیدی که با خونشان نهال جنبش انقلابی رحمتکشان ایران را آبیاری کردند عبارت بودند از : انقلابی شهید محمد باقری و انقلابی شهید محمود بهللوان .

* - اعدام یک شکنجه گر:

صبح روز سه شنبه ۱۴ بهمن حکم اعدام انقلابی "ناهیدی" سر باز جوی ساوان مشهد بوسیله یک واحد چریکی از رزمندگان "سازمان چریکهای فدائی خلق" اجرا شد . "ناهیدی" از معروفترین شکنجه گران ساوان مشهد بود و اعدامش با استقبال وسیع مردم مشهد رو برو گردید .

اخبار کارگری جهان

اعتراض ۸۶ هزار کارگر ژاپنی:

اخیراً دولت ژاپن قانونی وضع کرد که به موجب آن کارگران حق اعتراض ندارند . رهبران اتحادیه‌های کارگری ژاپن، برای مقابله با این قانون، به کارگران عضو اتحادیه دستور اعتراض دادند . نخست وزیر ژاپن تهدید کرد که اگر کارگران اعتراض کنند وی رهبران اتحادیه‌های

کارگری را ساخت مجازات خواهد کرد . ولی کارگران علیرغم این تهدید دست به اعتصاب زدند . ۸۶۰ هزار کارگر خدمات عمومی، حمل و نقل و ارتباطات زاین روز، شنبه ۵ آذرماه دست از کار کشیدند - کارگران خطوط راه آهن شرکت‌های خصوصی نیز قصد شرکت در اعتصاب را داشتند ولی بدنبال مذاکره با روسای خود با آنان به توافق رسیدند - در نتیجه اعتصاب فوق، ارتباطات پستی و تلفنی و تلگرافی مختل و فلنج شد . نخست وزیر زاین از کارگران خواست که به سرکار خود بازگردند ولی کارگران این درخواست را رد کردند و موضع خود را برای رسیدن به هدفهایشان سخت تر کردند . اعتصاب کارگران ده روز طول کشید و میلیون‌ها دلال ضرر متوجه رژیم سرمایه داری زاین شد . اعتصابیون گرچه نتوانستند به خواسته خود که گرفتن حق آزادی اعتصاب بیوں دست پیدا کنند ولی موضع خود را برابری مبارزات آینده شان با سرمایه داران و دولت سرمایه داران تعکیم نمودند . آنها علاوه بر دولت زاین و به سرمایه داران زاینی نشان دادند که چه آنها بخواهند و چه نخواهند، و چه اعتصاب را با اصطلاح قانونی بدانند و چه ندانند، کارگران هر لحظه که بخواهند برای گرفتن حقوقشان از آنها، اعتصاب و مبارزه خواهند کرد . آنها با یnterib اعلام کردند که هیچگاه مؤثرترین شیوه، مبارزه شان را علیه سرمایه داران رهمناخواهند کرد .

اعتصاب کارگران در اسپانیا:

روز دوشنبه ۱۵ دیماه گذشته صدها تن از کارگران راه آهن زیرزمینی (مترو) در مادرید (پایتخت اسپانیا) برای

افزایش دستمزد شان دست باعتضاب زدند . پلیس با استفاده از گاز اشک آور و دیگروسائل سرکوب سعی کرد کارگران را متفرق نماید ولی کارگران متقابلًا با خرد کردن شیشه های انباری که در آنجا اجتماع کرد، بودند ، حمله پلیس را خنثی کردند . کارگران چندین کلیسا را اشغال کردند و بدولت اسپانیا اخطار نمودند تا وقتی که به خواسته های عادلانه آنها پاسخ مثبت داده نشود بسرکار خود بازخواهند گشت . دولت اسپانیا، اعتضاب کارگران راه آهن زیرزمینی را غیرقانونی ! اعلام کرد و تهدید نمود رصویریکه اعتضاب آنها پایان نیابد کارگران را در دادگاه های نظامی محاکمه خواهد کرد .

اعتضاب کارگران راه آهن زیرزمینی ، همه کارهارا در مادرید مختلط نمود . موج اعتضاب به مؤسسات و کارخانجات دیگر نیز کشیده شد . همچنین تعداد زیادی از مغازه داران مادرید به حمایت از کارگران مغازه های خود را تعطیل کردند ؛ آنها همچنین در اجتماع که برای حمایت از کارگران تشکیل شده بود با شعارهای " آزادی " ، " حمایت از کارگران مترو " و " ... " شرکت کردند .

اعتضاب عظیم کارگران مادرید که درابتدا جنبه صرفاً صنفی داشت و برای افزایش دستمزد بود پس جنبه های سیاسی پیدا کرد و دولت سرمایه داری اسپانیا را مورد تهدید قرارداد . بالاخره پس از ۴ روز کارگران اعتضابی به پیروزی بزرگی نائل شدند و سالی ۴۵۵ دلار (در حدود ۲۲۰۰ تومان) به حقوقشان افزوده شد . ولی موج اعتضاب در کارخانجات دیگر اسپانیا متوقف نشد و بنابراین گزارش روزنامه های وابسته به روزیسم

ضد کارگری اسپانیا، در پنجمین روز اعتصاب، ۱۰ هزار کارگر دست باعتصاب زدند و ۴ کارخانه در مادرید بهمین دلیل تعطیل گردید. ولی خبرگزاری بی‌بی‌سی از لندن طی گزارش خود تعداد اعتصابیون را با ۲۰۰ هزار نفر ذکر نمود. این اعتصاب که از سالها پیش در اسپانیا سابقه نداشت، برای مدتی ادامه پیدا کرد و باعث بروز بحرانهای سیاسی و اقتصادی برای دولت ضد خلقی اسپانیا گردید. و در جریان اعتصاب که بیانگر خشم اعتراض آمیز کارگران نسبت به قوانین سرمایه‌داری حاکم و استثمار بسی حد سرمایه داران بود، تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند.

اعتصاب کارگران کارخانه "کرایسلر" در انگلیس:

در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۹۴۵ در حدود ۱۰۰۰ نفر از کارگران کارخانجات "کرایسلر مو تورز" در انگلیس به مدت سه روز دست باعتصاب زدند. این کارخانه که واپسیه به کارخانه "کرایسلر مو تورز" آمریکا است بعلت بحران در سرمایه‌داری فرب با خطر و رشکستگی رو برو شد ماست. دولت انگلیس برای نجات این شرکت طرحی تهیه کرده که فشار آن بر دوش کارگران است. این طرح که سود سرمایه داران را باضرر کارگران تأمین میکرد با مقاومت کارگران رو برو شد و آنان با دست از کارکشیدن بعمارزه با آن برخاستند بطوریکه وزیر صنایع انگلیس هشدار داد که اگر روابط کارگری بهبود نیابد دولت طرح خود را اجرانخواهد کرد، چون اعتصابات متوالی کارگران طرح را با خطر شکست رو بروکرده است. هنگامیکه وزیر صنایع این سخنان را میگفت ۳۰۰ نفر از رهبران اتحادیه

کارگری، اسکاتلند در جلسه‌ای از کارگران خواستند که به اعتصاب ادامه دهند.

عقب نشینی حکومت تایلند در مقابل کارگران:

دولت تایلند در تاریخ ۱۶ دیماه ۴۵ اعلام کرد که در طرح خود که منجر به افزایش قیمت برنج و شکر شده است تجدید نظر می‌کند. این تصمیم حکومت تایلند پخاطر حل بحرانی بود که بدنبال اعتصاب ده هزار کارگر بوجود آمده بود. کارگران که به افزایش قیمت برنج بوسیله حکومت تایلند اعتراض داشتند در مقابل کاخ سلطنتی تایلند دست به اعتصاب زدند و آنرا تما موافقت حکومت تایلند با خواسته‌ایشان ادامه دادند.

اعتصاب ده هزار نفری در مقابل کاخ سلطنتی تایلند، از طرف فدراسیون کارگری کشور که نماینده ۲۲ مؤسسه عظیم صنعتی تایلند را بهمده دارد سازمان یافته بود.

اقدامات ضد خلقی دولت ترکیه:

دراواخر آبان سال جاری رئیس حزب کارگران ترکیه، بازداشت شد. دلیل بازداشت این فرد خودداری ازدادن اسم اعضای حزب کارگران ترکیه به دادستان دیوان امنیت این کشور بود! دادگاه همچنین اورامتهم کرده است که در حالیکه حزب کارگران باتهام تبلیغات کمونیستی تحت تعقیب است، مدارک جرم را نهان کرده است!

عملیات انقلابیون آرژانتین:

* - در اوائل آبان سال جاری انقلابیون آرژانتین مدیر شعبه کارخانه ایتالیائی فیات را در آرژانتین، در کی از شهرها

این کشور کشند . انقلابیون همچنین انفر را ربوده و تهدید می‌کردند . این افراد بدروغ خود را از رهبران کارگران بجهازات کردند . این عملیات انقلابی به حفایت از کارگران قلعه اد میکردند . این عملیات انقلابی به حفایت از کارگران کارخانه فیات انجام گرفته است . چریکهای انقلابی خواستار پرداخت حقوق براساس تصمیمات اتحادیه کارگری به کارگران این کارخانه و همچنین حلولگری از حمله پلیس به آنها بودند .

* - بد نیال اخراج ۲۰۰ نفر از کارگران بوسیله شعبه آرژانتینی مرسد سبنز، رزمد گان یکی از سازمانهای چریکی آرژانتین، مدیر آلمانی این کارخانه را بودند . انقلابیون اعلام داشتند تنها در صورتیکه کارگران اخراجی به سرکار برگردند حاضرند مدیر کارخانه را آزاد کنند . کمپانی مرسد سبنز اجبارا اعلام کرد که کارگران اخراجی را سرکار نمیگرداند . چریکهای انقلابی همچنین سه تقاضای دیگر داشتند که هنوز به آنها پاسخ داده نشده است . چریکهای انقلابی سالهاست که در آرژانتین به مبارزه با دولت سرمایه داری آرژانتین ادامه میدهند و تاکنون پیروزیهای بزرگی در حفایت از منافع کارگران و زحمتکشان آرژانتین بدست آورده‌اند .

اعتراض در رم :

رفتگران رم (پایتخت ایتالیا) را و آخر آذرماه برای افزایش دستمزد شان دست به اعتراض زدند . از چگونگی و وسعت اعتراض اطلاع دقیقی در دست نیست .

کارگران یا فشارهای حکومت صهیونسته، مادره مکنند :

دولت اشغالگر اسرائیل، برای حفظ موجودیت تجاوزگر

خود و مقابله با انقلاب فلسطین روز بروز فشارش را بر کارگران و زحمتکشان افزایش میدهد و هزینه سرسام آور عملیات تجاوز-گرانه خود را برد و شکارگران و زحمتکشان تحمل میکند. اکنون کارگران به مبارزه با فشارهای دولت صهیونیستی برخاسته اند و موج اعتراضات در فلسطین اشغالی در حال گشترش است.

* - کارگران بندر ایلات در ساحل خلیج عقبه (در فلسطین اشغالی)، روز ۵ ادیمه دست به اعتراض زدند اعتراض آنان برای اعتراض به تصمیم دولت در مورد تعطیل معادن مس بود. تعطیل این معادن منجر به بیکاری ۲۰۰ کارگر شده است.

* - کارگران شرکت "اجد" (بزرگترین شرکت حمل و نقل در فلسطین اشغالی)، روز چهارشنبه اول بهمن دست به اعتراض زدند. روز پنجشنبه حوالش مخصوصاً رایستگاه مرکزی اتوسهمادرتل آویو روی داد. رانندگان شرکت "اجد" راههای راه رخیابان‌ها پستند و چنان راه بندانی بوجود آمد که بازگردان آن پنج ساعت طول کشید. ضمناً تولید بسیاری از مؤسسات متوقف شد و یا کاهش یافت و عده‌های بسیاری نتوانستند به سرکار برسند. بدنبال این حوادث، دولت صهیونیستی در روز شنبه ۴ بهمن مقررات زمان جنگ را بکار گرفت. این مقررات آخرین بار در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل بکار گرفته شده بود. دولت تجاوزگر صهیونیستی با پنتریپ نشان داد که برای حفظ منافع امپرالیسم فرق بین خلقهای عرب و اسرائیل قائل نیست و حاضراست جنایتش را نه تنها علیه خلقهای عرب و مسلمان بلکه علیه

زحمتکشان یهود نیز نکرار کند.
مبارزات کارگران جهان:

سازمان بین المللی کار روز چهارم آذرماه، اطلاع داد که در سال ۱۹۷۴ کارگران - در سراسر جهان - مجموعاً ۱۵۴ میلیون روز دست از کار کشیده و اعتراض کردند. این مقدار نسبت بسال قبل یعنی ۱۹۷۲، ۳۰٪ درصد افزایش نشان میدهد (کارگران در سال ۱۹۷۲، ۱۲۰ میلیون روز اعتراض کرده بودند). تعداد کارگران اعتراضی در سال ۱۹۷۴، ۲۲٪ ۲۰۳ میلیون نفر بود رسانهای ۱۹۷۴، کشورهای انگلیس، استرالیا، ژاپن و نیرو از جمله کشورهایی بودند که میزان رشد اعتضابات شان صد درصد بود و تعداد روزهای اعتضاب بدد و برابر سال قبل افزایش یافته بود.

رشد روزافزون اعتضابات و مبارزات کارگران در جهان بیش از هر چیزگویای بحرانی است که سرمایه‌داری جهانی را فراگرفته است. بحرانی که تاروز نابودی قاطع و همیشگی سرمایه‌داران - بادستان توانای کارگران جهان - با آن همراه خواهد بود.

* یکی دیگر از جنایات سرمایه‌داران *

* و توطئه برای پوشاندن آن *

در تاریخ ۱۰/۱۰/۱۹۷۴، انفجار در یک معدن بزرگ ذغال سنگ در "بیهار" - ایالت شمال شرقی هند - فاجعه آفرینه بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران دردالاتهای معدن گرفتار

وکنند شدند . انفجار در یک مخزن آب مجاور معدن تیزشکاف انداخته و سیل آب به داخل الانهای معدن سرازیر شد . دولت سرمایه داری هند چنین وانمود میکرد که معکن است عده ای از کارگران زنده مانده باشند ! ولی کارشناسان معدن نظر دادند که حتی چنانچه افرادی ازانفجار را زیر بیش اولیه معدن جان سالم بد رسانده باشند در اثر سیل آب و تجمع گاز کربنیدر الانهای خفه شده اند . این یکی از فجیع ترین حوادث معدنی در جهان بشمار میروند که در آن بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران زحمتکش معدن شهید شدند .

دولت سرمایه داری هند که ازانعکاس این فاجعه در بین کارگران و زحمتکشان وحشت زده بود سعی کرد از انتشار وسیع خبر جلوگیری کند . یک خبرگزاری از هند در نخستین گزارش های حادثه از قول دکتر "جاگات مشرا " فرماندار پیهار، اعلام کرد که ۹۰۰ معدنچی مدفون شده اند و تلفات سنگین سرجای مانده است . اما اداره سانسور هند به این خبرگزاری دستور داد گزارش اصلی را حذف کند و جای آن خبری در مرور این حادثه که "تعدادی معدنچی مدفون شده اند " را منتشر سازد . بیانیه که از طرف مقامات رسمی در "پانتا " (پاییخت ایالت پیهار) و توسط دفتر مطبوعاتی انتشار یافت از تعداد مردانی که مدفون شده بودند و همینطور ازانفجار ذکری بیان نیاورد ، دراین بیانیه تنها گفته شده : "خبرهای عصر امروز حاکی است که بعلت حوادثی که بدنبال ریزش معدن بوقوع بیوسته است ، تعدادی از معدنچیان در معدن ذغال سنگ "چاس سالا " در شهر دهنبار "بدام افتاده اند . " منابع نزدیک به دولت

هند گفتند که دولت نمیخواهد اطلاعاتی دربارهٔ تعداد مدفون شدگان در هند منتشر شود زیرا سبب میشود "شرکت دولتی" مسئول این حادثه شناخته شود . دولت سرمایه‌داری هند وقتی از این کوششها برای پوشاندن جنایتش نتیجه‌ای نگرفت توطئهٔ دیگری بکار رست . دولت ضد کارگری در ابتدا سعی کرد با پرداخت غرامت ناچیزی به بازماندگان کارگران شهید، سرونه قضیه را بهم بجاورد . سپس "گاندی" نخست وزیر هند هایه‌وی براهاند اخراج که گوا "هند وستان را خطری بگانگان تهدید میکند . "و بیگانگان برای سرنگون کردن دولت او توطئه کردند . "و " . . . " ! بدین ترتیب دولت سرمایه‌داری هند خواست با بزرگ کردن یک خطر خیالی، توجه زحمتکشان هند را از جنایتی که مرتکب شده بود، منحرف سازد .

این یک شیوهٔ شناخته شدهٔ سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری است که با برآماده اخراج جنجال‌های تبلیغاتی، بر جنایات خود سریوش میگذارند؛ همچنانکه دولت شاه نیز تاکنون بارها و بارها این توطئه را علیه زحمتکشان ایران بکار برده است .

"نابود باد توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران"

* * *

* * *

*

بررسی عمل و عکس العمل

حملات مسلحانه مجاهدین خلق

از

اعتصابات کارگران

(در بهار ۵۳)

در شمارهٔ قبل راجع به اعتصاب کارگران گروه تولیدی ایران ابحث کردیم . سازمان مایندی این اعتساب و همچنین اعتصابات کارگران جیپ لند رور، دست به چند عمل انفجاری در حمایت از اقدامات حق طلبانهٔ کارگران زد . خبر این عملیات در همان زمان در یک اعلامیه نظامی بشرح زیر به اطلاع کارگران و دیگر طبقات خلقی رسید .

* * *

اعلامیهٔ نظامی درباره :

عملیات انفجاری مجاهدین خلق

به پشتیانی از :

اعتصابات خشم‌آلد کارگران

چند واحد چریکی از سازمان مجاهدین خلق ایران در چند عمل بمب‌گذاری علیه مراکز کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران آمریکائی - اسرائیلی و واستگان ایرانی آنها ، شاه خائن و طبقهٔ حاکمه پشتیبانی مجاهدین خلق را زمبارزات اوج - گیرند . کارگران ایران اعلام داشتند . بخصوص این عملیات در رابطه با اعتصابات خشم‌آلد مقاومت خونین کارگران مبارز

کارخانجات جیپ لندرور و ایرانا و اعتراض آنان علیه غارت و استثمار سرمایه داران صورت گرفت. این عملیات عبارت بودند از :

۱ - انفجار یاسگاه زاندارمی کاروان سراینگ در ساعت سه و پانزده دقیقه ۲۹ خرداد. این پاسگاه نقش فعالی در سرکوب کارگران داشت، این انفجار هرجه بیشتر ماهیت ضد کارگری رژیم شاه جنایتکار را آشکار ساخت.

۲ - انفجار همزمان سه بمب در نمایشگاه واداره مرکزی شرکت اسرائیلی ایرانا واقع در خیابان نادر شاه در ساعت دوازده سی دقیقه سه شنبه ۴ تیرماه دو بمب اول هشدار دهنده بوده و برای جلوگیری از وارد شدن خطرات جانی به مردم کارگذاشتند ببود و بعد بیرونی سه کم بخصوص در ساختمان هیئت مدیره قرارداده شد ببود خسارات فراوانی بیار آورد.

۳ - انفجار تأسیسات برق کارخانجات اسرائیلی ایرانا واقع در رجاده کرج در ساعت چهار و سی دقیقه صبح.

۴ - انفجار وانهدام کامل تأسیسات برق کارخانه جیپ لندرور واقع در رجاده کرج در همان ساعت. در گلیه این عملیات بواسطه رعایتها مجاهدین بخصوص رعایت زمان و مکان انفجار هیچ صدمه‌ای به کارگران وارد نیامد و مجاهدین نیز سالم به پایگاه مراجعت نمودند.

شکوفان بساد مبارزات حق طلائیه کارگران نابود باد رژیم ضد خلق - ضد کارگری شاه جنایتکار بیروز باد مبارزه مسلحانه، شهاره رهائی خلق

"سازمان مجاهدین خلق ایران"

هدف ما از اجرای یک سلسله عملیات نظامی در حمایت از اعتضابات کارگران چه بود؟

تجربه^{*} سالها کار مخفی سیاسی و چندین سال کار مستقیم سیاسی - نظامی، بعماقی آموخت که جنبش مسلحانه پیشناز نمیتواند بدون تعاس مشخص با مبارزه "روزمره" کارگران^{**}، بدون تعاس مشخص با مبارزه ایکه هم اکنون بطور اساسی در اشکال صنفی - اقتصادی در جریان است؛ تأثیری رو به جلو در جنبش خود بخودی این طبقه، درجهت هر چه پیشتر سیاسی شدن آن بگذارد و متقابلاً این نکته نیز روش بود که در صورت عدم وجود چنین تعاسی جنبش مسلحانه نمیتواند قدمی به سمت تهدیهای شدن بردارد. (*) همچنین این تجربیات بمسا نشان میداد که یکی از "وسائل" این تعاس مشخص و در واقع یکی از بهترین این "وسائل" عبارتست از حمایت مسلحانه از مبارزه "روزمره" آنها، ارتباط گرفتن با "جنبش خود بخودی" آنها از طریق اعمال قهر انقلابی پیشناز درجهت تأمین این مبارزه (که مسلم او درابتدا در شکل صنفی - اقتصادی ظاهر نمیشود) و درجهت دادن آن به سمت هدفهای اساسی تر جنبش مسلح^{***})

(*) - راجع به وسائل تعاس بین جنبش مسلحانه و جنبش خود بخودی طبقه کارگر و برخورد عملی ما با این مسئله در سرمهقاله "شعاره" یک قیام صحبت کردیم.

(**) - البته این حمایت بمعنی "دباله روی" از "جنبش خود بخودی" کارگران، آنچنانکه شیوه اکonomیستهاست، نیست. محتواهای مسلحانه عامل نیز دلیل روش این امر است.

یدین قرار ماد و هدف مستقل و در عین حال مرتبط بهم را در این عملیات دنبال میکردیم . این هدفهای اشارت بودند از :

۱ - بردن تئوری تبلیغ مسلحانه به میان این طبقه از طریق تماس با "جنبیش خود بخودی" و در اینجا از طریق حمایت مسلح از مبارزه، روزمره، صنفی - اقتصادی آنها .

۲ - برآوردن نظرات، عکس العملها و موضعگیری اشاره مختلف کارگری بمنظور درک عمیقت مرحله و مضمون فعلی مبارزات طبقه، کارگران ایران و غنی ترین عوامل تئوریهای اولیه خود در جریان عمل مستقیم .

در واقع چنین حمایت مسلحانه‌ای بخصوص در آن زمان بمسا اجازه میداد که از نظرات و عکس العمل‌های کارگران در این باره آگاه شویم و بدینترتیب بتوانیم آنچه را که در تئوری بدان رسیده بودیم در عمل پیاده کیم و بدینترتیب قدمهای خود را اصلاح نمائیم . چنین عملی باعث میشود (که در عمل هم دیدیم شد) کارگران به اظهار نظر پردازند و در مورد این انفجارات بحث و گفتگونمایند و مابا استفاده از این فرصت میتوانستیم تحریم‌ای دیگر در شناخت صحیح "جنبیش خود بخودی" کارگران بدست آوریم و بالطبع این تحریم در کار سایر تجربیات مادرانه زمینه میتوانست مارا به شناخت صحیح تری از طبقه، کارگر و مبارزات آنان رهنمون شود .

* * *

در رابطه با هدفهای فوق الذکر مامتنظر فرصت مناسبی بودیم که دست بعمل بزنیم .

دراوائل سال ۳۵ بخاطر سازیرشدن پولهای کلان نفت

فیام کارگر ۲۰
به بازار، تورم بشدت شدید گردید قیمت وسائل اولیه و لازم زندگی بسرعت بالا رفت. فریانی چنین وضعی (تورم) مثل همیشه و مثل همه کشورهای سرمایه داری طبقات زحمتکش و بخصوص کارگران بودند. در حالیکه قیمتها بسرعت بالا رفته بود، مزد کارگران ثابت مانده و یا اندکی - بسیار کمتر از بالا رفتن قیمتها - بالا رفته بود. (*)

عکس العمل یک چنین فشاری بر کارگران بصورت اعتصابات گسترده‌ای از طرف آنان از اوائل بهار ۱۳۴۵ آغاز گردید. در خرداد ۱۳۴۶ این اعتصابات، با اعتصاب همزمان کارگران کارخانجات کفش ملی، ایرانا، جیپ لند رور، پالایشگاه تهران و . . . با وجود خود رسید ورزیم نیز طبق معمول سرکوب و حشیانه، این اعتصابات را شروع کرد. اذرا داده ام(*) این موج اعتساب و مقاومت

(*) - مطابق آمارهایکه از طرف خود دولت شاه خائن منتشر شد، در سال گذشته در حالیکه نرخ تورم ۲۲ درصد افزایش داشته است، افزایش درآمد و قدرت خرید توده مردم فقط ۷ درصد بیشتر شده است. حال اگر توجه کنیم که افزایش درآمد و قدرت خرید قشرهای فوقانی خرد و بورژوازی از جمله کارمندان سطح بالا، ارتش و مدیران صنایع و . . . همواره بالاتر رفته و نرخ افزایش حقوق و درآمد آنها بیشتر از نرخ تورم است. نتیجه خواهیم گرفت که کاهش قدرت خرید قشرهای پائینی جامعه یعنی زحمتکشان شهر و ده و مخصوصاً کارگران، رقمی براتب بیشتر از تفاوت این دو رقم (۱۷ و ۲۲) یعنی براتب بیشتر از ۵ درصد بوده است.

خوبین کارگران بود که سازمان ما با شناسائی های قبای
عملیات نظامی خود را انجام داد .

عكس العمل رژیم در مقابل عملیات ما :

این اعتصابات نسبتاً گسترده که از سال ۶۴ به بعد بیسابقه بود، نشانه اوج تازه ای در "جنپیش کارگری" ایران بود . همچنین حمایت مسلحانه سازمان ما از این اعتصابات کم در نوع خود از آغاز مبارزه مسلحانه تا آن زمان بیسابقه بود نیز نشانه ای از تکامل سیاسی جنپیش مسلحانه خلق بشمار میرفت . این اوج جنپیش کارگری از یک طرف ورشد سیاسی جنپیش مسلحانه از طرف دیگر، رژیم ضد کارگری شاه خائن را که بشدت از حمایت کارگران از انقلابیون در هراس بوده و از پیوند ما بین جنپیش مسلحانه پیشتاب و مبارزه حق طلبانه طبقه کارگر وحشت دارد، به تکاپواند اخوت دولت ضد کارگری بلافاصله اقدامات امنیتی - نظامی و پژوهای را - برای دستگیری انقلابیون، جلوگیری از عملیات بعدی و همچنین اوج گیری دوباره ای اعتصاب کارگران - به اجراد رآورد . او همچنین به یک سری اعمال فریبکارانه و تبلیغاتی دست زد تا کارگران را نسبت به انقلابیون بدین ساخته و از اثرات مثبت حمایت مسلحانه مساواز اعتصابات حق طلبانه کارگران بگاهد .

برخی از این اقدامات دولت مزد ور شاه به شرح زیر بود : پس از انفجار در فتر مرکزی و پست برق ایرانا و پست برق جیپ لند رور اقدامات شدید امنیتی در کارخانه ای ایرانا و جیپ لند رور به عمل می آید و به قرار اطلاع به دنبال عملیات مادر کارخانه ای ایرانا نزدیک به ۲۰۰ سرباز به فرماندهی یک سرهنگ

بانجهیزات نظامی مستقر می‌شوند و کارگران شیفت دوم را در حین ورود به کارخانه بازرسی بدنسی کردند و کارت آنها را مهر می‌زنند.^(*) چند روزی زاندارمهای با مسلسل سبک دو رتاد ورود داخل کارخانه را بشدت تحت نظر می‌گیرند. آنها بارفت و آمد مدام خود، شدیداً به مراقبت از کارگران می‌پردازند و بعضی از کارگران و عابرین را که از آن حدود می‌گذرند شتند مورد بازجوئی قرار میدهند. با اینکه حتی جیب کارگران را در موقع ورود به کارخانه و قسمت اداری مورد تفتش قرار میدانند، چند نفری نیز سرمهیزهای راه شام کارگران مواطن صحبت‌های آنها بودند تا سرنخی بدست آورند. در کارخانه‌ی جیپ لند رو، در روز انفجار کارگران را صبح به خانه می‌فرستند و کارخانه را تعطیل می‌کنند و سریازان در کارخانه مستقر می‌شوند.

عکس العمل کارگران در مورد عملیات انفجاری

ما پس از اجرای این عملیات — برای برآوردن نظرات، عکس العملها و موضع‌گیری افسار مختلف کارگری نسبت به این عملیات، به منظور رک عیقت مرحله و مضمون فعلی مبارزات طبقه کارگر ایران وغذی ترند و تئوریهای اولیه‌ی خود — باعده‌ای از کارگران به صحبت نشستیم. (قابل تذکر است که این کار قبل از پخش اعلامیه‌ی توضیحی صورت گرفت) بطور کلی سه نظر مشخص از طرف رفقاء کارگر ابراز می‌شد:

(*) — در بعضی از کارخانه‌های دیگر نیز، پس از این عمل انفجاری، اقدامات امنیتی بعمل می‌آید و کارگران هنگام ورود مورد بازرسی شدید قرار می‌گیرند.

نظر اول - نظر آندسته از کارگرانیکه از عمل ما استقبال کردند.

نظر دوم - نظر آندسته از کارگرانیکه از عمل ما استقبال نکردند.

نظر سوم - نظر آندسته از کارگرانیکه بنایه علی حاضر به بحث با ما درباره این موضوع نبودند.

۱ - نظر کارگرانیکه از عمل ما استقبال کردند؛ این عدد از کارگران در عین استقبال از عمل انفجار و نوع نظرداشتند. عدمای از این رفای کارگران از عمل انقلابیون و عدمای دیگر آنرا کارکارگران اخراجی (ایرانا - لند رور) میدانستند؛ (*)

الف - اظهار نظر کارگرانیکه از عمل استقبال کردند و آنرا ازناحیه انقلابیون میدانستند:

دو سه روز پس از عمل انفجاری با کارگری در این باره صحبت کردیم. (۱) (۲) این رفیق کارگر چنین میگفت:

(*) - در جریان اعتراض کارگران این و کارخانه‌های از کارگران فعال اخراج شدند.

(۱) - از آنجاکه نوع اظهار نظرات بعوامل زیر بنائی و رو بنائی متعددی در درون طبقه کارگر بستگی دارد و هیچگاه مانع میتوانیم بد ون در نظر گرفتن این عوامل به تحلیل درست از طبقه کارگر برسیم و اشاره مختلف آنرا بشناسیم. ماسعی میکیم در حد اطلاعات خوده سن، ساخته کار، وضعیت شغلی، طرز تفکر، میزان سعادت و ... هر یک از این کارگران را مشخص کیم.

(۲) - این کارگر ۳۰ ساله که سالیان درازه رکارخانه‌های نخ ریسی است ثمارشده بیسواند است. جنبه‌های متوجه مذهب را بول دارد. در تظاهرات ۱۶ خرداد شرکت داشته و تا حدی دید. بیسی دارد. (بعضی دمکراتیک آن).

”تولی این مملکت جانورهای پیدا میشود که حساب ندارد . برای آنها هیچ کاری نشدن دارد . جانورهای که میخواستند خانواده شاه را زیر زمین بگردند (اشارة به گروه شهید گلسرخ) . . . دیگر این کارها (انفجار یا سگاه و . . .) برایشان مثل آب خوردن است . بگذار هر کاری که دلشان میخواهد بگند . شاید لا اقل اینها یک کاری بگند . ما که نتوانستیم . اگر زندگی اینه (در حالیکه به شام خود که اند کی برعیج خشک و مانده بود ، اشاره میکرد) بگذار همین هم نباشه ؛ رئیس یا سگاه هم نباشه . . . ”

کارگردیگری چنین میگفت : (*) ”همش دروغ میگویند ، میخواهند مردم را گول بزنند . پس اینکه گفته میشد خرابکارها (چریکها) راقلع و قمع کرد یم چی شد ؟ پس اینها چیست ؟ اینها پشتیان کارگرند . میگویند چرا کارگر جان بگند و حق اورایک مشت شازده الدنگ بخورند و . . . اگر رئیس ایران قوی نمیبوده حالا همه کارگرها به پشتیانی آنها شتابته بودند و . . . ”

این کارگر از اینکه مبادا بمب پاسگاه به سریزی آسیب رسانده باشد نگران بود . این کارگر آگاه با سخنان تأیید آمیز خود در عین حال به یاوه های تبلیغاتی رژیم که گاه ویگاه اعلام میکند تمام چریکها (**) را زین برد یم واله و بله کرد یم ، پس بزده بود . نکه دیگر حرفهای این رفیق کارگرا شاره به قدرتی است که

(*) — این کارگر ۷—۶ سال است که در کارخانجات مختلف استثمار میشود . او یک کارگر نیعمتمند و مجرد است و در کلاس شبانه درس میخواند .

(**) — البته رژیم چریکها را خرابکاریا تروریست مینامد .

رژیم به توسط آن ارتباط وسیع جنبش مسلحانه با طبقه "کارگر راد چارا شکال کرد" است. (سیستم پلیسی)

کارگر آگاه دیگری چنین میگفت: "درینکی از کارخانه ها کارت کارخانه را جعل کرده و بداخل آن رخنه کرد هاند و پس از مراجعت کارخانه منفجر شده است که البته چون حساب شده بعدها را کارگذاشته بودند، به کارگران آسیبی نرسیده بود. " او سپس از اینکه دولت چگونه و با چه شیوه‌ای قادر است جلسه و انقلابیون را بگیرد در تعجب بود.

کارگردیگری با مبالغه از کارچریکها صحبت میکرد. او سعی داشت با بزرگ کردن کارچریکها اهمیت آنرا به کارگران دیگر حالتی کند. او میگفت: "نارنجک و بعب قاچاق است و فقط ارتش از آنها دارد. اگر یعنی اسلحه از آدم بگیرند پدرش را در رم آورند، وای که نارنجک بگیرند! " منظور او این بود که ببینید اینها (چریکها) چه آدمهائی هستند که میتوانند اسلحه و بمب را بدست آورده و بکار ببرند. (*)

کارگری میگفت: "کسیکه با حرف حساب توی راه نیايد باید با زور توی راهش آورد. اینقدر خواهش، التماس کردن تامقدار کعن به حقوق آنها اضافه شود. بخر جشن نرفت. اعتصاب هم کردندا بینطوری جواب داد. حالا باید با این عملیات حالیش کرد که حق کارگر با این گرانی (هزینه زندگی) یعنی چه؟ . . ."

(*) — در ضمن او به عملیات انفجاری مجاهدین در موقع آمدن سلطان قابوس باد شاه عمان اشاره کرد و از آن تعریف میکرد. او اعلامیه، ما را در این مرد خوانده بود.

کارگری از کارگران ایرانی در عین حال که از این عمل استقبال کرد و بود انتظار پیشتری داشت. او میگفت: "خوب بود قسمت اداری کارخانه را با خان یکسان کنند"! در مقابل حرف یاده، بعضیها که میگویند اریمه چند صد خانوار را نان میدهد میگفت: "خدایک لقمه نان راه ر طور باشد میرساند".

ب - اظهار نظر کارگرانی که در عین استقبال از عمل آنرا کار کارگران اخراجی میدانستند:

دو کارگر روی این موضوع داشتند بحث میکردند. اولی استدلال میکرد که اینکار، کارد شمنان ایران است (۱) ولی کارگردیگر درحالیکه میخندید و به او میپرسید در جواب اولی که میپرسید یعنی این کار کارگر است؟ میگوید: "نه کار هم زد یقیناً کارگر و یک ردیف بالاتر از کارگر است" (۲).

وقتی به خانه دو نفر از کارگران ایرانی رفتم، اولین صحبت، جریان اتفاقی داشت: "کارخانه" ایران بود. احساس غرور و هیجان زیادی درآوردیده میشد. یکی از کارگران درحالیکه مشغول شام خوردن باز و چه بود بدون معطلی و بعنوان مژده، باحال تلو افتخار آمیز بعن گفت: "د وطبقه" دفتر مرکزی و قسمتی از کارخانه در اشر بعیب فرو ریخته است. "این رفیق کارگر دریاسخ به این شایعه که کارخود از این است؛ میگوید:

(۱) - بعد از رمود ماهیت صحبت این کارگر بحث خواهیم کرد.

(۲) - این کارگر، یک کارگر ساده بود که سابقه کارگری زیادی داشت.

”کجا کار خود شه! افراد پرمغزی را بیرون کرد و ... هر چه باشه زیر سر اینهاست.“ او در تأیید سخنان خود چنین میگفت: ”چند نفر از کارگران اخراجی برای گرفتن رضایت نامه پیش از یک رفته‌اند. در ضمن بعضی نیز با خود برد ها ند و به از یه گفته‌اند اگر رضایت ندهی برایت گران تمام میشود.“ از یه رضایت نداد و پس از گرفتن کارگران، ساختمان منفجر شد. آنها میخواستند خود از یه راه بکشند.

این انفجار شفع کارگرانی تمام شد که فعلاً کار میکنند. زیرا کار فرما یان حساب کار خود شان را میکنند که اگر با کارگر با خشونت رفتار شود، کارگر نیز مجبور است دست به خشونت بزند و با یعنی صورت با کار فرماد ریفتد.

در مورد انفجار است برق لند رور، باین کارگر زحمتکش ایسن کارخانه صحبت کرد. نخست زن این رفیق کارگر چنین گفت: ”برق کارخانه را آتش زد ها ند. کار فرماد صبح ... کارگران کارخانه گفته بروید خانه حقوق تان را مید هم.“ ایسن زد زحمتکش با خوشحالی و در حالیکه بهیجان آمد ه بود ادامه مید هد: ”... ظلم، ظلم، آخرش ایست مگرش خویه. اینمه حق کارگر را میخورند...“ خود کارگر در حالیکه خوشحال بود چنین میگفت: ”... فشار قوی کارخانه را از بین برد ها ند مثل ذغال سیاه شده، بمب کارگذاشته اند...“ هر که بود ه طرفدار حق بود ه و ... حساب کار را طوری کرد ه که به کارگران لطمه ای نخورد. مال ماهیج، مرکز برق ایران را ساخته اش ذغال شده است. بکارگر ظلم کردند ... بکن بر جهان فخر ای کارگر - که حق تور ای خورند مثل خسر. حالا طرفداران کارگر میخواهند

بگویند دستی از دست شما قوت‌رهم هست . . . فعلای در کارخانه
حکومت نظامی است . . .

۲ - اظهار نظر کارگرانیکه از عمل ما استقبال نکردند :

الف - عده‌ای از کارگران میگفتند که این عمل را خود اریه
کرده که حق کارگر را بخورد !

کارگری میگفت : " دیدی مادرفلان . . . چه برس رکارگر
آورد ! این کار را کرد که کارگر را زود تر بتواند بیرون کند . حق
و مزایای اورا بالا بگشدو . . . ولی آخر کار گرمی فهمد خواهش را
کارخانه ایران ناسیونال به اریه گفته : " خاک بر سرت تقاضاهای آنها را ندادی تا اعتصاب کردن . این وضع را بوجود آوردی حالا کارگران ماهم ساکت نیستند . همش بهانه اعتصاب میگیرند . . .

دو سه نفر از کارگران دلیل اینکه این کار را خود اریه کرده چنین میگفتند : " دفتر مرکزی که دونفر نگهبان دارد ، چگونه میتوان از میان دونگهبان عبور کرد . لذا کار خود اریه است ، تا بدین ترتیب کارگران را متمم به اخلالگری نماید و کارهای ضد کارگری خود را درست جلوه دهد

کارگردیگری چنین اظهار نظر میکرد : " کار ، کار خود شونه کارگراز کجا بعب میتوانه تهیه کنه ؟ تازه اگر این کار را کرده باشه ، چرا او نجا گذاشته ، میگذاشت توی کوره ، لا اقل ۷ - ۶ میلیون تومان ضرر بهش بخورد . کار خراب کارها هم نیست . بمبارست وقتی منفجر شد که هیچیک از کارگران آن نزد یکیها بودند . حتی یکی از آنها هم آسیب نرسید ! اگر خراب کارها میبودند وقتی میگذاشتند که تمام کارگران را نابود کنند !

نه وقتیکه حتی بیکی هم آسیبی نرسد!" (*)

بـــعد های از کارگران نیزد رمورد انفجار نظراتی مخالف به اشکال دیگری داشتند :

یک کارگر بعامیگفت: "ایران د شعن زیاد دارد . این کار ، کار آنهاست . " این کارگران حرف را به این دلیل میزد که در آن زمان بین دولت ایران و دولت عراق اختلاف بود و رادیو و تلویزیون و مطبوعات رژیم داعم علیه عراق و اینکه خرابکار تربیت کرد و به ایران میفرستد ، های و هوی برآه اند اخته بودند . چنین تبلیغات دروغیتی بود که این کارگر را وادار به چنین اظهار نظری میکرد .

کارگری نیز از اینکه مبارد انفجار پاسگاه به سر بازان آسیب رسانده باشد ، ناراحت بود .

۳ - بعد های از کارگران از اظهار نظر خود داری میکردند : چند کارگر کفشن بـــلا که اغلب کارگر روستائی (تازه از روستا آمد) و بیسواند بودند درمورد انفجار پاسگاه حرفهایی میزدند و خود انفجار را تشريح میکردند . ولی درمورد آن هیچگونه اظهار نظری نمیکردند . علت این کار آن بود که آنان رابطه شخص بین مسائل خود و این انفجار را حساس نمیکردند و همین دلیل کوششی نیز رای درک علت آن نداشتند .

کارگردیگری از کفشن بـــلا که انفجار پاسگاه را شنیده بود ،

(*) - نکتهای که در سخنان این کارگردیده میشود اینست که او تحت تأثیر تبلیغات دروغ و افراهای بیشماری است که رژیم داعم علیه انقلابیون بکار میبرد .

تنهای راجع به تکیک بعب اشاره میکرد ولی آنرا الشتباه تشریح میکرد . او یک سرپرست طرفدار کارفرما بود . او نیز در مقابل عمل، بین تفاوت بود .

کارگردیگری از کفش پلا جریان انفجار پاسگاه را برای تعریف کرد . در مقابل این سوال که علتش چیست؟ گفت : " علتش را نمیدانم . وقتی پرسیدم کارگران دیگر چه میگفتند؟ گفت : " این حرفها را بهم نمیگویند . چون این مثل حکایت بدتر میباشد . " (*)

این کارگر با این سخنان خود ترس بعضی از کارگران را از اظهار نظر در این مرد منعکس میسازد . بدینترتیب می بینیم عده‌ای بخطاطر اینکه احیاناً توسط عمال رژیم به درد سرنیقتند، از اظهار نظر خودداری میکردند . *

"تحلیل موضع‌گیریهای مختلف رفقای کارگر" (۱)

- ۱ - کارگرانی که از عملیات ما استقبال کردند :
- الف - دسته‌ای از رفقای کارگر که از عمل ما استقبال کرده و

(*) - مردی مرد بود . یک‌مفربه پسر آن مرد اطلاع میدهد که پدرت مرد . پسر فوراً یقه آن مرد را میگیرد و میگوید : " قبرش کجاست "

(۱) - البته این تحلیل با توجه به تجرب دیگر ما (که حاصل برخورد عینی ما باطبقه کارگر است) انجام گرفته و باید تصور کرد که ما صرفاً با انجام چند عمل نظامی و صحبت با چند نفر کارگر این نتایج را بدست آورده‌ایم .

و آنرا از ناحیهٔ انقلابیون میدانستند :

ایندسته از رفقا تاحد کمی از آگاهی سیاسی (*) برخوردار بودند و به عین علت نسبت به انقلابیون سعیاتی (علاقه) قبلی داشتند. آنان در این عمل تیز وقتی حمایت عملی جنبش مسلحه را از مبارزات خود مشاهده میکنند؛ این علاقه و حمایت خود را از چریکها ابراز میداشتند. البته حمایت آنان در اینجا صرفاً یک حمایت "معنوی و عاطفی" است و بد لیل عدم تماس جنبش مسلحه با چریکی هنوز عمق لازمه را ندارد. حتی بعضی از این کارگران، انقلابیون را به عنان اسما که رژیم می‌نامد یعنی "خرابکار" مینامیدند. اکثر این کارگران در مرور عمل ماد چهار ز هنگرایی بودند و سعی میکردند انقلابیون را بزرگ جلوه دهند و با کلماتی مثل : "اعجوبه" و ... اینکار را میکردند. این بدان جهت بود که این رفقاء رخود قدرت انجام چنین عملی را نمیدیدند.

ب - دسته دیگر از رفقاء کارگرکه از عملیات مسلحه استقبال کرده و آنرا از ناحیهٔ رفقاء اخراجی خود میدانند :

این دسته از کارگران پس از شکست در اعتصاب از یک طرف از خشم بی حد نسبت به "اریه" و "اخوان" (صاحبان ایرانی و حیپ لند رور) وزاندار مهاور وزارت کار و ... ببریزند و از طرف دیگر شکست در اعتصاب نتوانسته اعتقاد آنها را نسبت به رهبران خود (رهبران اعتصاب) و بطمور کلی نسبت به صلاحیت

(*) - البته آگاهی سیاسی یعنی یک آن و نه مفهوم سوسیالیستی اش.

وقدرت طبقاتی خود ازین ببرد (۱) (که این خود نشانه پیشوای بودن این کارگران است) و بهمین دلیل عمل مسلحانه میتواند پاسخی باشد به تمایلات مبارزه جویانه^۱ این دسته از کارگران^۲. بطوریکه آنان خیلی فوری و بی هیچ تردیدی عمل مسلحانه را شکل دیگری از مبارزه^۳ خود، شکل دیگری از ادامه^۴ مبارزه^۵ حق طلبانه^۶ صنفی - اقتصادی خود^۷ تلقی میکنند و اعلام میدارند: "این سزای آن حق کشی هائی است که در مورد ما میشود . . . این است جواب رهبران اعتراض مابه اریهها . . ."

استقبال این دسته از کارگران از عمل مسلحانه در رابطه با مبارزات روزمره خود کمد رواقع بیانگر نقطه نظر پیشوای بین کارگران فعال و مبارز (در امور صنفی) است. (این راه تجارت عین مادر دیگر کارخانجات و در برخورد با کارگران آگاه از نظر صنفی - تأیید میکند، بخوبی ثابت میکند که جنبش مسلحانه پیش از میتواند برای تماس با "جنپش خود بخودی کارگران" از "عمل مسلحانه تبلیغی" بعنوان یکی از مهمترین وسائل ارتباط سیاسی استفاده کند. بعبارت دیگر حمایت فوری این دسته از کارگران، از عمل مسلحانهای که در رابطه با منافع آنان صورت گرفت (در حالیکه محتوا و پیام آن کاملاً سیاسی بود)، مخصوصاً برآز این درک که این عمل از سوی خود شان - از طرف همان رهبران اخراجی

(۱) - در حالیکه بعض از کارگران پس از شکست در اعتراض امید خود را از دست داده و میدان را درست در اختیار "اریه" و "اخو"^۸ میدیدند (مراجعه شود به اظهار نظر دسته دوم از کارگران).

اعتراض خود شان - صورت گرفته است، نشان میدهد که علیرغم سطح نازل جنبش کارگری و درخواستهای محدود و صنفی - اقتصادی آن، عمل مسلحه، پیشتاز - چنانکه هدف به نحو صحیح انتخاب و سازماندهی شود - نه تهمیتواند حمایت کارگران را برانگیزد، بلکه از آن مهمتر میتواند فاصله مابین مضمون بالای سیاسی عمل مسلحه، پیشتاز و مضمون نازل صنفی - اقتصادی مبارزات کارگری را، بد ون آنکه مجبور به دنباله روی از آن شود، پرکرد مو به مرور به صورت ادامه منطقی و سیاسی رشد و تکامل مبارزه صنفی - اقتصادی آنها درآید. در اینجا توضیح بیشتری ضروریست. این توضیح را میتوان با جواب این نسئوال مطرح کرد چگونه میتوان، مضمون (و محتوای) جنبش - شکارگری ایران را اساساً صنفی - اقتصادی دانست و حتی سطح درخواست های روزمره آنان را، محدود و نازل توصیف کرد. اما با اینحال "عمل مسلحه" را عنوان یکی از وسائل مهم ارتباط سیاسی مابین جنبش انقلابی و جنبش خود بخودی طبقه و دریک مرحله، بعد به عنوان ادامه منطقی سیاسی و آگاهانه ای میباشد (جنبش خود بخودی) مورد تأکید قرارداد؟

جواب روشن است. مانه تنها نظر سئوال کنده را درباره به واقعیت درخشان نتایج عملی این سیاست یعنی درک و پذیرشی که این پیش از کارگران نسبت به محتوا و معنای سیاسی، این عملیات نشان داده است، جلب میکنیم (علیرغم اینکه در ارزه خود آنها میتوانند کاملاً اقتصادی داشت) بلکه آموزش اساساً لینیستی راجع به تفاوت مابین سیاست اتحادیهای (سیاست تردید یونیونیستی) و سیاست انقلابی سوسیالیستی را زیک طرف.

و انتباق معنای اخیر را با شرایط خاص میهند که تبلیغ مسلحانه، پیش از راد رصد روظائف کمونیستها و انقلابی ایران قرار میدهد، از طرف دیگر با و خاطر نشان میکنیم. بدینقرار، عمل مسلحانه، پیش از نه تنها زمینه مساعد تری را برای افشاگری هرگونه ستم اقتصادی وارد برکارگران فراهم میسازد به نه تنها آنان را در پیش برد مبارزه روزمره صنفی - اقتصادی خود حمایت میکند، (*).

(*) - اگر رجنبش کارگری سالهای ۱۸۹۰-۱۹۰۰ روسیه، این نشریات افشاگرند و "شنیامه" های منتشره از طرف محافل کوچک سوسیال دموکرات در میان کارگران است که تأثیر فوق العاده و هیجان آوری میبخشد و باعث میشود که تمام کارگران رفع این بی ترتیبی های نفرت انگیز، که بایه آن بر غارت و تعدی کارگران استوار است خواستار شوند و آمارگی خود را برای پشتیبانی از این درخواستها بوسیله اعتراض اعلام نمایند و باز اگر بسیار اتفاق میافتد که تنها ظهر شب نامه دریک کارخانه (بعثت اهمیتی که این اوراق چاپی بمنزله اعلان جنگ برای صاحبان کارخانه ها پیدا کرد) برای ارضای تمام درخواستها با قسمتی از آنها کافیست.

(لین) - "چه باید کرد" - نقل آزاد از صفحات ۵۰ و ۶۰ ترجمه فارسی)

در اینجا در شرایط خاص میهند، آیا این اعلامیه های توضیحی سیاسی - نظامی، عملیات تبلیغ مسلحانه (یا اعلامیه های توضیحی حول این محور) نخواهد بود که در عین دعوت کارگران به مبارزه سیاسی، در عین توضیح موارد گوناگون و متعدد پرستیز

بلکه همچنین این عمل میتواند راه انجام اصلیترین وظیفه تاریخی اورا در این مرحله، یعنی راه سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری شاه و سرمایه‌داری وابسته ایران را باو نشاند.

→ اقتصادی وارد شده برآنها، چنین نقش حمایت گری را برای مبارزه آنهاد اشته باشد؟

جواب این سؤال را نه ما، بلکه استقبال پرشور بیشروترین عناصر و محافل کارگری ایران از عملیات و تبلیغات جنبش مسلحه نشان داده‌اند. آنان اعلامیه‌های توضیحی سیاسی- نظامی مارا که حتی ارتباط مشخصی هم با مسائل و منافع روزمره آنها ندارد، داشت به دست در کارخانه‌های میگردانند و با اشتیاق خواهان مطلع شدن از مضمون آن هستند. تازه این در شرائطی است که سازمانهای مسلح پیشتر هنوز کار مشخص سازمان یافته و مترافق را در راین جهت شروع نکرده بودند و تبلیغات و توضیحات مابطه سازمان یافته و طبیعتاً بسیار محدودی در میان این طبقه منعکس می‌شود. چندی پیش یک نسخه از اعلامیه‌های سیاسی- نظامی مرسوط به خود مأکمل بعد از استفاده‌های مکرر، برای استفاده بیشتر نحو جالب توجهی در پوشش محافظی از طبق قرارداد شده بود، از طریق همین محافل کارگری بدست مارسید. ظاهر سیار مستعمل اما محافظت شده این اعلامیه نشان میداد که در حالیکه در هباده همان فراز کارگران این اعلامیه را مطالعه کردند اما هنوز رمیان آنان در گردش نداشتند! با توجه به چنین زمینه‌های آماده‌ای، آیا این سازمانهای مسلح نیستیم که در این مورد، فعالیت لازمه را برای سازماندهی این

به بیان دیگراین عمل، وسیله‌ای در اختیار بیشتر از انقلابی طبقه قرار میدهد که علاوه بر افسای هرگونه ستم اقتصادی، تمام مظاہر ستم سیاسی حکومت دیکتاتوری راچه براین طبقه و چه بربطقات دیگر خلقی به بارزترین شکل افشا نموده و راه سرنگونی حکومت، یعنی قراردادن "قهر انقلابی" مقابل "قهر ضد انقلابی" را تبلیغ نماید.

۲ - دسته‌ای از کارگران که با عمل ما مخالفت کردند:

الف - عدد مای از این کارگران معتقد بودند که این کاره کار خوداریه و اخوان و... است. اینها در واقع پس از اعتصاب بشدت مأیوس شده و میدان را (به صورت) درست در اختیار اریه میبینند. یا این دسته از کارگران در مقابل امیدواری دسته قبلی کارگران نشان دهند، "عقب ماندگی آنها نسبت به کارگران قبلی است. این و مواردی شبیه این حتی در بعضی اعتصابات دیده میشود و بعضی از کارگران میگویند اعتصاب را خود کار فرماین براه اند اخته تمام را خلال لگر بنامد و حق مارا بخورد. در واقع اینان بد لیل تو پا بودن یا وابسته بودن وبا... هنوز بد رک درستی از مسائل خود و سرمایه دار (در همان حدیکه کارگران پیش رو صنفی دارا هستند) نائل نیامده‌اند. اینان به قدرت طبقه خود اطمینان ندارند و درنتیجه نمیتوانند درکنند

تبليغات، برای کشاندن امواج روشنگر تبلیغ مسلحانه بدرون کارخانه، محافل کارگری و... از خود نشان نداده‌ایم! بنتظر ما هر علت یا عللی که تاکنون می‌توانسته چنین کوتاهی‌هایی را از جانب جنبش مسلحانه توجیه کند، دیگر امروز قابل پذیرش نخواهد بود.

که اعتصاب چه حریهٔ محکم دارد ست طبقهٔ کارگر است و . . .
در اینجا نیز بالطبع عمل (انفجار) را نمیتوانند در رابطه با
منافع طبقهٔ خود تبیین کنند . این موارد حتی در اعتصابات
دانشجویی و از طرف برخی از عقب ماند هترین عناصر روشنفکری
هم مشاهده میشود . آنها همواره علت عدم شارکتشان را در
اعتصاب چنین بیان میکنند؛ "این اعتصاب را خود دولت و
سازمان امنیت برآورد اختهای است و قصد شان فلان و بهمان
است . . ." (در صورتی که چنین نیست)

ب - دستهٔ دیگر از کارگران که مخالف عمل ماهستند:
اینان تحت تأثیر تبلیغات دروغ آمیز رژیم نظرات نادرستی
در بارهٔ ما دارند . (که این تحت تأثیر واقع شدن خود دلائل
زیر بنائی بری دارد) بطریق مثال: در آن زمان (بهار ۳۵) اختلاف
بین دولت ایران و عراق در اوج خود بود و رژیم را انتقام تبلیغ میکرد
که انقلابیون از عراق میآیند و . . . به این دلیل من بیشترم کسے
کارگری میگوید: "ایران دشمن زیاد دارد و . . ." یا کارگر دیگری
میگوید: "این کارخرا بکارها (چریکها) هم نیست زیرا آنها بمب
را وقتی و جایی میگذارند که کارگران مشغول کار باشند!" این
دسته از کارگران شناختشان از جنبش مسلحه در همان حدی
است که رژیم مارامعرفی میکند .

چند نمونه دیگر نیز حاکی از کارگران از آسیب رسیدن
به سریازان با سکاهموده که در واقع انعکاسی است از تبلیغات
دروغین رژیم در ذهن بعضی از کارگران .

۳ - کارگرانی که از اظهار تظر خود داری کردند:
در نمودهایی که مادیدم این نوع برخورد و علت داشت:

اول - کارگرانیکه عمدتاً یا کارگران تازه از روستا آمده و یا سرپرستهای وابسته به کارفرما هستند . علاوه بر این کارگران کارخانه‌های دیگرا (مثل کفش‌بلا) بودند که بین این عملیات و منافع خودشان رابطه‌ای احساس نمیکردند .

دوم - کارگرانی که محافظه‌کار (*) بودند و بعلت ترس حاضر به بحث روی این موضوع نبودند (به قول کارگری صحبت در مورد این کارها حکایت " پدرت مرده است " میباشد)

* * *

حال قسمت‌های اساسی نتیجه‌گیری‌های را که فوقاً بدست آورده‌ایم بطور خلاصه بیان میکنیم :

۱ - هنوز اکثریت کارگران جنبش مسلحه را نمیشناسند . از هدفهای آن و رابطه‌ای که این جنبش با منافع اساسی آنان دارد بکلی سی خبرند . تنها عده‌های محدودی از پیشروترین کارگران که عمدتاً سابقه تماس با روشنفکران انقلابی ، یا اقتشار متوجه خلقی دارند ، آگاهی‌هایی در این زمینه نشان نمیدهند . در حقیقت جنبش مسلحه تاکنون نتوانسته است با جنبش خود بخودی کارگری باتوجه به مرحله مبارزاتی آن و ... رابطه

(*) - این محافظه‌کاری درین بعضی از کارگران دلائل زیر - بنایی دارد . چنین کارگرانی یا از اقتشار فوقانی و مرتفه کارگران - که عمدتاً " به کارفرما وابسته‌اند مانند سرپرستهای ..." هستند و یعنی اکارگرانی ساده و تازه از روستا آمده که میتوانند کارشان را از دست بدهند .

و تماش فعالی برقرار کند .

این نتیجه گیری امروز وظیفه بسیار سترکی در مقابل جنبش مسلحه قرار میدهد که شاید از هر وظیفه انقلابی دیگر او ملزم نباشد و اساساً تر باشد .

۲ - کارگرانیکه آگاهی صنفی و بطور محدودی آگاهی سیاسی دارند و فعالانه در اعتساب شرکت داشتماند و همین طور کارگرانیکه فقط آگاهی صنفی داشته، اما باز هم بطور فعالی در اعتصابات شرکت کردند بودند، نه تنها از عملیات مسلحه، مسا استقبال کردند؛ بلکه آنرا تهاشکل مبارزه پس از شکست در اعتساب تلقی میکردند . این استقبال بطور مشخص و نتیجه مهم را در مقابل مانهاد :

اول - عمل مسلحه پیشناز میتواند بطور مشتبق در جریان مبارزه و آگاهی طبقه کارگر تأثیرگذارد و یعنوان یکی از مهمترین وسائل رشد و سمت گیری سیاسی و انقلابی جنبش خود بخودی طبقه، شمرد شود .

دوم - این استقبال بمانشان دادکه باید بآن استعداد بالقوه، انقلابی و نیروی کیفی "که حتی در مبارزات ساده و روزمره" کارگری در ایران وجود دارد، بهای پیشتری داده شود .

این استقبال همچنین بار دیگر این نظر ماراثا یید کرد که یک جنبش نازل صنفی - اقتصادی در ایران بعلت شرایط خاص میهنسی (دیکتاتوری و حشتناک پلیسی، تاریخ طولانی مبارزات و ...) بالقوه (و بشرط برخورد صحیح عنصر آگاه با آن بالفعل) میتواند فاصله عظیم خود را تا یک مبارزه حاد سیاسی حبسی در اشکال عالی مبارزه مسلحه بسرعت طی نموده و آن استعداد

۹۰
قیام کارگر — بالقوه، انقلابی "نیروی کیفی" پوشیده، در درون خود را آزادسازد.

در واقع وقتیکه دولت جنایتکار شاه خائن یک مبارزه صنفی ساده کارگران را توسط خیل عظیمی از تیروهای ژاندارم و پلیس (ساواک) سرکوب میکند، عناصر فعل آنرا شدیداً مورد پیگرد، شکجه و آزار قرار میدهد؛ آنان را مدت‌ها زندانی و یا بندون پرداخت هیچگونه حق و حقوقی از کارخانه‌ها خراج میکند و . . . وقتی که دولت ضد کارگری شاه خائن حاضراست برای شکست دادن حتی یک مبارزه صنفی کارگری تا سرحد کشتن کارگران بی دفاع پیش روی (*) و خلاصه وقتی تمام طبقات و اقسام را بگردد، دهقانان، دانشجویان، توده شهری و روستائی ایران، در زیر سهمگین شرین فشار سرکوب و خونین دیکتاتوری پلیسی این رژیم قراردادهند، چه شعار دیگری، چه شعار اساسی دیگری جزو شعارة "ناپودی" دستگاه حکومت سلطنت شاه جنایتکار و رژیم سرمایه‌داری خونخوار را بسته ایران "میتواند برای کارگران ایران مطرح باشد؟ و بعد برای رسیدن به چنین هدفی چه راه دیگری جزو مبارزه "سلحانه" توده‌ای میتواند وجود داشته باشد؟

(*) — چنین سرکوب و خشونتی متقابلاً ما را به یک کیفیت بالای انقلابی و نیروی عظیم حیاتی ای در میان این جنبشها (هر چند غریزی و بی‌جهت) رهنمون میشود که میتوانند علیرغم همه این فشارها باز هم قانون تخطی ناپذیر سر زندگی ای این حیات مادی را با حرکت و جوشش خسرود منعکس سازند.

در راستای تحقیق چنین شعاری است که مناسبات جنبش انقلابی با جنبش خود بخودی طبقه کارگر، معنا پیدا نمیکند . اما این شعار، نه از طریق مستحیل شدن در جنبش خود بخودی طبقه و سرفود آوردن در مقابل درخواستهای محدود و متفو - اقتصاری آن ویا مشغول شدن به نوعی سیاست "تردیونیویستی" .
بعنوان ضرورت کارآرام سیاسی و . . . به نه باجداماندن و کار کشیدن از مبارزه دیگر طبقات خلق به بهانه های گوناگون روش نظر مسلکانه او بالاخره نه با پیروی از "شوری اپرتونیستی مراحل" (*)

(*) - "شوری مراحل" یا بقول لنین "شوری مانور خائفانه در مبارزه سیاسی" چیست؟ او این شوری را از زبان اکنومیست های روسیه چنین تعریف میکند : " تقاضاهای سیاسی که به لحاظ ماهیت خود برای تمام روسیه مشترکند . معهذا باید در مراحل نخست با تجربه ایکه قشر معینی از کارگران از مبارزه اقتصادی بدست آورده اند مطابقت داشته باشد (إ) در زمینه این تجربه است که میتوان و باید به تبلیغات سیاسی پرداخت . " لینین در ادامه احتجاجات خود علیه اکنومیستها و برنامه خط مشی پیشنهادی آنها مینویسد : " ولی این تردد اندیشه بی مانند تنها یک موضوع عجیب نیست (استباط مکانیک و باصطلاح قدم بقدم آنها از حرکت جنبش) بلکه یک طریقت نام و تمام نیز میباشد . همان برنامه ای که ر.م در ضمیمه " جداگانه " را بوقایا میسل " با این کلمات آنرا بیان کرد هاست : " آن مبارزه ای مطلوب است که مدر حیز امکان باشد و مبارزه ای هم که در حیز امکان است همان است که در دقيقه فعلی جریان دارد . این درست طریقت همان

به بهانه پائین بودن سطح جنبش خود بخودی و ... بلکه

اپرتوپسیم بیکران است که بطور غیرفعال خود را با جریان خود بخودی هماهنگ می‌سازد - "تاکیک - نقشه مخالف نص صریح مارکسیسم است."

این تهمتی است به مارکسیسم و عبارتست از تبدیل آن بهمان کاریکاتوری که نارد نیکها آنرا در حنگ بامداد نقطه مقابله می‌نمایند و این همان پائین آوردن سطح ابتكار و انحراف مجاهدین آگاه است. در صورتی که مارکسیسم بر عکس برگشایش و سیعترین در نمای هادر برابر سویال دمکرات و واگذاری (اگر بشود) اینطور بیان کرد تکوای مقندری مرکب از میلیونها نفر از طبقه کارگر که "بطور خود بخودی" به مبارزه بر می‌خیزند در اختیار وی با ابتكار و انحراف سویال دمکرات تکان عظیم میدهد! ... در لحظه‌ای که عیب بسیاری از سویال دمکرات‌ها را روی همان اکمه بود ابتكار و انحراف، کعبه داد و سعی داشته‌اند ترویج و تبلیغ و تشکیلات سیاسی و کمبود نقشه‌های وسیعتر فعالیت انقلابی است، در چنین لحظه‌ای گفتن اینکه "تاکیک - نقشه مخالف با نص صریح مارکسیسم است" معنا نیش نه فقط آسودن مارکسیسم از لحاظ شکوه بلکه بعلاوه عقب‌کشیدن حزب از لحاظ عملی است.

(لینن - پایان نقل قول صفحات ۵۳، ۵۱، ۴۹
چه باید کرد)

عملیات انفجاری ۰ ۰ ۰
از طریق پردن تئوری "تبليغ مسلحانه" بعیان این طبقه، از طریق تشکل تمام اشکال مبارزاتی کارگران حول محور مبارزه مسلحانه است که تحقق آن امکان پذیر نمی‌شود. در چنین صورتی است که تمام شعارهای مرحله‌ای، در رابطه با جنبش این طبقه می‌تواند سمت اصولی و صحیحی پیدا نماید. در برآ بر چنین چشم‌اندازی است که تمام فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی در میان این طبقه می‌تواند جهت‌گیری استراتژیک خود را پیدا کند.

۳ - سازمان مسلح پیش‌تازه شرطی خواهد توانست از عملیات مسلحانه خود در رابطه با "جنبش طبقه کارگر" بهره برداری سیاسی نماید و به شرطی خواهد توانست این تئوری را (تئوری تبلیغ مسلحانه) را به میان این طبقه پرداز که دارای تماس سیاسی و تشکیلاتی لازم با این طبقه باشد. این تماس سیاسی - تشکیلاتی بهیچوجه یک شرط مقدماتی، مثلاً معناهی یک مرحله استراتژیک نیست؛ بلکه در ارتباط متقابل با "عمل مسلحانه" سازمان مسلح پیش‌تازه است که معناداده و یگانه شکل صحیح خود را بدست می‌آورد. به بیان دیگر ضرورت گسترش نفوذ و تکامل تئوری "تبليغ مسلحانه" از یکطرف به تماس بسیار گسترده‌تر سیاسی - تشکیلاتی با این طبقه، با جنبش این طبقه، با تمام وسائل سازمانی - سیاسی - نظامی وابسته است، و از طرف دیگر خود در عین حال مضمون و محتوای سیاسی - استراتژیک این فعالیتهای رامعین می‌سازد. بدینترتیب در کادر چنین خط مشی‌ای در مقابل جنبش طبقه کارگر است که حلقه‌های متعدد کار تبلیغی - سیاسی - تشکیلاتی - نظامی سازمان پیش‌تازه به یگدیگر متصل می‌شوند.

و در روند رشد و گسترش نفوذ خود در میان صبغهٔ کارگر بریگدیگر تأثیرگذارد و مجموعاً مبارزه انقلابی طبقهٔ را بحلو میراند.

۴ - مخالفتها، ناباوریها و بی‌تفاوتی‌های موجود در میان کارگران نسبت به جنبش مسلحه‌انه، دارای ریشه‌های مشخص عینی و ذهنی‌ای در میان این طبقه است که طیف معینی را از عکس‌العمل‌های تردید آمیز اقشار فوقانی مردم کارگری در مقابل جریانات انقلابی، روحیات منفی بافاند. دهقانی . . . ناکسانی که عدتاً "بطور و بنائی تحت تأثیر تبلیغات رژیم هستند و . . . رامن عکس می‌سازند. این امر باز هم لزوم کار فشردهٔ تبلیغی، لزوم تعاس مستقیم تشکیل‌لان - سیاسی جنبش مسلحه‌انه با این طبقه و مبارزه با افکار و ایدئولوژی‌های غیر پرولتری (رویزیونیستی) رایج در آن که عدتاً پایگاه اقشار فوقانی کارگری (آرستوکراسی کارگری) ایران را منعکس می‌سازد، بیش از پیش تأیید می‌کند.

گستردهٔ ترباد جنبش طبقهٔ کارگر
بر افراشتهٔ ترباد پرچم جنبش مسلحه‌انه خلق
مستحکم تریاد پیوند جنبش مسلحه‌انه و جنبش طبقهٔ کارگر

کشتار انقلابیون و فرمده خلق

بدست دولت شاه جنایتکار
و گوشه دیگری از توطئه های تبلیغاتی مزد و ران ساواک

در تاریخ یکشنبه ۲۰ آذر رماد سال جاری همزمان با اشغال
مقر اوپاک و گروگان گرفتن جمشید آموزگار، وزیر مشاور شاه -
۸ تن از اعضای سازمان ماء باعجله و در همان شب چه کمیته
مشترک شهریانی و ساواک "تیرباران شدند" . رژیم مزد و ران شاه
تنهای کماه بعد از انجام این جنایت در ۴ بهمن - و در پوشش
توطئه آمیز تبلیغاتی - به آن اعتراض نمود .

انقلابیون شهید رمز ادماء امسال با سارت دشمن در
آمد بودند . آنها از لحظه اسارت تا هنگام شهادت، وحشیانه
ترین شکجه های محمد رضا شاهی را قهرمانانه تحمل کردند
و هیچگاه حاضر نشدند به خلق و به طبقه کارکرا بران ریشت
کنند . آنها فرزندان قهرمان طبقه کارگر بودند که بسر
پیمانشان با خلق استوار ماندند و سرانجام خون پاکشان را
نثار انقلاب رهایی بخش خلق و آرمان های پرشکوه طبقه کارگر
نمودند .

مجاهدین شهید عبارت بودند از :

مجاهد شهید وحید افراخته، مجاهد شهید محمد طاهر
رحیمی، مجاهد شهید سید محسن خاموشی، مجاهد
شهید محسن بطحائی، مجاهد شهید منیزه اشرفزاده کرمانی،
مجاهد شهید ساسان صمیمی بهبهانی، مجاهد شهید مرتضی
لباف نژاد، مجاهد شهید عبد الرضا منیری جاوید .

"شاه چگونه به جنایات روز افزونش اعتراف"
 "میکد و چگونه تلاش میذبوحانه ای را"
 "برای پوشاندن واقعیتات"
"انقلابی جامعه" ما بکار میگرد

روز شنبه ۸ بهمن ماه بالآخره دولت شاه جنایتکار اعتراف کرد که ۸ تن از اعضای سازمان ما را در رهمن روز قتل عام کرد و است. اما ادعای سازمان امنیت شاه خائن، جزیک دروغ و جزیک توطئه تبلیغاتی چیز دیگری نبود. رفاقت رژیم همانه در ماه بهمن، بلکه درست در شب حادثه اشغال ۲۰ ساعته مقر اوپک در وین (پایتخت اتریش) و گروگان گرفتن جمشید آموزگار - وزیر مزد و رکشور - به دست جلادان سازمان امنیت شاه جنایتکار به قتل رسیدند.

وزیر مزد و رشاد در روز یکشنبه ۳ آذر ماه ساعت دو و ده - دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران به گروگان گرفته شد و در همان ساعت اول، معلوم شد که هدف اصلی این عملیات، آموزگار و زکی یعنی - همتای مزد ورد یگرشن در عربستان - میباشد. شاه جنایتکار و جلادان سازمان امنیت او بشدت از این عمل بوحشت افتادند. آنها تصویر میکردند در این عملیات، انقلابیون ایران نیز شرکت دارند و مقابله آزادی این مزد و آزادی رفاقت خود را خواهند خواست. با این تصور آنها بالآخره تصمیم میگیرند برای ازین برد ن زمینه هرگونه فشار محتملی در این مورد، این رفقار اراده رهمن شب بقتل برسانند. تمام اطلاعات موئق معاصر از منابع مردمی و چه از منابع وابسته خود رزیم این خبر را تأیید

بدینترتیب انقلابیون مابدلون آنکه همان تشریفات کذاشی را در کاههای فرمایشی در راه، آنان اجرا شود؛ درست در شب ۳ آذر، در مقابل جوخد، آتش قرارداده میشوند. آموزکار نیز بعد از ۳ ساعت و در روز سهشنبه ۳ دیماه — با میانجیگری دولت الجزایرو توافق های پنهانی دیگری بین دولت ایران و عملیات کنندکان — آزاد میشود؛ بدون آنکه انقلابیون ایران در این عمل شرکت داشته و چنین تقاضای رام طرح کرده باشند اماد یکرا خبار این قتل عام شروع به پخش نموده بود. اخبار و شایعات میهمی که همکن اعدام عدالتی انقلابی را در همان شب حادثه، وین تأیید میکردند، مرتباً منتشر شد و بسرعت کشتنش پیدا میگردند. بدینجهت شاه جلاد و دارودسته تبلیغاتی های سازمان امنیت در روز ۱ دیماه — طی چند سطركوتاه — اعلام میکند: "ده تروریست در تهران محکوم به اعدام شدند." اعلام این خبر بدون هیچگونه مقدمه و خبر قبلی و فقط یک هفته بعد از پایان ماجراهای ویس، با وجود آوردن دو جریان نقشهای شاه را برهم میزند. از یک طرف شایعه کشتار قبلی انقلابیون قوت بیشتری میگیرد و همچنان میگویند که این عده را قبل از اعدام کردند و از طرف دیگر اعتراف کشته ای از طرف دانشجویان ایرانی محافل متفرق بین المللی و حتی بورژوازی لیبرال در مخالفت با اقدام جنایتکاران شاه میگیرد.

دانشجویان ایرانی در شهرهای پاریس (فرانسه)، آمستردام (هلند)، کلن (آلن غربی)، مونترال (کانادا) و ... در

دست به اعتراض غذازده و تظاهرات وسیعی در پاریس، آمستردام، کلن، واشنگتن، رم و سایر شهرهای اروپا و آمریکا برپا میکند. دانشجویان همچنین سفارت ایران در آلمان غربی را بعنوان اعتراض به جنایت شاه جلال اشغال میکنند. "اتحادیه دانشجویان آلمان"، "انجمن دانشجویان آمریکای لاتین"، "سازمان دانشجویان ترک" و ... همچنین خود را بادانشجویان ایرانی در مقابل اعلان جنایات شاه اعلام میکنند. کنسولگری ایران در سانفرانسیسکو و سفارت ایران در آلمان غربی با بمب مورد حمله قرار میگیرند. یکی از بزرگترین سندیکاهای کارگری فرانسه با ارسال تلگرافی به هویتای قاچاقچی، به این جنایت اعتراض میکند. احزاب سوسیالیست و کمونیست ایتالیا خبر این جنایت را در روزنامه های خود و در سندیکاهای کارگری اعلام میکنند. این احزاب طومارهائی در محکومیت جنایت دولت شاه تهیه کرد و آنرا برای امضاء به کارخانه های میرند و صدها هزار کارگر ایتالیائی این طومارها را امضاء میکنند. پنج وکیل حقوقی - که قبل از آمد به بودند - علیه احکام اعدام موضع گیری کردند و اعمال جنایتکارانه شاه جلال را محکوم مینمایند. نمایندگان سوسیالیست پارلمان هلند به مجلس با اصطلاح شورای ملی تلگراف میزنند و ضمن ابراز نگرانی از شکجه و کشتار انقلابیون درقبال حکم اعدام این انقلابیون توضیح میخواهند و ... صدای اعتراض علیه جنایات روزیم شاه از همسود رسطع جهانی بالا میگیرد. شاه قاتل که احمقانه تصور ننمود میتواند هر چه زودتر، خبر چند سطمری محکومیت این انقلابیون را دردادگاه اول بی سروصد اعلام کند.

و چند روز بعد نیز، خبر قطعیت احکام و اعدام آنها را بی سرو صدا ترازیاراول اعلام کرد و قضیه را فیصله دهد، ناگهان با این اعتراضات گسترده و تقویت این شایعات رو بروشد. بدین جهت بار دیگر تبلیغاتچی‌های رسایسازمان امنیت شاه دست بکارشند. آنها سعی کردندیک دادگاه خیالی تجدید نظر از نوع همان دادگاه‌های رسای گذشتگراه پسند ازند و با - صطلاح انعکاس جریانات این دادگاه خیالی در مطبوعات و چاپ مطالب رسواتر دیگری بنام دفاعیات - از زبان رفقای شهید شده‌ما - پردازی بر جنایات مخفیانه‌ی خود بکشند و آنرا در پرده قانون - البته همان قانون ضد خلق آریامهری با - پیوشانند! اماغناوین و توضیحاتی که سازمان امنیت رسای شاه، از زبان رزم‌دگانیکه شهید شده بودند به انقلابیون ایران نسبت داد؛ قبل از آنکه بتوانند حتی ذره‌ای از حقانیت راه و هدف انقلابیون که خون پاکشان را پشتونه ایمان و صداقت خود قراردادند، کم کند، باز هم سازمان امنیت شاه و خود شاه جنایتکار را رسواتر کرد.

در واقع باید پرسید؛ اگر کسانی تا چنین حدی سقوط می‌کنند که بدترین دشتمانهای را به انقلابیون مامیدند. همان نسبت‌هائی را به رزم‌دگان جان برکف خلق مید‌هند که مزد و ران ساواک و خود فروختگان دولت شاه با خشم و وحشیگری تمام به انقلابیون می‌گویند.

و بالاخره اگر آنها با کمال شیطانی و ندامت و ... تقاضای عفو و خدمت به رژیم و ... کردند پس چرا خون پاکشان بدست جلادان شاه ریخته می‌شود؟ آیا چنین افرادی خسود

بهترین خادمان دولت شاه و اربابان جنایتکار آمریکائی
او نیستند؟

اما شاه و رژیم دست نشانده، او در مقابل خلق مارسواتر
از آن هستند که دیگر بتوانند چنین فریبکاریهای را برای
پوشاندن جنایات مخفیانه، خود بکار ببرند. آنها رسواتر از
آن هستند که امید داشته باشند که کسانی هم باشند که گول این
فریبکاریهای احمقانه، آنها را بخورند. تبلیغات رسای آنها
رسواگر بیشتر خود آنهاست.

شاه جنایتکار و دولت دست نشانده، او همچنین اعلام
کردند که رزمندگان مجاهد مارا بخاطر شرکت آنها در عملیات
انقلابی اعدام سرهنگان جنایتکار آمریکائی (هاوکینز، شفر،
ترنر) و همچنین سرتیپ مزد ورساوال - زندی پور - قتل عام
کردند. بدینترتیب رژیم شاه جنایتکاریکاری بگرانشان داد که
این باصطلاح "خرابکاران" و "ترویست‌ها" چه کسانی
هستند!

دولت رسای شاه نشان داد که این باصطلاح "خرابکاران"
کسانی هستند که منافع اربابان آمریکائی شاه را مورد تهاجم
قرار میدند. منافع طبقه حاکمه، مزد و رایران - شاه دربار
و سرمایه‌داران وابسته ایران - را مورد حمله قرار میدند و پرچم
آزادی و رهایی خلق ایران را برداشتند.

دولت مزد و رشاه نشان داد که این باصطلاح "ترویست‌ها"
فرزندان جان برکف خلق اند که را مانقلاب مسلحانه، خلق
را برای نابودی امیریالیست‌های آمریکائی و نوکران داخليشان
شاه و داروا...ند، حاکم - ایران دریش گرفته‌اند. آری اینک

خلق ما و پیشگامان انقلابیش سالها و سالها سرکوب خونین
دولت مزد ورشاه را با قهر انقلابی خود پاسخ مید هند .

جا ویدان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق
تابود باد دولت ضد خلقی شاه جنایتکار
پیروز باد مبارزه مسلحانه ، تنها راه رهائی خلق



تحلیلی برو:

اعتراض کارگران کارخانه

سیتروئن (ژیان)

رفای کارگر! هدف ما از بررسی اعتراضات کارگران در کارخانه‌های مختلف در این سلسله مقالات اینست که با تجزیه و تحلیل این اعتراضات، علل پیروزی یا شکست آنها را روشن کنیم تا از جمیعت آنها، قوانین حاکم بر اعتراضات و علل شکست یا پیروزی جنبش خود بخودی طبقه کارگر ایران را کشف نمائیم و در اختیار تمام کارگران روزمند قرار دهیم.

در شماره^۱ قبل اعتراض کارگران کارخانه ایرانا را مورد بررسی قراردادیم و بعد متوجه نتایجی که از آن گرفتیم عبارت بودند از:

۱ - رهبری درست و هدایت صحیح نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در پیشبرد اعتضاب دارد و ضعف رهبری علت اصلی شکست مبارزه کارگران بوده است. ضعف رهبری از یکسو و نشاند هنده، پائین بودن سطح آگاهی کارگران در پیاره در خواسته‌ای عادلانه، صنفی - اقتصادی آنان است و از سوی دیگر ضعف تشکیلاتی و سازمانی رهبری مبارزه را نشان میدهد. بدین معنا که در جریان اعتضاب مشاهده کردیم که رهبران اعتضاب علنی و آشکار بودن از طرف پلیس، شناخته و دستگیر شدن و با دستگیری رهبران، اعتضاب که مغز خود را ازدست داده بود با شکست مواجه شد. با توجه به این جریان نتیجه گرفتیم که ضعف تشکیلاتی و سازمانی رهبری اعتضاب در درجه

اول ناشی از علنى بودن آن میباشد و بنا براین آگاه تریس و پیشروترین کارگران باید بطور مخفق و غیرعلنى متشكل شده و مبارزه کارگران را هدایت و رهبری کنند.

در عین حال گفته شد که رهبری اعتصاب، شیوه های درست را هم در جریان اعتصاب بکار برد. این شیوه های درست عبارت بودند از:

الف - شدت عمل در مقابل کارگران خایه مال و جاسوسان کارفرما که اولاً کارگران مرد را بسوی کارگران اعتصابی جلب میکند و ثانیاً از اعمال خائنانه و تفرقه افکانه خایه مالها و جاسوسان جلوگیری مینماید.

ب - هوشیاری و حفظ وحدت کارگران که زمینه را برای پیروزی بر تهدیدات و حیله های بیلیس فراهم میسازد.

ج - شدت عمل در مقابل کارگران یکم بر اثر فشار زاندارمهای مشغول بکار میشدنند. این کار نیز از آنجهشت درست است که از ایجاد تفرقه و شکاف بین کارگران جلوگیری میکند و وحدت آنها را حفظ مینماید.

۲ - دو میں نتیجه، بررسی اعتصاب کارگران ایران این بود که راههای باصطلاح قانونی (نظیر مذاکره با کارفرما، شکایت به وزارت کار و ...) برای گرفتن حقوق کارگران اساساً "فاقد" ای ندارد. زیرا دولت سرمایه داری و طبیعتاً وزارت کار حامی سرمایه داران است نه حامی کارگران.

۳ - اعتصاب مؤثرترین شیوه ایست که در چهار چوب سائل صنفی - اقتصادی کارگران میتواند سرمایه داران را بزانو د راورد.

۴ - هر اقدام حق طلبانه و دست گمی کارگران و هر اعتراض آنان، بشدت از طرف پلیس سرکوب میشود . چون پلیس ، زاندارم و دیگر سنتگاههای اجرائی دولت آلت دست سرمایه داران و تعاونی‌ها و حافظ منافع آنان اند .

در این شماره، اعتراض کارگران کارخانه سیتروئن در همن ماه ۱۳۵۲ را برای بررسی انتخاب کرد هایم که پس از شرح مختصی از اوضاع عمومی کارخانه آن میردادیم .

اوضاع عمومی کارخانه : کارخانه سیتروئن که سازنده اتومبیلهای زیان است در جاده کرج قرار دارد . سرمایه ثبت شده کارخانه ۱۰۰ میلیون تومان و متعلق به یک سرمایه‌دار فرانسویست . مدیر عامل آن نیز یک فرانسوی بنام "الفرد آس" است . میزان تولید کارخانه ۱۱۰۰۰ اتومبیل در روز است که نسبت به سال ۱۹۷۵ ۶ دستگاه افزایش یافته است . این اتومبیلهای بجز موتوره سایر قطعات آن در این کارخانه ساخته میشود .

تعداد کارگران این کارخانه ۲۰۰۰ نفر است که ۱۵۰۰ انفر آنها در کارگاه‌ها کار میکنند و ۵۰۰ نفر نیز کارگران متفرقه (باغبان، سرویسکار ماشین، کارگر ساختمانی و ...) هستند . حداقل مزد کارگرانی که در کارگاه کار میکنند روزانه ۲۲/۵ تومان است (کارخانه در سال ۱۹۷۵ سالی که اعتراض مورد نظر در آن سال اتفاق افتاد - ۱۰۰۰ انفر کارگردانی که حداقل حقوق آنها ۱۱ تومان در روز بود) کارخانه دو نوع کارگردانی دارد : کارگران شیفتی و کارگران روزگار .

الف - کارگران روزگار عبارتند از کارگران مونتاژ کار و جوشکار و ۱۰۰۰ که تابستانها ۶ صبح الی ۴ بعد از ظهر و زمستانها ۷ صبح

۱۰۵ اعتصاب سیتروئن
الی ۵ بعد از ظهر کار میکند . (که فقط نیم ساعت وقت نهار خوردن داردند .)

ب - کارگران شیفت که کارگران نقاش، نقطه جوشکار و پرس کار میباشند، در دو شیفت صبح و شب کار میکنند . شیفت صبح در زمانهای ۱ صبح الی ۴ بعد از ظهر و تا بستانهای ۲ صبح الی ۵ بعد از ظهر و شیفت شب در زمانهای ۳ شب الی ۶ صبح و تا بستانهای ۹ شب الی ۷ صبح است که کارگران دو شیفت با هم تعویض میشوند .

در مورد سود کارخانه در سال ۲۵ کارگری میگفت: "ما بعینه می بینیم که کار فرما برای هراتومبیل بیش از ۸ تا ۱۰ هزار تومان خرج نمیکند و در حقیقت از هراتومبیل ۸ تا ۱۰ هزار تومان سود خالص به جیب خود میریزد" (۱) ل رحال یکه این پول محصول دست رنج ماست ."

سود ویژه‌ای که امسال کارگران داده‌اند در حدود ۵ ماه و ده روز الی ۵ ماه و ۵ روز بوده است .

اقدامات کارگران قبل از دست زدن باعتصاب : کارگران این کارخانه نیز ابتدا برای رسیدن حقوق خود، راه باصطلاح قانونی را در پیش گرفتند و به نمایندگان خود برای مذاکره با کار فرما فشار آوردند . آنها فکر میکردند که از طریق مطرح کردن خواستهای خود جویله، نمایندگانشان، شکایت به وزارت کار و ... خواهند توانست به حقوق خود دست یابند . ولی در عمل

(*) - اتمبیل زیان در سال ۲۵ بیش از ۱۶ تا ۱۸ هزار تومان بفروش میرسید .

مشاهده کردند که کارفرما بکل نمایندگان وزارت کارچگونه آنها را سرمد و اندام روز و فرد امیکند و چگونه سعی میکند با وعده و عیید آنها را از فکر رسیدن به اندکی از حقوق خود باز دارد . آنها بعد از مدتی فعالیت مشاهده کردند که کارفرما کوشش میکند تا از طریق این مذاکرات تفاضاهای آنها را کاهش داده و با دادن امتیازات کمی موضوع را منتفی سازد . اما وقتی همه راههای باصطلاح قانونی از مذاکره با کارفرما تاشکایت به وزارت کارنتیجه‌ای نداد و کارگران فهمیدند که ادامه این شیوه‌ها فقط بنفع کارفرما است و بجای کارگران این کارفرما است که از آن سود میبرد ، تصمیم به اعتراض گرفتند . در این میان نالمهای خائنانه مزد و ران و دا بستگان کارفرما که راههای باصطلاح قانونی را تبلیغ میکردند در مقابل اراده کارگران آگاهی که حاضر نبودند حقوق خود را از کارفرما گذاشتند ، فایده ای نداشت . نالمهای زبونانه کارگران ناگاهی که گول کارفرما و عالش را خوردند و راههای مسالمت آمیز را تبلیغ میکنند نیز نمیتوانست جلوی خشم کارگرانی را که فشار زندگی و شدت ظلم و ستم سرمایه دار جانشان را به لب رساند ببودند ، بگیرد . تغمه‌های ضد کارگری از قبیل : " مذاکره بهترین راه رسیدن به خواستها - یعنی است ." و " به وزارت کارشکایت کیم تا کارفرما حقمان را بدهد " که مستقیماً از طرف جاسوسان ، مزد و ران و دا بستگان کارفرما در صفت متحد کارگران تبلیغ میشدند ، نتوانست کاری برای کارفرما صورت دهد و جلوی اعتضاب را بگیرد . چراکه کارگران با تجریبه خود دریافتند :

راههای باصطلاح قانونی (تظییر مذاکره با کارفرما ، شکایت

به وزارت کار و ۰۰۰۰ برای گرفتن حقوق کارگران فایدند از دادن زیرا دولت سرمایه‌داری ایران و طبیعتاً وزارت کار بعنوان جزئی از همین دولت حامی سرمایه‌داران است نمایمنی کارگران .
کارگران درک کردند حق گرفتنی است نه دادنی :

بالین ترتیب کارگران با طرح مشخص درخواسته‌ای عادلانه‌شان، دست باعتصاب زدند . خواسته‌های کارگران عبارت بودند از :

۱ - افزایش سود ویژه به پنج ماه در سال .

سود ویژه‌ای که در سال ۱۵ به کارگران داده شده بود برابر دو ماه دستمزد شان بود و کارفرما قصد نداشت این مقدار را افزایش دهد .

۲ - اخراج رئیس کارگری . این فرد به بهانه‌های مختلف از کارگران رشوه می‌گرفت و از آنها اخاذی و باج خواهی می‌کرد .

شرح جریان اعتصاب : در این اعتصاب کارگران سه بار و در مجموع ۵ روز دست از کار کشیدند . این بزرگترین اعتصابی بود که تا آن موقع در این کارخانه برای افتاده بود . در مورد وسعت و شدت آن کارگری می‌گفت : "من اولین باری بود که چنین اعتصابی را بخود دیدم ."

در جریان اعتصاب، کارگرانی که با اعتصاب مخالفت می‌کردند وقصد رفتن به سرکار داشتند از طرف کارگران دیگر کشک خوردند . دلیل کارگران مخالف با اعتصاب بظاهر این بود که "اعتصاب را کارفرما راه می‌اندازد تا برای ما که می‌خواهیم بطریور قانونی (مسالت آمیز) بخواسته‌های عمان برسیم سدی ایجاد کند

بدین صورت وقتی مایه دولت وزارت کار و وزیر کارشناسی است میکنم
بما بگویند چون این کارثان خلاف قانون است بنابراین دیگر
حقیقت ندارید . "عطف‌چنین درستی که اعتراض اراده داشت
زاندارمهم سه محل آمده و کارخانه را در محاصره خود گرفتند .
فشار کارگران وشدت اعتراض باعث میشود که کارفرمابا
پرداخت ۴ ماه سود ویژه موافقت کند ولی کارگران از قبول این
پیشنهاد خود داری میکنند و در مقابل حرف یکی از نمایندگان
رفرمیست (۱) (۲) که گفته بود "باید و باهیم ؟ ماه موافقت
کنید و بسلامت شاهنشاه هورا بکشید و بروید سرکار . "همگی
میگویند : "ماهه هورا میکشیم و نه با ۴ ماه موافقت میکیم . اگر
سود ویژه ازه ماه حقیقت روزگار باشد نمی‌پذیریم . "

وقتی نمایندگان کارگران برای مطرح کردن تقاضاهای
کارگران با وزیر کار ملاقات میکنند ، وزیر کاریه آنان میگوید :
"شما (یعنی کارگران) آیا میدانید چه موقع دست به این کار

- (۱) — احتمال ضعیفی در مورد سادگی بودن این نمایندگی موجود است .
- (۲) — رfrmیست یعنی کسی که صرفاً به طرق مسالمت آمیز و سازش کارانه میخواهد کار را اصلاح کند که البته همیشه بلکه عمدتاً این کار امکان ندارد . اماد راینچا منظور ما از نمایندگی رfrmیست نمایندگای است که برای حفظ منافع خود میخواهد ای برخوردی بین کارگران و کارفرما روی نداده و به نحو سازشکارانه آنها را آشتبانی دهد . چرا که در غیر این صورت — یعنی در صورت هرگونه برخورد و تصادم بین توده کارگران و کارفرما — به حال موضع نقش رهبری چنین نماینده سازشکاری به خطر خواهد افتاد .

غیرقانونی (اعتراض) زد هاید؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته (*). شما با آنان چه فرقی دارد. آنان در مرز اخلاق لگری میکنند شعاد رداخل "سپس خطاب به نمایندگان میگوید: "شما پس چه کاره هستید؟ شما نی که نتوانید ۱۰۰۰ نفر کارگر را آرام نگهداشید بدر نمایندگی نمیخورید. پس بهتر است استعفای خود را بنویسید. " سپس نمایندگان را وادا ر میکند که استعفای هندواز دفتر وزیر کار بیرون شان میکند. پس از این حریان، وزارت کار تهدید کرد که در صورت ادامه اعتراض، همه کارگران را با پرداخت فقط ۵ اروز مزد برای هرسال سابقه کار اخراج خواهد کرد.

کارگران که قبل از خرابکاری اخلاق لگر! خائن! و ... خوانده شده و عملاً در معرض سرکوب خونین دولت شام جنایتکار قرار گرفته بودند و با این تهدید خطر بیکاری و قطع شدن ناشان نیز رو بروشند. بخصوص که این تهدید مستقیماً بوسیله دولت ضد کارگری صورت میگرفت و هرگونه مقاومت در برابر آن خطر بخار و خونکشاندن کارگران را - که قبل از با وصل کردن کارگران به بیگانه زمینه ماش هم فراهم شده بود - بوسیله نیروهای جنایتکار دولت ضد خلقی افزایش میداد. دولت ضد خلقی شاه تهدید میکرد که کارگران را با پرداخت فقط ۵ اروز دستمزد برای هرسال سابقه کار بیرون کرد و هر گونه مقاومت را شدیداً سرکوب خواهد کرد. این تهدیدها

(*) - اتفاقاً "اعتراض بازد و خورد مرزی ایران و عراق مصادف شده بود.

برای کارگران معنای آن بود که در مقابل گرفتن پول ناجیزی باید از ساقه کار خود چشم پوشی کرده و بماندیک کارگرتازه کارو با حداقل دستمزد در کارخانه ها کارگر مشغول بکار شوند و این تازه در صورتی بود که آنها بتوانند با توجه به باصطلاح سابقه بدشان ونداشتن باصطلاح رضایت نامه از کار فرما و با توجه به اینکه استثمار وحشیانه^{۱)} کار فرما فرسوده شان کرده بود، در کارخانه دیگری کارگیر بیاورند. این تهدید به معنای آن بود که هرگونه مقاومت در مقابل ظلم و ستم کار فرماه زن و فرزندانشان را از سر برست و نان آور محروم خواهد کرد و... با توجه به این چشم اندازه کارگران که نیروهای سرکوبگرد دولت جنایت کار را پشتونه^{۲)} این تهدید های ضد کارگری میدیدند، تسلیم شدند و باین ترتیب بزرگترین اعتصاب "کارگران کارخانه" سیتروئن^{۳)} با دلالت مستقیم دولت شاه مزد و ربطور کامل شکست خورد.

بعد از اعتصاب روحیه های مأیوس کارگران کاملاً محسوس بود و بنظر میرسید آنها بر اثر این شکست از مبارزه برای گرفتن حقوق خود سرخورد و ناامید شده اند. (۱) کارگران رفمیست نیز هر از عدم موفقیت بشدت مأیوس شده بودند بطور یکی یکی از آنان گفت: "من غلط بکنم اگر این دفعه تعاینده شوم."

وزارت کار و کار فرما هم از این شکست سوءاستفاده کردند و برای اینکه کارگران رابطور کلی نسبت باعتصاب بدین و از مبارزه

(۱) - البته این فقط میتواند یک اثر موقت باشد همانطور که از آن زمان تاکنون چندین اعتصاب دیگر نیز در این کارخانه برآه افتاده است.

برای گرفتن حقوقشان منصرف کشند وزیرکار، اعلام کرد که بخاطر عمل غیرقانونی شما (کارگران) و جبران خسارت کارفرما (۱) امسال فقط یکماه سود و بیزه بشما پرداخت میگردد و بنه-

۱۵ اسفند خودم (وزیرکار) میآمیز و آنرا میپردازم . " (۱)

پس از تعام شدن اعتراض ساواک نیز بکم کارفرما آمد و هر روز ۰۱ تا ۲ انفراز کارگران مبارز را حضار میکرد تا از یکسو فعالیت و عاملین اصلی اعتراض را بشناسد و از سوی دیگر با تهدید و ترساندن، آنها را از فعالیت برای برآه اند اختن اعتراض مجدد و یا شرکت در اعتراضات بعدی بازدارد .

اما در رسایی که این اعتراض میآموزد :

اولین درس در این کارخانه نیز یکباره دیگر ثابت شد که راههای باصطلاح قانونی برای گرفتن حقوق کارگران جزیئی بپراهم نیست. این بپراهم را کارفرما و عوامل مزد و راو و نیز وزارت کار رحمانی سرمایه دارها به کارگران نشان میدهند تا آنها را از یکمود راههای درست برای گرفتن حقوقشان بازدارند . بررسی استدلال مدافعان عیوهای بد اصطلاح قانونی بخوبی ماهیت این شیوه ها را روشن میکند . آنها میگفتند : "اعتراض را کارفرما راه میاند از د

(۱) — البته کارفرما وزارت کار جرأت نکردند چنین کاری بگشند جون عوارض خشم کارگران نسبت به این جنایت، برایشان قابل پیش بینی نبود. در آنسال سیماه سود و بیزه کارگران پرداخت ندو کیهان هم در تاریخ ۱۹ اسفند همان سال نوشته: "وزیرکار و امور اجتماعی ۲ میلیون ریال سود سهیم کردند کارگران کارخانه جات سیترو را اطی بک فقره چکمه آقای رسولیان نمایند و کارگران تسلیم کرد ."

تایبرای مانع میخواهیم بطور قانونی (مسالمت آمیز) بخواستدهای عادل برسم سندی ایجاد کنند که وقتی مابه دولت، وزارت کار و وزیر کار شکایت میکنیم بما بگویند چون این کارتان خلاف قانون است بنابراین دیگر حقیقی ندارید . ”

هر کارگر آگاه و روزمند ای برآحتی میتواند در یا بد که گفتن چنین حرفهایی بانایشی از خیانت آشکار به طبقه کارگر است و با برآثر جهالت و ناآگاهی مطلق .

آیا کارفرما خود شاعت را میاندازد ؟

یک حساب سرانگشتی نشان میدهد که کارفرماد را یعنی اعتصاب حداقل ۲ میلیون تومان سود ازدست داده است . برآحتی میتوان فهمید که کارفرمایی که برای استثمار بیشتر کارگران وید است آوردن سود بیشتر از هیچ جناحتی روی گردان نیست، خود شاعت را نمیاندازد تا بخود شضرر بزند . در جریان اعتصاب هم مشاهده کردیم که کارفرما برای پایان دادن به اعتصاب و سرکوب آن ازو زارت کار و زاندار مری کمک گرفت و پس از پایان اعتصاب برای بیید اکردن محركین و فعالیت انت اعتصاب ساواک را به کارخانه آورد و این بروشنه نشان میدهد که کارفرمانه تنها اعتصاب را نمیاندازد بلکه برای جلوگیری از آن حاضراست دست به هر توطئه ای بزند و هرجناحتی را مرتب شود . با توجه به این واقعیتهای روشن باید پرسید چرا چنین حرفهایی زده میشود ؟

بنظر ما این حرفهای برآثر ناآگاهی و نشناختن ماهیت سرمایه دارو یا برای پوشاندن ماهیت تجاوزگر و استشارگر افزوده میشود .

آیا دولت شاه، وزارت کار و وزیر کار را می‌کارگران است که حقوق آنها را از کار فرما بگیرد؟

برای پاسخ به این سوال کافیست فقط به جریان همین اعتراض توجه کیم. وزیر کار، کارگران را که برای کرفتن اندکی از حقوق خود اعتراض کردند، اخلالگر و خائن به وطن مبتدا و برای جبران باصطلاح ضرر کار فرما ازدواج حقوق کارگران خود دارد می‌کند. وزارت کار برای شکستن اعتراض کارگران را تهدید به اخراج و بیکاری می‌کند و زاندارمی برای سرکوب کارگران، کارخانه را محاصره می‌کند و ساواک برای پیدا کردن محركین اعتراض، کارگران را بزندان می‌برد و شکجه می‌گند. وقتیکه فقط درین اعتراض دولت شاه خائن این‌همه اعمال ضد کارگری انجام میدهد، باید بپرسیم این دولت را حامی کارگران و انمود کردن چه دلائلی دارد؟ دولت ضد کارگری شاه خائن را حامی کارگران و انمود کردن یاناشی از نشناختن ماهیت ضد خلقی آنست و یا برای پوشاندن ماهیت ضد کارگری آن با توجه به این واقعیتهای آشکار چه کسانی می‌گویند؟ "اعتراض را کار فرما برای میاند از تانگذاری وزارت کار حقوق کارگران را بگیرد؟"

همه کارگران این عدد را می‌شناسند. این عدد اگر خائن به طبقه کارگر باشد و خود را به کار فرما و رژیم نفوخته باشد، مطمئناً جا هلتند و کمترین آگاهی نسبت به ماهیت کار فرما و رژیم ندارند.

کارگرانی که بعضیه می‌بینند چونه کار فرما برای بدست آوردن سود بیشتر از هیچ جنایتی رو گردان نیست؛

کارگرانیکه حمایت عینی وزارت و وزیرکار را از کارفرما میبینند؛ و کارگرانیکه جنایات دولت ضد کارگری شاه خائن علیه کارگران و همه، زحمتکشان ایران را مشاهده میکنند؛ هیچگاه فریب چنین حرفهای خائنانه و احمقانه‌ای را نمیخورند عناصر خود فروخته‌ای که میخواهند با این قبیل حرفهای کارگران مبارز و ناآکامرا گول بزنند و در صفت پیار چه کارگران حق طلب شکاف و تفرقه ایجاد کنند بوسیله کارگران مبارز و آگاهی که برای گرفتن حقوق خود مصمم اند رسواخواهند شد. کارگران مبارز ماهیت این عناصر را برای بقیه کارگران افشا میکنند و آنها را با تبیه وکتک از صفوی خود طرد مینمایند و وحدت خود را برای رسیدن به حقوقشان حفظ خواهند کرد. (کاری که کارگران مبارز ایران و نیز سیتروئن کردند)

د وصین درس - اعتضاب مؤثرترین حریه برای به زانو در آوردن کارفرما است. معکن است عدد های بگویند: "درست است که کارگران از مذاکره با کارفرما بجایی نرسیدند ولی حب، من بینیم که اعتضاب هم نتیجه‌ای نداده است. بنابراین چه فرقی است بین مذاکره و اعتضاب؟"

در جواب این عده باید بگوئیم مگر در جریان همین اعتضاب کارفرما مجبور نشد بادادن چهارماه سود و بیزه موافقت کند؟ آیا در جریان مذاکره، کارفرما حاضر بود چنین امتیازی بکارگران بد هد؟ (*) اگر درست است که کارفرما حاضر نبود از

(*) - برای اینکه اهمیت امتیازی که کارگران بدست آورده بودند، بیشتر وشن شود کافیست از یکطرف توجه کیم به اینکه



اعتراض سپتروئن طریق مذکوره مقدار سود و بیزه کارگران را نسبت به سال قبل دو برابر کند پس باید نتیجه بگیریم که علت شکست کارگران بیهوده بودن اعتراض نیست بلکه علل دیگری دارد که اگر آن علل را شناخته و رفع کیم آنگاه پیروزی اعتراض و پزانود را مدن کارفرما حتمی است.

سومین درس - نقش ضد کارگری دولت شاه: در این اعتراض نقش رژیم ضد خلقی شاه خائن در سرکوب کارگران بخوبی قابل مشاهده است. کارگران برای رسیدن به خواستهای خود به وزارت کارشناسی می‌کنند، نتیجه‌های نمی‌گیرند. بنابراین خود شان برای گرفتن اندکی از حقوق خود دست بکار شده و اعتراض می‌کنند.

کارگران همین کارخانه در سال ۵۳ و پس از آینکه پکاره دیگر دست باعتراض زدند بالاخره توانستند تنها به سه ماه و نیم سود و بیزه دست پیدا کنند و از طرف دیگر توجه کیم به این واقعیت که هنوز کمتر کارخانه‌ای است (حد اکثر چند کارخانه) که کارگران آن ۴ماه سود و بیزه می‌گیرند.

در ضمن موقعيت کارگران در گرفتن سود و بیزه بیشتر، مسلماً ناشی از مبارزه خود آنان است. اینکه کارگران این کارخانه، امسال، هماهونیم سود و بیزه دریافت کردند و اینکه در بعضی از کارخانه‌های دیگر نیز سود و بیزه از ۲ ماه تجاوز کرده است مستقیماً ناشی از مبارزه کارگران این کارخانه‌هاست. ناشی از مبارزه کارگران همین کارخانه و حتی ناشی از همین اعتراض شکست خورد، آنان است.

وزارت کارکر قبله کاری برای کارگران صورت نداشت، بود، در جهت شکست دادن اعتصاب و جلوگیری از به شمرسیدن آن دست بکار میشود. ژاندارمی نیز کارخانه را محاصره میکند تا اکروزارت کارد رتوطه های خود موفق نشد ژاندارمهای کارگران را سرکوب کنند. وزیر کار برای تأمین منافع کارفرما (که در اینجا مستقیماً "و عمدتاً" یک سرمایه دار خارجی است) شخصاً آستین بالا میزند، کارگران را اخلالگر و خائن و فد وطن مینامد.

نمایندگان کارگران را بی عرضه و ... خطاب میکنند و وادارشان میکنند که استغاید هند (چرا؟ چون نتوانسته بودند جلوی اعتصاب حق طلبانه کارگران را بگیرند!) بالاخره با تهدید بیکاری کارگران را وادار میکنند که به سرکارشان بزرگردند. "معینی مزدور" میگوید: "چون کارفرماد رجربیان اعتصاب ضرر کرده و خسارت دیده است! با تابراین بیش از یکماه سود و بیزه به کارگران داده نمیشود. و در آخر سواک هم وارد میدان میشود و کارگران را برای باز جوئی، تهدید و شکجه احضار میکند." می بینیم که چحضور عمه "اجزا" رژیم از وزارت و وزیر کار تا ژاندارمی و ساوان برای حفظ منافع کارفرما بسیه شدند و به توطئه چنینی برای سرکوب کارگران پرداختند. بهتر است یکی از توطئه ها را بیشتر توضیع بد هیم:

وزیر کار! میگوید: "آیا شما میدانید که چه موقع دست باین کار غیرقانونی (اعتصاب) زده اید؟ موقعیکه ایران از جانب عراق مورد تجاوز قرار گرفته. شما با آنان چه فرقی دارید؟ آن د مرزهای ما اخلاق لکری میکنند و شما در داخل ... وزیر کار! با وقارت کامل یک مزک ور خود فروخته و یک دشمن قسم خورد."

طبقه کارکر، اعتراض حق طلبانه کارکران را به بیکانه نسبت میدهد. آنان را تحریک بیکانه وانمود میکند. کارکران حق طلب را خائن، اخلالگر و مزد و ریگانه می‌نامد. چرا؟ برای اینکه دست رژیم ضد خلقی را برای سرکوب کارکران بازگشته است اگر این اعتصاب اوچ بیشتری گرفت و چکمه‌بستان دولت شاه جنایتکار مانتد اعتصاب حق طلبانه کارکران جهان چیز ویسا بعد ها اعتصاب کارکران کارخانجات ساحی شاهی آن را بخاک و خون کشیدند و هم‌اکارگر حق طلب را بارگار مسلسل بهای آمریکائی - اسرائیلی کشیدند؛ بگویند: "آنها اخلالگر بودند، با عراقیها ارتباط داشتند، خرابکار بودند! با...". ولی آیا رژیم موفق می‌شود با این توطئه‌ها جنایات خود را پرده پوشی کند؟ مسلمانانه! کوش کارکران، دعوهایان و عمه، زحمتکشان خلق ما از این یا ووهای وقیحانه پر است. خلق ما بارها و بارها از طریق دستگاه‌های دروغپراکنی رژیم (رادیو، تلویزیون و...) دیده و شنیده است که بهترین فرزندان مبارز خلق و انقلابیون را ستین را به بهانه فریاد حق طلبانه شان و بجسم دفاعشان از منافع خلق بانام "خرابکار" و "تروریست" و... اعدام کردند. خلق ما بارها مشاهده کرده است که چگونه اعتصابات کارکران و تظاهرات داشتند و بیان را با همین تهمت‌ها بخاک و خون کشیدند. پس از این‌هم هر اقدام حق طلبانه خلق ما با همین تهمت‌ها سرکوب خواهد شد ولی چد باک! خلق ماراه خود را برای گرفتن حقوق خود پیدا کرده است و آنرا تا به آخر خواهد پیمود.

خلاصه کیم:

دولت سرمایه‌داری رژیم شاه مزد و ریگه دستگاه حماست و

حفظ از غارت و حنایت امپریالیستهای آمریکاشی و سرمایه داران وابسته به آنها، یعنی دستگاه حمایت از استعمار و حشیانه کارگران توسط سرمایه‌داران خونخوار داخلی · دولت شاه، یعنی دستگاه سرکوب کارگران و همه زحمتکشان خلق ما ·

درس چهارم — نمایندگان کارگران و نقش آنها :

نماینده کارگران، همانطورکه از اسمش برمی‌آید، فردی است که از طرف کارگران انتخاب می‌شود تا به نمایندگی از طرف همه کارگران از حقوق صنفی آنان در رابطه با کارفرماد فاعل کند · اگر کارگری بوسیله کارفرما اخراج می‌شود، نماینده با اتفاقاً بدپشتیبانی کارگران باید از این امر جلوگیری کند · نماینده کارگران باید بهداشتی ترکردن محیط کار را یعنوانیکی از حقوق صنفی مورد تقاضای همه کارگران بر کارفرما تحمیل کند · اگر خسارت جانی یا مالی متوجه کارگری شد، او باید جبران کامل آن خسارت را از کارفرما و دولت پیگیری کند و ... بنابراین تنها وظیفه نماینده دفاع از حقوق کارگران است · هر قدر را این وظیفه خود را بهتر انجام دهد کارگران نیزیشترازا و حمایت خواهند کرد · طبیعت است که نماینده برای بهترانجام دادن وظائفش باید از هر وسیله و شیوه‌ای که بگیرد · در این میان مشترکین شیوه‌ای که می‌تواند کارفرمابه زانود را اورد اعتصاب است و بنابراین نماینده واقعی کارگران هیچگاه از بکار بردن این حربه برای شکست دادن کارفرمان باید ترسی به خود را دهد · او باید از این مشترکین شیوه‌درباره‌هی صنفی برای گرفتن حقوق کارگران استفاده کند · او باید خود نیز در موقع ضروری دستور اعتصاب بدهد و کارگران را با آگاهی و تجربه‌ای که دارد برای گرفتن

حقوقشان هدایت کند و مبارزه شان را با انتکاء برپشتیبانی ای که از او می‌کنند تا پیروزی کامل به پیش برد . اینها وظائف یک نماینده فد اکارو واقعی کارگران است .

ولی بینیم کارفرما و دولت ضد کارگرچه انتظاری از نماینده دارند ؟ باز هم "معینی مزد ور" میگوید : "نماینده (یعنی نماینده گان کارگران) پس چکاره هستید ؟ نماینده که نتوانید ۰۰۰۰ انفر کارگر را آرام نگهدارید بد رد نماینده گی نمیخورید . پس بهتر است استعفای بد هید . " آری ، اینست انتظار وزیر کار از نماینده کارگران از نظر "معینی" این مزد ور خود فروخته واریابان دیگر شاه و طبقه حاکمه نماینده کارگران کسی است که بنفع کارفرما و رژیم سرمایه داری شاه خائن عمل کند ، نه بنفع کارگران . از نظر این دشمنان قسم خوردگی طبقه کارگر ، نماینده کارگران کسی است که به جای ایستادن جلوی کارفرما ، جلوی خواسته های به حق کارگران بایستد و آنان را از گرفتن حتی اندکی از حقوقشان منصرف کند . از نظر دولت ضد کارگری شاه جنایت کار نماینده کارگران کسی است که جلوی اعتراضات و اعتراضات حق طلبانه کارگران را بگیرد . پاچنین انتظاراتی از نماینده کارگران ، کارفرما و وزارت کار و دولت همیشه سعی میکنند از انتخاب نماینده گان واقعی کارگران جلوگیری کنند . آنها نماینده واقعی کارگران را "بی صلاحیت" قلمداد کرده و افراد خود فروخته را به جای نماینده کارگران جامیزند . آنها حتی گاه وفاحت را به آنجامیرسانند که ساواکیها و عناصر غیر کارگر این نماینده به کارگران تحمیل میکنند . ولی با همه این توطئه ها وقتی نماینده گانی که قبل از مورد تأیید وزارت کار هم بودند ، موفق نمیشوند جلوی

اعتصاب کارگران را بگیرند، آنها را مجبور به استعفای می‌کنند. مثلاً در همین کارخانه نمایندگی کارگران را چند ساواکی و چند نفر از کارگران رفربماست بعهده داشتند ولی وقتی آنها با همهٔ کوششی که برای جلوگیری از اعتصاب کردند نتوانستند جلوی کارگران را برای گرفتن اندکی از حقوق شان بگیرند و اعتصاب برآه افتاد؛ وزیر کار مزد و رآنها را بی عرضه خطاب کرد و وادارشان نمود که استعفای بد هند.

اکنون این سوال مطرح می‌شود: با توجه باینکه رژیم نمایندهٔ کارگران را فقط در خدمت منافع خود می‌خواهد آیا کارگران باید از انتخاب نمایندهٔ منصرف شوند؟ بنظرمان این است که آنها باید برای رسیدن به آن مبارزه کنند. کارگران باید از انتخاب ساواکیها و کسانیکه خود را به کار فرمایند بعنوان نمایندهٔ کارگران جلوگیری کنند و نمایندهٔ واقعی خود را که قادر باشد از حقوق آنها دفاع کند به کار فرمایند و رژیم تعییل نمایندهٔ ولی آیا همهٔ کارگران مبارز باید برای نمایندهٔ شدن کوشش کنند و نمایندهٔ بشوند؟ بنظر ما باز هم نه. چونکه نمایندهٔ کارگران شدن و دفاع علی از حقوق کارگران مساوی است با شناخته شدن بوسیلهٔ کار فرمایند و رژیم داین برخلاف نتیجه‌ای است که مساوا از بررسی

(*) - این حق آنقدر طبیعی است که رژیم هم مجبور شده است آنرا به رسمیت بشناسد اگرچه در عمل سعی می‌کند آنرا اجرا نکند.

اعتراض ایران‌گرفته بودیم . (*) بنابراین چه کسانی باید برای نمایندگان فعالیت کنند ؟

همیشه و در هر کارخانه عده‌ای هستند که در عین حال که افراد مبارزی هستند، در عین حال که برای گرفتن حقوق خود شان و همه کارگران مبارزه می‌کنند و حاضر نیستند بهیچ قیمتی با کارفرما سازش کرده و خود را بفروشنده در عین حال نمیتوانند بطور مخفی مبارزه کند . این عده قادر نیستند هم مبارزات کارگران را رهبری کنند و هم اعمال خود را از چشم کارفرما به جاسوسان کارفرما و حفاظت کارخانه پنهان دارند . فقط چنین کارگران مبارزی باید برای نماینده شدن فعالیت کنند و نه هر کارگر مبارزی ، کارگر مبارزی که میتواند بطور مخفی با کارفرما و دولت مبارزه کرده و مبارزه‌ی کارگران را هدایت کند ، هیچگاه باید خود را به کارفرما و رژیسٹر بشناساند .

آیا این نتیجه کیری بد ان معناست که رهبران مخفی اعتراض نباید در مبارزات علنی کارگران شرکت کنند ؟ این نظریه است . چنین رفاقتی فقط باید وظیفه‌ی رهبری و هدایت اعتراض را بطور مخفی بعهد داشته باشد و گرنه آنها نیز باید در هر اعتراض و در هر مبارزه‌ی علنی کارگران مانند هر کارگر مبارز و پیشواد یکسر شرکت کنند . زیرا اصولاً فقط با شرکت در اینگونه اعتراضات

(*) — در بررسی اعتراضات ایران نتیجه گرفته بودیم که رهبری و هدایت اعتراضات و مبارزات کارگران باید به صورت مخفی و غیرعلنی باشد تا از شناخته شدن و ضربه خوردن بوسیله کارفرما و رژیسٹر درامان باشد .

و مبارزات است که میتوانند شرائط مبارزه اجدرسن ارزیابی کرده و نتیجتاً "کارگران راصحیحاً" هدایت کنند . منتهی رهبری و هدایت مبارزه‌ی کارگران، حل مسائلی از قبیل بهترین شرایط برای شروع اعتصاب، طرح بهترین شعارها و تاکتیکها، حفظ وحدت کارگران، سازماندهی مبارزه و اعتصاب و . . . وظائفی هستند که باید بطور مخفی انجام شوند و کارفرما و رزیم بهیچوجه نباید کارگران آگاه و پیش روی را که انجام این وظائف و رهبری مبارزه را بعده دارد، بشناسند .

خلاصه کنیم :

الف - انتخاب نماینده از حقوق مسلم کارگران است که رزیم ضد کارگری هم مجبور شده است آنرا به رسمیت بشناسد .
 ب - رزیم سعی میکند علیرغم به رسمیت شناختن این حق کارگران، با جازدن ساواکهای خایصالهای جای نمایند گران واقعی کارگران، "نماینده‌گی" را بوسیله‌ای بر ضد کارگران تبدیل کند .

ج - کارگران باید برای انتخاب نماینده واقعی خود مبارزه کنند و توطئه‌های کارفرما و رزیم را که میخواهند مزد و ران خود را به جای نماینده کارگران جا بزنند، بی اثر سازند .
 د - همه کارگران مبارز نباید بانماینده شدن خود را به کارفرما و رزیم بشناسند . کارگرانی که میتوانند بطور مخفی مبارزه کارگران را هدایت کنند، هیچگاه نباید با کارهای از قبیل نماینده شدن خود را به کارفرما و رزیم بشناسند . فقط کارگران مبارزی که قادر نیستند بطور مخفی فعالیت کنند باید در مبارزات کارگران بطور علنی شرکت کرده و رهبری علنی مبارزه

راد رد است بگیرند .

درین نجم - علت شکست اعتصاب : برای هیچ جوئی مهترین علتهای شکست اعتصاب وجود اطلاعات کافی، دقیق و همچنانه از جانبها ای از چگونگی شروع اعتصاب و ریز حواودش که در طی آن رخ را ده ضروری است تا بتوان علتهای شکست اعتصاب را دقیقاً مشخص کرد و لی همین اطلاعات ناکافی هستند اصلیترین دلیل شکست اعتصاب را روشن کند .

برای اینکار جریان اعتصاب را بطور خلاصه مورد توجه قرار

میدهیم :

پس از انجام مذاکرات بی حاصل با کارفرما و وزارت کار برای افزایش سود ویژه و بیرون کردن رئیس کارگرینس، کارگران دست به اعتصاب میزنند . در جریان اعتصاب مخالفین که میخواهند در صفوں کارگران تفرقه بینند از ند بوسیله کارگران اعتصابی کنک میخورند . تا اینجا اعتصاب خوب پیش رفته است و بهمین دلیل کارفرما اجباراً با پرداخت ؟ مامسود ویژه موافقت میکند . کارگران این مقدار سود ویژه را نیز پذیرند . کارفرما در زیم که حاضر به دادن امتیازی بیشتر از این نیستند پس از رد این پیشنهاد بوسیله کارگران با تهدید بیرون کردن کارگران اعتصاب را با شکست مواجه میسازند .

اکنون باید پرسید اصلی ترین علت شکست اعتصاب چه بود ؟

آیا شکست اعتصاب بد لیل کم تجریبی مبارزاتی کارگران بود ؟

بد لیل این بود که آنها برای اولین بار دست به اعتصاب زده بودند ؟ نه . زیرا کارگران علی رغم بی تجربی مبارزاتی و با اتحاد و همبستگی خود مبارزه را تا آنجا پیش برند که کارفرما را مجبور

کردند مقدار سود و بیزه را دو برابر کردند.

آیا اعتراض با این دلیل شکست خورد که کارفرما برای از بین بردن نطفه‌ای که بوجود آمده بود حاضر نشد خواسته‌ای آنها را برا آورده کند؟ و یا بد لیل حمایت شدید دلت از کارفرما بود؟ باز هم نه. چون کارفرما علیرغم همه مقاومتش و علیرغم حمایت شدید دلت از او، مجبور شد با پرداخت چهار ماه سود و بیزه به کارگران موافقت کند.

پس علت شکست اعتراض چه بود؟ بنظر ما ضعف رهبری اعتراض و مبارزه کارگران اصلی‌ترین دلیل شکست این اعتراض بود. این ضعف رهبری درست در آنجائی مشخص شد که کارگران پیشنهاد ۴ ماه سود و بیزه را رد کردند.

بررسی شرایط کارگران از یک طرف و کارفرما از طرف دیگر بخوبی نشان میدهد که رد این پیشنهاد درست نقطه آغاز شکست اعتراض بوده است.

۱ - این اولین اعتراض در این کارخانه بود و این امر از جنبه‌های زیر برموضعیگری کارگران، کارفرما و دولت تأثیرگذشت.

الف - خود آگاهی طبقاتی کارگران: اولین و مهم‌ترین تأثیر، این بود که کارگران این کارخانه تا آن‌زمان در هیچ مبارزه و اعتراض همگانی و جمعی شرکت نکرده و قدرت طبقاتی خود را عمل آزمایش نکرده بودند. آنها نسبت به قدرت همبستگی و اتحاد خود، آگاهی و ایمان (*) نداشتند و نمیدانستند که

(*) - البته این آگاهی و ایمان به قدرت طبقاتی و بعبارت ←

کارفرما چقدر در مقابل قدرت جمعی آنهاز بون و بیچاره است .
جنبهء دیگر این مسئلهء آشنا نبودن کارگران به شیوههای
مبارزه بود . آنها بد لیل کم تجربگیء باعکس العمل کارفرما و
دولت آشنا نبودند . آنها نمیدانستند که فلان یا بهمان تهدید
کارفرما یاد ولت چقدر قابل اجراء است و آنها چگار میتوانند بگشند
تا این تهدید هارابی اثرسازند . نکاهی به اعتراض بعدی
کارگران این کارخانه (دراسفت . ۵۳) بخوبی این مسائل را
روشن میکنند . در این اعتراض کارگران در مقابل اقدامات کار -
فرما عکس العمل های درست نشان میدهند و مثلاً ما مشاهده
میکیشم که وقتی کارفرما برای اینکه از آمدن کارگران به کارخانه
جلوگیری کند ، سرویس را تعطیل میکند ؟ کارگران با جمیع
کردند پول از بین خود شان ، ماشینی کرایه کردند و به کارخانه
میآینند و ...

ب - رابطهء بین رهبری و کارگران : رهبری مبارزه و
اعتراض در جریان مبارزه کارگران بوجود میآید . تجربه
پیدا میکند و صلاحیت رهبری را بدست میآورد و در عین حال در
همین جریان نیز موفق میشود اعتماد کارگران را جلب کند .
یعنی کارگران وقتی مشاهده کنند رهبری ، منافع آنها را در نظر
میگیرد و تصمیماتش بنفع کارگران است و ... به آن اعتماد
میکنند . صلاحیت آنها رهبری و اعتماد متقابل بین رهبری
و کارگران از جمله مسائلی بود که تحت تأثیر کمبود تجربه

دیگر " شعور طبقاتی " نسبی است و به تناسب مبارزه طبقه
کارگر را گرفتن حقوقش افزایش میباشد .

اعتصاب و مبارزه در این کارخانه قرار نمیگرفت. (*)

ج - مقاومت بیشتر کارفرما و دولت؛ از طرف دیگر کارفرما و دولت نیز برای این اعتصاب بعنوان "اولین اعتصاب کارخانه" سیتروشن "حساب خاصی باز نمیکردند. آنها حساب نمیکردند اگر بطور کامل در مقابل کارگران عقب نشینی کنند و به همه خواستهای آنان تن دهند، بقول خود شان "کارگران پررو خواهند شد. " و از آن به بعد دیگر نمیتوانند جلوی کارگران بایستند و آنها را کنترل کنند. کارفرما و رزیم حساب نمیکردند که پیروزی کامل کارگران در این اعتصاب باعث خواهد شد که کارگران از آن پس برای رسیدن به هر تقاضای خود اعتصاب کرده و تولید را متوقف کنند. (**)

۲ - بالا بودن سطح درخواستهای کارگران؛ دو برابر و نیم شدن سود و بیزه بکاره و آنهم در یک اعتصاب (اولین اعتصاب) چیزی بود که تا آن موقع سابقه نداشت. بطور یکه تن

(*) - ما این مسئله را در شماره "آینده و دررسی اعتصاب کارگران کارخانه" قرقه زبا مفصلاً توضیح خواهیم داد.

(**) - اگرچه این پیش‌بینی کارفرما و رزیم درست است ولی از آن نتیجه عکس نمیتوان گرفت. یعنی اگرچه پیروزی اعتصاب باعث تقاضاهای بیشتر و جگیری مبارزه کارگران برآسا ساخته شود ولی شکست اعتصاب بعنای دیابیان گرفتن مبارزه کارگران برای رسیدن به حقوقشان نیست. همانطور که در این کارخانه هم باشکست این اعتصاب، مبارزه کارگران متوقف نشده و پس از آن چندین اعتصاب پیروز در آن برآه افتاد.

دادن به آن برای کارفرما و رزیم بسیار مشکل بود که در عین حال این اشکال هم از جهت تاثیر چنین پیروزی بر جریان مبارزه، کارگران بود وهم از جهت منافع زیادی که کارفرما از دست میدارد، اکنون میتواند این مسائل متفاوتان را که از عمل کارفرما و ساده اضافه کیم معلم میتواند که پیروزی کامل کارگران در این اعتراض چه تأثیرات مهندسی بتفع کارگران و به ضرر کارفرما و دولت - بر جو مبارزاتی کارخانه میگذارد.

آیا در چنین شرایطی از بسیاری تجربگی نسبی مبارزاتی کارگران و مقاومت بیش از حد کارفرما و رزیم رد پیشنهاد ۲ ماه سود و یزده کارغلطی بود؟ آری. رد این پیشنهاد کارغلطی بود که به شکست کامل اعتراض منجر شد. ولی چرا؟

واضح ترین دلیل غلط بودن رد این پیشنهاد این است که دیدیم کارفرما و رزیم بهمان دلائلی که گفته‌یم باصطلاح بسیار خوب شدن کارگران و کم شدن منافع کارفرما و ... حاضر نشدند - پیشتر از آن امتیازی بد کارگران بد هند و بعلاوه سختگیری پیشتری کردند و حتی همین امتیازها را نیز پس گرفتند و چون رهبران اعتراض نتوانستند ارزیابی در میان از نیروهای خود و جبهه، مقابل یعنی کارفرما و دولت، بگشند و به موقع عکس العمل گذاشتند و درستی در مقابل اقدامات آنها نشان دهند اعتراض شکست خورد.

دلیل دیگر غلط بودن رد این پیشنهاد، در نظر نگرفتن شرایط کارگران در آن زمان بود. پیروزی اعتراض در همان حدو افزایش سود و یزده بدهد، ماه دیگر آن شرایط تأثیرات بسیار مشتبه بر کارگران داشت (*). چراکه این پیروزی قابل توجه نداشت و برابر

(*) یا در قسمی در صفحه بعد.

شدن سود و پژوهه ا روحیه، مبارزاتی کارگران را شدیداً "تقویت" میکرد. به آنها نشان میداد که شدت عمل د رمورد خایه مالها و جاسوسان کارفرمایه نتایج مشبی در جهت پیروزی اعتضاب دارد. مستقیماً بعنوان یک تحریبه با آنها نشان میداد که اعتضاب شهرهای زانود را وردن کارفرمای است. پیروزی و نتایج علی اعتضاب، کارگران مرد در راه سمت کارگران اعتضابی جلب میکرد و جیبه، رفومیستها و طرفداران مذاکره با کارفرمای و طرفداران کارفرمای ضعیف مینمود و مهتر از همه آنها را نسبت به قدرت جمعیتیان میگرد و هم‌ستگیشان را تقویت مینمود و ...

در جنین صورتی، با بهره گیری از نتایج مشبی این پیروزیه مبارزه، کارگران برای رسیدن به حقیه خواستهایشان در شرائط بهتری میتوانست ادامه پیدا کند. (***)

متغایراً شکست کامل این اعتضاب (همانطور که دیدیم) نتایج منفی بسیاری بدنبال داشت. کارگران را از مبارزه برای گرفتن حقوقشان مأیوس و سرخورده کرد. ناباوری آنها را

پاورقی از صفحه قبل.

(**) - این همان جیزی بود که کارفرم او رزیم باد و راندیشی از آن میترسیدند.

(***) اعتضاب کارگران کارخانه قرقه زیبا از این نظر قابل توجه است. کارگران این کارخانه با برآهانداختن چند اعتضاب در طی یکماه توانستند بدرج همای خواستهایشان دست یابند. ما این اعتضاب را در شماره آینده "قیام کارگر" بررسی خواهیم کرد.

اعتراض سیتروئن

نسبت به قدرت جمعیشان زیاد کرد و بر عکس قدرت کارفرما را
بیش از آنچه که بود به آنها بخواهند . بخصوص که رژیم و کارفرما
از این فرصت حد اکثر استفاده را کردند و با اعلام اینکه بیش
از یکماه سود و بیزه به آنها نخواهند پرداخت، یا اینها را از
مبارزه برای گرفتن حقوقشان دامن زدند و بدین شان را نسبت
به نتایج اعتراض بیشتر کردند .

اکنون میتوان پرسید : "رهبری اعتراض" چه کار باید
میکرد ؟ او باید مثل رهبری هر اعتراض دیگری به سوالات زیر
پاسخ میداد :

عکس العمل کارکران در مقابل کسانیکه با اعتراض مخالفت
میکنند چه باید باشد ؟

کارکران با خایه مالهای و جاسوسان رژیم چه رفتاری باید
داشتند باشد ؟

کارکران چه شعارهایی باید در طول اعتراض بدهند ؟
اگر زاندارمهای کارکران حمله کردند آنها چه عکس العملی
باید نشان بدهند ؟

اگر چند تن از رفقاء مبارز آنهاست شنیدند آنها چگونه
باید از رفقاء اسیر خود حمایت کنند ؟

اگر کارفرما پیشنهاد امنیت مطرح کرد و خواست امتیازاتی کمتر
از آنچه مورد تقاضای کارکران است، بد آنها باید هد کارکران چکار
باید بکنند ؟

اگر کارفرما تهدید کرد که عددی با همه کارکران را اخراج
میکند آنها چه باید بکنند ؟ و ...

اینها و سوالاتی از این قبیل راهبری اعتراض میباشد

از قبل و یاد رجیان اعتصاب پاسخ دهد . پاسخ به این سوالات باید با توجه به شرائط کارگران ، کارفرما و دولت را داشت . یعنی باید در نظر گرفته شود که کارگران تا جد حد آمادگی برای ادامه اعتصاب دارند ، تجربه و هبستگیشان چقدر است و یا کارفرما تا چه حد حاضراست به کارگران امتیاز بدارد و درین تا چه حد از کارفرما حمایت میکند و ... در ضمن پاسخ به این سوالات و نیز لائل کارهائی که میکنند باید برای همه کارگران روشی باشد . یعنی اگر گفته میشود که باید خاید ماله را کنک بزنیم ، کارگران باید بدانند چرا ؟ یا اگر گفته میشود ، کارگرانی که حاضر نیستند با اعتضایون همکاری کنند باید کتن بخورند ، کارگران باید بدانند چرا ؟ اگر گفته میشود تقاضای ما اخراج رئیس کارگری است ، کارگران باید بدانند این تقاضا بد لیل رشه خواری رئیس کارگری را ساواکی بودن او و اذیت کارگران بویله است . همین‌طور یهود مسائل اعتصاب باید برای کارگران روشی باشد . *

(*) - وقتی من گوییم این مسائل باید برای کارگران توضیح داده شود منظور این نیست که رهبری اعتصاب باید بطور علنی این کار را بکند و مثلاً "جلسه عمومی" تشکیل بدهد و برای کارگران تطرق کند . این کارها باید بطور مخفی صورت گیرد (مثل "uman زجواههای درگوشی ، صحبت های حساب شده با عنصر مطمئن و همراه اند اختن یک موج توضیحی و تبلیغی) . برای اینکار حدتی از راههای دیگری مثل نوشتن شعار بر روی دیوار ، چسبانیدن اعلامیه به دیوار ، یا پخت اعلامیه ... بطور مخفی نیز میتوان استفاده کرد . این کارهای اراده رفعی کارگرانی که بطور علنی ←

با توجه به اوضاع و شرائط کارخانه در آن زمان، در صورتیکه اعتراض از رهبری درستی برخورد نمود، مسلمانه میتوانست باشد است آوردن پیروزی قابل توجهی پایان بگیرد. اگر رهبری اعتراض قادر به تشخیص شرائط بود، اگرین تجربه کارگران را مورد توجه قرار میدارد و اگر مقاومت کارفرما و حمایت شدید رذیم را از اود رناظر میگرفت به پیروزی در همان حد فناعت میکرد.

این پیروزی اگرچه همه آن چیزی نبود که کارگران خواستارش بودند ولی رهبری اعتراض میتوانست با بهره برداری از همین پیروزی با استفاده از روحیه بهتر کارگران واگاهی بیشتر آنها برقدرت جمعی و حقوق واقعیشان، مبارزه را برای رسیدن به همه تقاضاهای کارگران ادامه دهد.

متاسفانه رهبری اعتراض - با اینکه توانست برخی از وظائف خود را انجام دهد - در حساسترین موقعیت توانست اوضاع نیروهای خود (کارگران) و نیروهای دشمن (کارفرما و دولت) را به درستی ارزیابی کرده و تصمیم درست اتخاذ کند. یعنی رهبری با اینکه توانست برخی از مسائل، نظیر کلزند غاصر مزد و روحاسوس، بکار بردن خشونت برای جلب کارگران مرد و مرد را حل کند ولی نتوانست پیشنهاد کارفرما را در مورد دادن ۴ ماه سود و بیزه مورد ارزیابی صحیح قرار دهد و

→ مبارزه میکنند میتوانند صورت دهند (و مثلاً "بسیله" نمایندگان واقعی کارگران که قبله "توضیح دادیسم" البتاً به باهدایی است رهبری مخفی مبارزه و اعتراض.

شکست اعتصاب نیز از همین عدم ارزیابی یا ارزیابی نادرست آغاز شد و بدینترتیب اعتصاب که در یک مرحله خوب پیش رفته و کارفرما را مجبور به عقب نشینی کرده بود، بد لیل "ضعف رهبری" باشکست رو برو شد.

آیا اینکه میگوئیم کارگران میباشد با چهار ماه سود و یزه موافقت میکردند بمعنای اینست که تقاضای ۵ ماه سود و یزه بطور کلی یک تقاضای افراطی بوده است؟ نه! سرمایه‌داران داخلی و خارجی با حمایت رژیم شاه جناحت کارآنجان از کارگران و زحمتکشان خلقمان بهره کشی میکنند و آنجان حقوق خلق مارامور تجاوز قرار نمیدهد که هیچ محمد و دیش برای مبارزه.

خلقمان قابل قبول نیست. اینکه میگوئیم کارگران باید ۴ ماه سود و یزه را می‌بینند و میتوانند بمعنای این نیست که آنها میباشد مبارزه‌شان را در همان حد متوقف کنند؛ بلکه بذیرفتن ۴ ماه سود و یزه فقط بعنوان یک پیروزی مرحله‌ای و بعنوان یک قدم برای ادامه پلا فاصله مبارزه و رسیدن به بقیه خواسته‌ای کارگران میتوانست قابل قبول باشد.

آیا کارگران باید تقاضاهای خود را محدود به آمادگی کارفرما برای دادن امتیاز بگذند؟ و آیا کارگران باید هر پیشنهاد کارفرما را بذیرند؟ باز هم نه. محدودیت تقاضاهای کارگران را فقط مجموعه "شرط کارخانه، شرائط مبارزاتی کارگران و مقدار آمادگیهای ذهنی و... تعیین میکنند و نه فقط خواست و تمايل کارفرما. مسلماً کارفرماد لش میخواهد هر چه کمتر حقوق کارگران را به آنها بدهد و این کارگران هستند که باید هر چه بیشتر حقوقشان را بذور از حلقوم کارفرما بپرون بگشند.

همینطور قبول بعضی از پیشنهادهای کارفرما هم فقط با توجه به شرایط مبارزه و اعتصاب و فقط بعنوان تاکتیکی برای ادامه مبارزه میتواند پذیرفته باشد نه اینکه هر پیشنهاد جزئی کارفرما را پذیریم و دست از مبارزه بکشیم.

* * *

کارگران این کارخانه در اسفند ۱۳۵۰ نیز برای دریافت ۵ ماه سود و پیژه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب، از یکسو به روشی حرکت رو به جلوی مبارزه صنفی - اقتصادی کارگران (در اینجا مبارزه کارگران این کارخانه) را نشان میدهد و از سوی دیگر صحت تحلیل‌های مارا از این حرکت (واز اعتصاب اسفند ۱۳۵۰ کارکران همین کارخانه) اثبات میکند. از این جهت ما گزارش مختصر این اعتصاب را بدین هیچگونه تحلیلی در اینجا میآوریم.

گزارش مختصری از:

اعتصاب کارگران کارخانه سیتروئن

در اسفندماه ۱۳۵۰

کارگران این کارخانه در سال ۱۳۵۰ نیز برای افزایش سود و پیژه به ۵ ماه پاکارفرما وارد مذاکره شدند ولی چون کارفرما حاضر نشد به تقاضاهایشان پاسخ مثبت بدند؛ کارگران در هفته آخر اسفند ۱۳۵۰ دست به اعتصاب زدند. همه کارکران کارخانه (مجموعاً ۰۰۵۰ انفر) در این اعتصاب شرکت داشتند. در جریان اعتصاب نماینده‌گان کارکران بارگفتند به وزارت کار، تلفن زدن به مجلس، مذاکره با نماینده‌ی کارفرما و... به فعالیت‌های خود ادامه میداشتند.

در روز سیم اعتساب، کارفرماس اکارخانه را تعطیل کرده و کارگران را به داخل کارخانه راه نمیدهد و حتی برای جلوگیری از تجمع کارگران سرویس های اینز تعطیل میکند. ولی کارگران با وسائل مختلف و با جمع کردن پول و کرایه ماشین، خود را به کارخانه رسانده و پشت در آن جمیع میشنوند. در همین روز زاندارمهای اینز به کارخانه آمدند و آنرا حاضره میکنند تا از هر گونه عکس العمل خشن کارگران جلوگیری کرده و آنرا سرکوب کنند.

در این میان وزارت کار باین بهانه که اقدام کارگران غیرقانونی است با اضافه شدن سود ویژه مخالفت کرده واعلام میکنده با پرداخت بیش از سه ماه سود ویژه به کارگران موافقت نخواهد کرد. کارگران تصمیم میگیرند پیاده از کارخانه به وزارت کار رفته و تقاضاهای خود را مستقیماً طرح کنند. بالاخره وزارت کار بعلت فشار کارگران، مجبور میشود با پرداخت سه ماه و نیم سود ویژه با اضافه عیادی ۱۰۰ کیلو بزرگ، روغن و ۱۰۰۰۰۰۰ موافقت کند بشرطی که ۱۵ وزان بطور غیررسمی و از طرف کارفرماس پرداخت شود. کارگران در روز ۲۷ اسفند این پیشنهاد را پذیرفتند و به اعتصابشان پایان میدهند. ولی کارفرماس از پایان اعتساب از دادن عیادی که بالصیغه بر هفتاد هزار تومان میشد خودداری میکند.

کارگران این کارخانه در سال ۱۹۵۲ مجموعاً
۱۴ روز دست از کارکشیدند و به قول خود شان چهارده میلیون
و پانصد و شصت هزار تومان (۱۴/۵۶۰۰۰) بـ
کار فرما ضرر زدند (*)

گستردۀ ترباد اعتراضات حق طلبانه‌ی کارگران
ناپود بساد دلت سرمایه داری شاه بنایتکار



(*) - قیمت هر اتومبیل ۱۶۰۰ تومان ، تولید کارخانه در هر
روز ۱۵ اتومبیل ، بنابراین :

$$\text{تومان} \quad ۱۴/۵۶۰۰۰ = ۱۶۰۰ \times ۱۵$$

بومجهدهای سرمایه‌داران

سود و پژوه

۹

مهیت واقعی آن

در بررسی تحلیلی "اعتراض کارگران کارخانه سیتروئن" همه جا از سود و پژوه بعنوان جزئی از دستمزد کارگران و بعنوان یکی از حقوق مسلم آنان نام بردهم و مبارزه‌ی کارگران را برای گرفتن این قسمت از دستمزد شان مبارزه‌ای عادلانه توصیف نمودیم.

در حالیکه دولت شاه خائن چهین تبلیغ می‌کند که گویا "سود و پژوه امتیازی است که سرمایه‌داران به کارگران میدهد تا آنها راحت تر زندگی کنند" ، گویا "سرمایه‌داران سود و پژوه را برای رفاه بیشتر کارگران به آنها میدهد" ، گویا "سود و پژوه جایزه‌ای است که سرمایه‌داران در مقابل بالا رفتن بهره‌وری تولید" به کارگران میدهد . " و " " " و بدینترتیب و با وارونه جلوه‌دادن حقایق چنین نتیجه می‌گیرد که درخواست اضافه شدن سود و پژوه از طرف کارگران یک تقاضای بیمورد و یک درخواست نامشروع است و مبارزه برای رسیدن به این خواسته نیز مبارزه‌ای باصطلاح غیر قانونی است ! و کارگران فقط در مقابل بالا بردن " بهره‌وری تولید " و بیشترکردن

سود و بیزه و ...
”سود و بیزه دار“ میتوانند انتظار بالا رفتن سود و بیزه داشته باشند . (*)

اما واقعیت چیست ؟

کارگران واقعیت را با پوست و گوشت خود لمس میکنند و با مبارزه خود این واقعیت را اعلام مینمایند . آنها در جریان زندگی پراز مشقت خود بخوبی میفهمند که سود و بیزه قسمی از مزد آنهاست که بدون آن ، همین زندگی مشقت باز نیز برای آنها غیر معکن میشود . آنها با مبارزه خود به یادهای تبلیغاتی رژیم پاسخ میدهند و اورا را فشا میکنند .

ولی واقعیتی که کارگران در جریان زندگیشان لمس میکنند و میفهمند مسلماً توضیح علمی مشخص نیزدارد . این توضیح علمی چیست ؟ یعنی چرا سود و بیزه جزئی از دستمزد کارگران است و چرا سرمایه داران این جزء از دستمزد کارگران را به چنین اسمی (سود و بیزه) نامگذاری میکنند و چنین وانمود میکنند که گویا دارند هدیهای به آنها میدهند ؟ برای پاسخ به این سؤال ، مادر را بتدآچند واقعیت دیگر را مورد توجه قرار میدهیم و سپس ماهیت واقعی ”سود و بیزه“ را توضیح داده و تبلیغات فریبکارانه دولت سرمایه داری شاه خائن را فشا میکیم . رابطه بین نیروی کارکارگران و مزدی که میگیرند :

آیا سرمایه دار بهای واقعی نیروی کارکارگران را به آنها

(*) - علاوه بر سخنرانیهای شاه ضد کارگر ، گزارش سخنرانیهای ”معینی مزدور“ که در همین شماره قیام آمده بروشنی یا وه گوئی رژیم را نشان میدهد .

میپردازد؟ نه. چراکه می بینیم با وجود اینکه تولید، مستقیماً محصول و شروع کارکارگران است ولی سرمایه داران فقط جزئی از بهای تولید را به آنها میپردازند و اصولاً "اگر سرمایه دار بهای نیروی کارکارگران را تعامل و کمال به آنها میپرداخت آنگاه معنای وجود پیش رازدست میدارد چراکه وجود سرمایه دار وابسته است به استشاره کارکارگران و دزدیدن از نیروی کار آنها.

آیا سرمایه دار نیروی کارکارگران را بهره‌هایی که داشت بخواهد میخورد؟ و مزد کارگران از هیچ مقیاس و معیاری برخوردار نیست؟ باز هم نه. چون می بینیم که مزد کارگرانی که در کارخانه‌های مختلف و بوسیله سرمایه داران، مختلف استشاره میشوند تفاوت چندانی باهم ندارند و تقریباً باهم برابرند. یعنی مثلاً مزد کارگر تراشکاری که در کارخانه سیتروئن کار میکند واستثمار میشود با مزد کارگر تراشکار دیگری که در کارخانه ایران ناسیونال کار میکند واستثمار میشود، تقریباً برابر است.

بنابراین اگر سرمایه دار بهای واقعی نیروی کارکارگران را به آنها نمیدهد و در عین حال مزد کارگران به دلخواه سرمایه دار تعیین نمیشود، باید پرسیم: سرمایه دارد و مقابل استفاده واستثمار از نیروی کارکارگران، چه مقدار به آنها مزد میدهد؟ به عبارت دیگر: سرمایه دار نیروی کارکارگران را به چه بهائی میخورد؟

سرمایه داران آنقدر به کارگران مزد میدهند که آنها بتوانند با تأمین حداقل احتیاجاتشان به زندگی بخورد و نیز خود را مدد دهند.

یعنی کارگران آنقدر مزد میکنند که هم بتوانند نیروی را که

سود و بیزه و ... سود و بیزه و ...
 در حین کارکردن صرف میکنند جبران کنند و هم حد اقل
 زندگی را برای زن و بچشان فراهم کنند؛ با هم بتوانند روز
 دیگر رکارخانه حاضر شده و دوباره توسط سرماید اراستمار
 شوند و هم نسل "ارتش کار" - این منبع استشار سرمایه دارد -
 فطح نشد . *

بنگاهی به زندگی پر از مشقت طبقه کارکرده این واقعیت که
 کارکران حتی برای یک روز زندگی خود پس اندازند اند؛ این
 واقعیت که کارکران حتی اگر یک روز کار نکنند نمیتوانند چرخ
 زندگی خود را بچرخانند و حتی برای یک روز زندگی بدون کار
 هم تأمین ندارند، بد روشنی نتیجه کیری بالارا ناید میکند .

نقیم مزد حقیقی به مزد رسمی و سود و بیزه :

اما آیا مزد رسمی که کارکران چطور روزانه دریافت میکنند
 برای تأمین حد اقل احتیاجاتشان - حوزه ای، مسکن، بو شاک
 و ... - کافی است ؟

بنگاهی به زندگی طبقه کارکرده بینم که با سخ این شوال
 منفی است، مفروض بودن همیشگی کارکران ثابت میکند که مزد
 رسمی و روزانه آنها کافی حد اقل احتیاجاتشان را هم نمیدهد.
 کافی نبودن دستمزد کارکران برای تأمین حد اقل احتیاجاتشان
 چگونه جبران میشود؟ کارکرانی که پرداخت قرض -
 هایشان را همیشه به کرفتن سود و بیزه حواله میدهند، کارگرانی

* - این نتیجه کیری "قانون آهنین مزد ها" نامیده
 میشود . مادر سلسله مقالات "درسه ای از اقتصاد
 سیاسی" ، مفصله بـ نجز بـ و تحلیل آن خواهیم پرداخت .

که قسمی از احتیاجات اولیه و اساسی زندگی‌شان — خورد و خوراک، مسکن، پوشان و ... — را لزود و بیزه تأمین می‌کنند، با این سوال رابخوبی میدانند. آنها در زندگی بر از رنج و زحمت خود، با پوست و گوشتشان لمس می‌کنند که اگر لزود و بیزه‌ای که می‌گیرند نباشد، ادامه همین زندگی بخور و نمیر هم برایشان غیرممکن می‌شود.

باتوجه به این بحث می‌توانیم نتیجه پیگیریم: "ولا" دستمزد روزانه کارگران برای تأمین حق حداقل زندگی یک کارگر کافی نیست.

ثانیاً "سود و بیزه" دستمزدی است که کافی نبودن دستمزد رسمی روزانه را برای تأمین حداقل احتیاجات روزانه جبران می‌کند. بنابراین مزد رسمی روزانه باضافه "سود و بیزه" مساویست با حداقل دستمزدی که کارگران برای تأمین زندگی بخور و نمیر خودشان احتیاج دارند.

از طرف دیگر گفتیم: "سرمایه‌دارهایش فقط مزدی به کارگردان هدکه کارگری‌آن مزد بتواند حداقل زندگی‌شان را تأمین کند." پس نتیجه می‌گیریم:

"سرمایه دار حداقل دستمزدی را که می‌تواند به کارگران بدهد درد وقت به آنها میردازد، یک قسمت را بصورت مسزد رسمی روزانه و یک قسمت را بصورت سود و بیزه."

این نتیجه گیری راشیوه پرداخته شدن "سود و بیزه" بوسیله بعضی از سرمایه‌داران نیز تأیید می‌کند. این سرمایه‌داران "سود و بیزه" را بصورت روزانه و بصورت درصدی از دستمزد

رسمی به کارگران میپردازد . (*) اباد رک این مسئله مسا
متوانیم بسیاری از واقعیت‌ها را که در جامعه ما وجود دارد
تحلیل کنیم . مثلاً عدد های میپرسند چرا کارگران ساختمانی -
عملدها و ... - و کارگرانی که در کارخانه‌ها کارنمی‌کنند بیشتر
از کارگران صنعتی مزد میگیرند ؟ پاسخ این سوال با توجه به
نتیجه‌گیری فوق بسیار روشن است : کارگران ساختمانی و یا
بطورکلی کارگران غیرصنعتی با این دلیل مزد بیشتری از کارگران
صنعتی میگیرند که مزد شان به دو قسمت "مزد رسمی" و "سود
و بیژه" تقسیم نمیشود و آنها مزدی را که برای تأمین حداقل
زندگی‌شان احتیاج دارند بجا و بطور روزانه دریافت میکنند (۱)
"سود و بیژه" یکی دیگر از توطئه‌های سرمایه داران :

اکنون و با این مقدمات میتوانیم سوال اصلی را مورد توجه
قرار گیریم : چرا سرمایه داران دستمزد کارگران را در دو قسمت به
آنها میدهند ؟

دولت شاه خائن چنین عنوان میکند که گویا دادن "سود

(*) - مثلاً "در کارخانه کفشهایی، پرد اخت سود و بیژه کارگران
با این ترتیب انجام میشود و مثلاً کارگری که ۱۴ تومان مزد میگیرد ،
۸ تومان نیز عنوان سود و بیژه با او میدهد . یعنی در حقیقت
مزد واقعی چنین کارگری ۱۸ تومان در روز است .

(۱) - اگر مسئله سرویس، نهار، لباس کار و ... را هم
در نظر بگیریم اختلاف مزد این دو گروه از
کارگران بهتر تحلیل میشود .

"سود و بیزه" بد کارکران برای بالا بردن بازد هی کار است. این کویا برای اینست که کارکران خود شان را به اصطلاح در سود کارخانه شریک ببینند و برای حفظ مالیاتها و مواد خام و بالارفتن مقدار تولید و در نتیجه بالارفتن سود بگوشند! ولی این حیله هایها عدد دای از کارکران نا آنکه اینها حد اکثر برای مدت کوتاه هی میتوانند فریب دهد و کارکران خیلی زود میفهمند که "سود و بیزه" به هیچوجه رابطه ای با سود واقعی کارخانه ندارد. سودی که سرمایه داران هیچ کار آنرا علناً اعلام نمیکنند، این را، هم شیوه پرداخت سود و بیزه به آنها میفهمانند و هم برخورد عینشان با سود سرمایه دار.

یعنی دولت برای اینکه وانعود کند هرجقد رسود سرمایه دار بیشتر شود، "سود و بیزه" یعنی به اصطلاح سهم کارکران، هم زیاد میشود، اعلام کرد ه است که سود و بیزه تا ۲۰٪ سود خالص کارخانه است. در حالیکه کارکران جریان دیگری را مشاهده میکنند.

"اولاً" کارکران من بینند که محاسبه "سود و بیزه" ای که به آنها داده میشود هیچ ربطی به مقدار سود کارخانه ندارد و مشلاً برآرجنده مازد کارکرو یاد رصدی از مازد روزانه، اوست که تعداد این ماهها یاد رصد مازد روزانه را هم نه "سود سرمایه دار"

(۱) - البته همانطور که گفتم دولت حامی سرمایه داران اعتراض نمیکند که "سود و بیزه" قسمی از مازد کارکران است.

(۲) - ما این مسائل را بررسی کردیم و روشن خواهیم کرد که چرا این به اصطلاح قانون با این ترتیب تنظیم شده است.

بلکه مبارزه کارگران تعیین میکند.

ثانیا "کارگران که خود مستقیماً با تولید و مخارج آن و نیز قیمت فروش محصولات کارخانه سروکاردارند، بر احتی میفهمند که سود کارخانه و سومایه دار بسیار پیشتر از آن است که وانمود میشود. مثلاً به همین کارخانه، سیتروئن، نگاه کنیم. کارگری میگوید: "ما به عینه من بینیم که کارفرما از هراتومبیل بین ۸ تا ۱ هزار تومان سود میبرد. اگر سود خالص سرمایه دار را برای هر اتومبیل ۶ هزار تومان فرض کنیم (که بیشتر از این است) با تولید ۵ اتومبیل در روز میتوانیم سود خالص سرمایه دار را در یک سال حساب کنیم."

تومان سود خالص یک روز سرمایه دار $\frac{6000 \times 50}{30000} = 1000$
اگر تعداد روزهای را که در کارخانه در سال تولید مشغول است 300 روز حساب کنیم سود خالص سرمایه دار در عرض یک سال میشود:

تومان $\frac{30000 \times 300}{360000} = 250$

یعنی سود خالص سرمایه دار در عرض یک سال حداقل 250 میلیون تومان است. با توجه به اینکه به کارگران فقط 2200 تومان "سود و پیژه" پرداخت شده است میتوانیم حساب کنیم که به اصطلاح سودی که به کارگران پرداخت شده چند درصد سود واقعی کارخانه است.

$\frac{24}{4} = \frac{24}{2400000} = \frac{1}{1000}$ با اصطلاح سود کارگران سود واقعی کارخانه

یعنی به اصطلاح سودی که به کارگران داده شده فقط 24 درصد سود کارفرما است. با این ترتیب کارگران ایمن

کارخانه به راحتی می‌فهمند که به اصطلاح "سود و بیزه" هیچ ربطی به سود کارخانه و بالا رفتن بهره‌وری و ... ندارد . چون آنها بدون آنکه بهره‌وری را بالا ببرند می‌توانند برای بالابردن مقدار "سود و بیزه" مبارزه کرده و آنرا براساس همین قوانین ضد کارگری شه ساخته اتان . ۲۰٪ سود واقعی کارفرمایی ۱۸ میلیون تومان (*) بالا ببرند . آنها خیلی زود درک می‌کنند که "سود و بیزه" هیچ ربطی به یاده‌های دولت خد کارگری شاه در مورد افزایش بهره‌وری و ... ندارد . چون اگر چنین فصلی در دادن "سود و بیزه" مطرح چود ، کارفرمایی می‌توانست اعلام کند که غلانقدر رصد (مثل ۲۰٪ یا ۱۰٪) از سود کارخانه را بشمامید هم واژه‌ای انتظار دارم که بهره‌وری تولید کارخانه را بالا ببرید . نه اینکه بدون هیچ حساب و کتابی و بد عن اینکه مقدار واقعی سود کارخانه را مشخص کنند ، بگویید : "سود و بیزه" برابر و ماه مزد کارگران است . و آنوقت کارگران هم اعتراض و مبارزه کنند و کارفرما را مجبور نمایند که آنرا به سه ماه افزایش دهد و ...

برای روشن شدن ماهیت واقعی این توطئه سرمایه‌داران (سود و بیزه) باید به واقعیت دیگری هم توجه کنیم . این واقعیت ، مشکلات و بحرانهای ذاتی و علاج ناپذیر نظام سرمایه‌داری است .

در نظام سرمایه‌داری ، ماهماواره با یک سلسله درانهای متواالی تورم - رکود - تورم - ... رو برو هستیم . یعنی در نظام سرمایه‌داری ، پس از اینکه در یک دوره قیمت‌ها به سرعت

$$(۱) - \text{تومان} = \frac{۱۸}{۹۰} \times ۱۰۰ = ۲۰$$

سود و پیژه و ... ترقی کرده و بالا می‌رود (تورم / جامعه دچار بیماری "رکود" و کم شدن فعالیتهای اقتصادی، تعطیل کارخانه ها و ...) می‌شود. پس از رکود، دوباره تورم سراغ جامعه می‌آید و ... (*) در درجه‌های رکود، نظام سرمایه‌داری دچار "تورم کالا" و یا "افاضه تولید" می‌شود. بدین معناکه در چین ... در ورانهای در جامعه سرمایه‌داری، تولید بیشتر از مصرف می‌شود و مردم بد لیل کمی‌بود درآمد (پائین بودن قدرت خرید او متناظر با این قیمت کالاهای نمیتوانند همه کالاهای را که تولید می‌شود، مصرف کنند و در نتیجه عرضه کالاهای اداره جامعه تولید تقاضا می‌شود. در چین حالتش، سرمایه‌داران مجبورند برای معادل کردن عرضه و تقاضا و حفظ قیمت کالاهای ... از تولید کارخانه ها کم کنند و حتی بعضی از کارخانه ها را تعطیل نمایند و ...

"سود و پیژه" توطئه‌ای برای تحییل فشار بر کارکران:

کم شدن تولید و فروش کالاهای دارد و این "رکود" برای برآست باکم شدن سود سرمایه داران. ولی سرمایه‌داران که بهمی‌جوشه حاضر نیستند سود شان کم نمود برای حفظ منافع شان به هر توطئه و جنایتی دست می‌زنند. آنها قسمی از تولیدات جامعه را ... برای بالا بردن بیشتر قیمتها ... از جین می‌زنند (مواد حواری کی را بد دریا میر بزنند و حالیکد صدم کرند) ... اما همچنان آتش

... بحرانها و بیماریهای زانی و علاج نایاب می‌زنند ... نم سرمایه‌داری را مادر سلسه مقالات "درسیانی از اقتصاد سیاسی" مفصلانه "معضی حواهیم داری" ...

میزند درحالیکه مردم برهنگانند، کالاهاي مصرفی را زیبن میبرند
درحالیکه مردم به آن احتیاج دارند و ... کارخانهها را
معطیل و کارکران را بکارمیکنند و ... سرمایه‌داران همچنین
برای حفظ سود شان از مزد کارکران میدزند، اما در زدیدن از
دستمزد رسمی کارکران به هیچو جد نوجیه نداشند نیست - در
چنین موقعی سرمایه‌دار - که جرئت میکنند از مزد رسمی
کارکران بدزد - توطئه از پیش تدارک دیده شده - به
اصطلاح "سود ویژه" راعلیه کارکران چنان میگیرد - او اعلام
میکند که جون تولید فروش و درنتیجه سود کارخانه کم شده
باشاین به اصطلاح سهم کارکران از سود کارخانه یعنی "سود
ویژه" هم باید کم شود و بالعلاقه سود ویژه‌ای به کارکران تعلق
نمیگیرد و ... این ترتیب سرمایه‌دار بادزد بدن عتمتی از
مزد کارکران، تمام فشار بحران بظالم سرمایه‌داری را رانده اراده
گردد و منافع خود را حفظ میکند.

بهراست نکاهی به همین جریان اعتصاب کارکران کارخانه
سیزدهن بیندازیم، "معینی" مزد ور و خود فروخته میگیرد؛
"برای جبران خرر کارفرما فقط یکماده سود ویژه" به شما
میدهیم. معنای این حکم غیراز این است که "برای جبران خرر
کارفرما یکماده مزد رسمی به شما نمیدهد هیم" ... آنکه اعتضاد

* - همان خورکه در بررسی احمدآ - کارکران کارخانه
سیزدهن تکمیم، سود و تراپکه کارکران در سال قبل گرفته بودند
برابر و ماده مزد رسمی آنها بود که با این ترتیب کارفرما فقط
د' نسبت نداد از آنرا بذدند.

سود و بیزه و ... برای اضافه کردن دستمزد رسمی و روزانه بود، وزیر جیره خوار میتوانست بگوید: "برای جبران ضرر کارفرمایکماه مزد رسمی به شما نمیدهیم"؟ مسلماً نه. چون این درزدی آنقدر آشکار است که هیچ کارگری هرقد رهم نا آگاه و هرقد رهم ترسو محافظه کار باشد، اجازه آنرا به کارفرمانخواهد دارد.^{۱۴}

علاوه بر این جنبه که هدف اصلی سرمایه دار را از تدارک توطئه "سود و بیزه" تشکیل میدهد، سرمایه دار از تقسیم مزد واقعی کارگران به دو قسمت مزد رسمی و "سود و بیزه" در موارد دیگری چون پرداخت مزد اضافه کاری پرداخت حق اخراج کارگرو... نیز سود میبرد چون مزد اضافه کاری و حق اخراج... تماماً برآسان مزد رسمی و روزانه محاسبه میشود، نه برآسان مزد واقعی که مجموع مزد رسمی و "سود و بیزه" است. بنابراین سرمایه داران برای توزیع قسمتی دیگر از نیروی کار کارگران، تووطئه "سود و بیزه" را تدارک میینند تا غارت و چیاولشان را در پشت قانون - البته همان قانون دولت فرد کارگری شاه - پنهان کنند.

برای افشاری بیشتر ماهیت خد کارگری این تووطئه ملازم است بعضی از بد اصطلاح قوانین مربوط به "سود و بیزه" را باهیم توجه گیری تحلیل کنیم.

ماده ۵ باصطلاح قانون "سهم شده کارگران در منافع کارگاهها" میگوید: "... میزان سهم کارگران از منافع

(*) - اگرچه کارفرمایی نکرد حتی همین درزدی — اصطلاح قانونی را همانجا دهد.

حالص کارگاه بعو جب تشخیص وزارت کار و خدمات اجتماعی و تأیید کمیسیون مذکور در ماده^۱ تعیین خواهد گردید و سهم کارگران از بیت درصد منافع خالص تجاوز نخواهد گردید.

اولاً: سهم کارگران را از سود کارخانه وزارت کار تشخیص میدهد و کمیسیون باید این تشخیص را تأیید کند (که بادا منافع کارفرماکم شود). این کمیسیون از چه کسانی تشکیل شده است؟ بنابراین ماده^۱ ریاست این کمیسیون با وزیر کار است (و یاقائمه مقامش) و اعضایش را نمایندگانی از وزارت‌خانه‌های صنایع و معادن، دارائی و دادگستری و همچنین یکفسر مطلع در امور اقتصادی تشکیل میدهد که این آخری راهنم خود وزیر کار! تعیین میکند. با این حساب معلوم است "سود و پیروزی" را که وزارت کار (حامی سرمایه‌دار) تعیین کند و وزیر کار (مزد و سرمایه‌دار) و نارویسته اش تأیید کنند چه از آب در می‌آید و معلوم نیست اگر مبارزه کارگران نباشد و سرمایه‌داران از خشم کارگران و قدرت همبستگی و اتحاد آنها نترسند چه مقدار "سود و پیروزه" به کارگران تعلق خواهد گرفت؟

ثانیاً: همان‌طور که می‌بینیم مقدار "سود و پیروزه" از صفر در صد تأییت درصد متغیر است. با این حقه بازی، دولت سرمایه‌داری شاه جنایتکار، راه دزدی را از طرف دیگری هم برای سرمایه‌دار بازگذاشته است. یعنی سرمایه‌دار علاوه بر اینکه می‌تواند از مزد کارگران به بهانه کم شدن سود و بدزد ر همچنین آزاد است که با حمایت کامل دولت ضد کارگری شاه، درصد با اصطلاح "سود و پیروزه" ای را که بکارگران میدهد

تغییرداده و از این طریق نیاز از ستمزد کارگران و از نیروی کارخان بذرد . بطور مثال کارخانه قرقه زیبار مقابله ۲۷۱ میلیون ریال فروش در سال ۸۰، ۵۰۴ میلیون ریال "سود و بیزه" به کارگران داده است ولی همین کارخانه در سال ۳۵، در قبایل ۱۰۵ میلیون ریال فروش فقط ۳۴ میلیون ریال "سود و بیزه" به کارگران داده است . (۲۶) یعنی در حالیکه فروش دو برابر شده و مسلمان "سود نیز حداقل بقدر ارقاب ملاحظه‌ای اضافه شده است، با اصطلاح سهم کارگران از سود کارخانه به $\frac{1}{3}$ کاهش پیدا کرد و این مسلمان دریناه همین با اصطلاح قانون صفر دوصد تا بیست درصد و مسلمان "باتأیید جناب وزیر! مسزد در دسایر جیره خواران سرمایه‌داران بوده است .

اما یک توطئه ویک درزدی دیگر؛ امثال در عرضی از کارخانه‌ها "سود و بیزه" ایکه به کارگران پرداخت شده به نسبت شخص دستمزد رسمی آنها بوده است؛ مثلاً در کارخانه پارس مثال در سال جاری به کارگرانی که مزد رسمیشان ماهانه کمتر از ۸۰۰ تومان است، ۴۰۰ روز و به کارگرانیکه مزد رسمیشان ماهانه بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان است ۱۳۰ روز و به کارگرانیکه مزد رسمیشان ماهانه بین ۱۱۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان است ۱۲۰ روز و به کارگرانی که دستمزد رسمیشان بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان است ۱۱۰ روز و به کارگرانی که دستمزد رسمیشان بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ تومان است ۱۰۵ روز سود و بیزه داده‌اند . برای تحلیل این توطئه، لازم است به بالارفتن سراسام آور

قیمت‌هادر جامعه‌ی خودمان توجه کنیم . دولت ضد کارگری شاه برای حل این مشکل دست به توطئه‌های مختلفی زده است . او وانمود می‌کند که گویا مشکل (یعنی تورم و بالارفتن قیمتها) ناشی از باصطلاح طمع و حرص و آزار زحمتکشان می‌باشد ماست که به حق خود شان قانع نبوده و گرانفروشی می‌کند ! ! دولت شاه با این عوام‌فریبی ، هایه‌های بناه " مبارزه با گرانفروشی " برآه انداخته و باجریعه و زندانی کردن فروشنده‌گان جزء ، باصطلاح میخواهد جلوی تورم و بالارفتن قیمتها را بگیرد . ولی دولت ضد خلقی که خودش بهتر از هر کسی به علت‌های بسالا رفتن قیمت‌هادر جامعه‌ی ما آگاه است و میداند که با این هایه‌های نیشود این مسأله را حل کرد ؟ مجبور است توطئه‌های اساسی دیگری را (البته بازهم به ضرر زحمتکشان می‌باشند) مورد توجه قرار دهد . (۱) یکی از این توطئه‌ها کاستن از قدرت خرید مردم است دولت شاه علاوه براینکه از راههای مختلف مقداری از قدرت خرید زحمتکشان را کنم می‌کند (۲)

(۱) - مائیورم " در جامعه‌ی خودمان و همچنین هایه‌های باصطلاح " مبارزه با گرانفروشی " را در مقاله‌ی دیگری مفصل توضیح داده و دولت شاه خائن را الفشا خواهیم کرد .

(۲) - بطور مثال مالیاتی که در سال ۴۵ از مردم دریافت شد بیست و یک میلیارد و هشتصد و هشتاد و چهار میلیون و صد و پنجاه و دو هزار تومان (۰۰/۱۵۲/۸۸۴/۲۱) بود در حالیکه این مقدار در سال ۵۵ به سی و یک میلیارد و دو بیست و نود و یک میلیون و پانصد و هفتاد و نه هزار تسویه‌سان

همچنین سعی مینماید که حد الامکان مزد کمتری به زحمتکشان بدهد. این توطئه را ما در همین طبقه بندی کردی "سود و بیزه" بخوبی میبینیم. دولت شاه حساب میکند کارگران فنی و مهندسی دستمزد بیشتری میگیرند با گرفتن مقدار کمتری "سود و بیزه" هم زندگیشان تأمین میشود در حالیکه کارگران ساده و نازه کارا حتیاج به "سود و بیزه" بیشتری دارند تا حداقل احتیاجاتشان برای گذراندن یک زندگی بخورون غیر تأمین من شود. در حالیکه در سیستم قبلی همهی کارگران در صدمصاوی از مزد رسمی و روزانه شان، "سود و بیزه" میگرفتند. یعنی جسم کارگر ساده و چه کارگرفتی هر دو باند ازهای چند ماه مزد رسمی و روزانه شان سود و بیزه در پایافت میگردند. بنابراین دولت شاه ضد کارگر برای اینکه از قدرت خرید کارگران کم کدو بده کارگران فنی مزد حقیقی کمتری پیردازد، توطئه "طبقه بندی" کردن سود و بیزه را با جرأت رآورده است. دولت شاه با این کار علاوه بر اینکه برای تورمی که گویانش را گرفته، حصاره ای میاندیشد، صنافع سرمایه داران را نیز تأمین میکند و سرمایه داران را کمک میکند و مقدار بیشتری از نیروی کارکارگران را بدزد نمی‌نماید.

درس‌هایی از:

اقتصاد سیاسی

"شناخت کلی نظام سرمایه‌داری"

نظام سرمایه‌داری چیست؟

در این مورد "لینین" پیشوای رحتمکشان جهان و رهبر انقلاب روسیه، تعریف ساده و در عین حال کاملی کرده است. او مینویسد: "سرمایه‌داری نام سیستم اجتماعی است که در آن، زمین، کارخانه، ابزار تولید و غیره متعلق به تعدادی اند کسی از زمینداران و سرمایه‌داران است. در حالیکه اکثریت مردم مالک هیچ چیزی نیست. بادارائی ناچیزی دارد و مجبور نمود خود را بعنوان کارگر مزد و مزد بکیر؛ در اختیار سرمایه‌دار قرار دهد."

تعریف بالا نشان میدهد که در نظام سرمایه‌داری کارگر مجبور است برای تأمین زندگی اش نیرو و توانائی خود را برای انجام کاری معین به سرمایه‌داری بفروشد. تنها آزادی ای که اونسبت به دوران بردگی در این مورد دارد، این است که او میتواند "نیروی کارش" را آزادانه، به هر سرمایه‌داری که خریدار آن است بفروشد (هر چند که این آزادی نیز همیشه وجود ندارد؛ این آزادی که رژیم‌های سرمایه‌داری آنقدر برای آن

تبليغ ميکنند، در واقع تفاوتی با جبر و زور در دو ران فئودالى و يا حتى برد مدارى ندارد، اگر برد هارسما^۱ و بطور علنی مجبور بودند برای صاحبان خود کار کنند، کارگران در نظام سرمایه داری در زیر پوشش شعارهای تبلیغاتی و اغوا کنند، دولت های سرمایه داری، در باره آزادی کارگر، تساوی حقوق افراد و ... به شدید ترین وضعی بوسیله سرمایه داران استثمار می شوند. اگر این زنجیرها و قید و بند های فولادی بسود که به دست وسایل برد مهابسته می شد تا آنها را به بیکاری و ادار نماید، امروز نیز در نظام سرمایه داری، این زنجیر گرسنگی، احتیاج و نیاز است که کارگران را اداره فروش "نیروی کار" خود می کنند. زنجیری نامهی که بمراتب سهمگین تر و زجرآور تراز زنجیر فولادی است، نظام سرمایه داری همه وسائل تولید و زندگی را در اختیار مشتری سرمایه دار و یاد ولت نماینده آنها قرار می دهد و نتیجتاً تولد "مودم راعمل" مجبور می کند که خود شان را و نیروی کار و اندیشه شان را برای زندگانده به سرمایه داران بفروشند. ولی همین عمل "فروش اجباری نیروی کار" کارگر و پرداخت "مزد" از طرف سرمایه دار و بوسیله ای می شود که استثمار در نظام سرمایه داری (نسبت به نظامهای فئودالى و برد مداری) اپوشیده بماند. *

هدفی که سرمایه دار از خرید "نیروی کار" (به اصطلاح استخدام کارگر) دارد، با هدفی که کارگران فروش "نیروی کار" (به اصطلاح استخدام شدن در یک کارخانه و ...) دنبال

(*) در این مورد بعداً "مفصل" صحبت خواهیم کرد.

میکند باهم متفاوتند . "مارکس" در این مورد میگوید : "در بازار باد و گروه رو برو هستیم ؛ یکی گروه خریداران، صاحبان زمین، ماشین‌ها، مواد خام و وسائل معاشر، و یعنی اشیائی که به استثنای زمین‌های دست نخورده و بکره‌های محصول کارند و دیگر فروشنده‌گان که چیزی جز بازار، فعال خود ندارند . یک گروه پیوسته میخورد تا سود بچنگ آورد و شروع می‌شود و حال آنکه گروه دیگر پیوسته میفروشد تا معاش خوبیش را تأمین کند"

صاحبان کارخانه، زمین‌دارها، بانکدارها و صاحبان مشهدهای تجارتی، طبقه، سرمایه‌دار را تشکیل میدهند و کسانی که سرمایه‌ای در سطح ندارند و تنها با فروش نیروی کارشان زندگی میکنند طبقه، کارگر را تشکیل میدهند .

درایران کسانی چون ثابت بالا سال، لا جوری، خیامی، القانیان و افرادی از این قبیل و بالاتر از همه در بار پیلوی و در رأس همه آنها شاه که معروف به "هزار فامیل" هستند، طبقه، سرمایه‌داران را تشکیل میدهند . در مقابل اکثریت عظیمی از مردم که با فروش "نیروی کار" خود به اینگونه سرمایه‌داران زندگی میکنند "طبقه" کارگر را تشکیل میدهند .

بین سرمایه‌داران و کارگران، اختلاف طبقاتی عظیمی وجود دارد که تنها بآن بودی نظام سرمایه‌داری و برقراری نظام سوسیالیستی از بین خواهد رفت . تنها در نظام سوسیالیستی است که هرگونه اختلاف طبقاتی واستثمار یک طبقه از طبقه دیگر از بین میروند و دیگر هیچ‌کس نمیتواند سرمایه‌دار باشد و دیگران را استثمار کند . بلکه همه کارگران میکنند، هر کس بمناسبت از کار خود مزد میگیرد .

در یک نظام سرمایه‌داری، سرمایه‌داران با چپاول، غارت و استثمار نیروی کارکارکران، روز بروز شروعند ترشد و باز هم صاحب سرمایه، کارخانجات، زمین، بانک و مزارع پیشتری میگردند. در صورتیکه وضع کارکران، همیشه بازنج و زحمت روزافزونی تواأم است. مثلاً "کسی مثل خیامو در عرض چند سال از راه غارت نیروی کارکارکران و به همدستی دربار و شرکت مستقیم خود شاه، یک کارکار کوچک خود را تبدیل به کارخانه‌هائی عظیم مثل "ایران ناسیونال" وغیره کرد و استناده در آن پیش ازده هزار کارکر را مستقیماً استثمار میکند یا لاجوردی که بسن کارکار کوچک صابون پزی خود (واقعه رجاده، ری) را با سودی که از راه استثمار کارکران بدست آورد، هم اکنون تبدیل به حدود ور ۳۰ کارخانه، تولیدی و موسسه تجاری کرده که در آنها از پیشتر از ده هزار کارکر بهره‌کشی میکند.

در صورتیکه کارکرانی که در همان ابتدای کار خیامی بسا لاجوردی کارکر بوده‌اند، امروز باز هم همان کارگر هستند. منتهی بیرون و فرسوده‌ترند. وضع زندگی‌شان هم سخت تر شده است و هر وقت هم خیامی با لاجوردی اراده کنند آنان را از کارخانه اخراج میکنند.

اما بینیم این: نظام سرمایه‌داری کی وجود بوجود آمد؟

سرمایه‌داران و متفکرین، وابسته به آنها، نظریه‌های آقایان پروفسورها، مفسرین، سخنرانان و... که تمام فکسر و ذکر شان دفاع از منافع سرمایه‌داران است و در مقابل از آخرین سرمایه‌داری میخورند! (و جمله خوب هم میخورند) و همین‌طور بعضی

از روحانیون مرجع (*)، در مورد چنگونگی بوجود آمدن نظام سرمایه‌داری میگویند، تاد نیا، نیا بوده یک عدد سرمایه‌دار و شرمند و یک عدد فقیر و بی‌چیز بوده‌اند. آنها سعی میکنند، این حرفهای فریبکارانه، خود را در بین زحمتکشان رواج داده و به آنها نیز بقبول آند. بعضی از زحمتکشان نیز نااکاهانه حرفهای این دشمنان طبقاتی خود را تکرار میکنند و مثلًا "میگویند: "ای بابا، این خواست خدا است که مارا فقیر کرد و سرمایه‌دارها شرمند! و یا میگویند: "تاد نیا بوده، ظلم هم بوده" و یا "سرمایه‌داران با هوش وزرنگد و کارگران سرت و تبلیغ و یا "خدا پنج انگشت را به یک اندازه خلق نکرده" و ...". اما همه این حرفها، نادرست و فریبکارانه‌است. زیرا با این حرفها سرمایه‌داران و متفکرین روحانیون را بسته به آنها سعی میکنند که استمار و غارت و چپاول موجود در جامعه سرمایه‌داری را با پست فطرتی تمام به نفع اربابان خود توجیه

(*) - روشنفکران و متفکرین خود فروخته‌ای مثل نیکخواه، لاشائی و ... نویسنده‌کان مزد و رومواجی بگیری مثل رسول پرسزی و ... مفسرین خود فروخته‌ای مثل مهدی قاسمی، جعفر پیان، فرهنگ فرهنگی، امیر طاھری و ... که از رادیود رباره اصلاح نظام شاهنشاهی، پیشرفت‌های ایران را پس از انقلاب سفید او ... را تبلیغ میکند و همچنین روحانیون مرجع و نویسنده‌گان و ... اصطلاح متفکرین مذهبی مرجع که این روزها باز امداد و موافجی که از دولت سرمایه‌داری میگیرند در روزنامه‌های جیره خوارد ولت شاه مقالاتی بنفع سرمایه‌دارها و علیهم زحمتکشان مبنو نیستند از این‌جهه اند.

کنند . این دشمنان رحمتکشان با این حرفهای خود سعی میکنند که اختلاف طبقاتی ، یعنی اختلاف بین طبقه سرمایه دار (این صاحبان سرمایه و زمین و کارخانه) و کارگران (که در کاخهای خود مشغول عیش و نوشند) و طبقه کارگر (که برای سیرکردن شکم خود وزن و بچه خود شب و روز عرق میریزند) را امری عسادی با ازلى و نتیجتاً ابدی ! جلوه دهند . آنان سعی میکنند توزیع غیرعادلانه ثروت را و چپاول نیروی کارکارگران را بعنادی من مختلف از قبیل تقدیر و سرزنش و ... توجیه کنند و چنین وانمود کنند که سرمایه داری نظامی است که ازاول دنیا بوده و تا آخر دنیا نیز باقی خواهد ماند ! اما این قبیل حرفها چیزی جزد روغ و غربپرکاری از طرف سرمایه داران و متفکرین و شورسین های وابسته به آنها برای تجمیق رحمتکشان نیست . پس حقیقت چیست ؟ حقیقت اینست که همانطور که هر چیزی علت دارد ، بوجود آمدن نظام سرمایه داری هم علت دارد که این علت هم بوسیله علم و هم بوسیله متفکرین خادم طبقه کارگر روشن شده است . (*) اما در رایجات مختصر اعلت بوجود آمدن نظام سرمایه

(*) - همانطور که بوجود آمدن نظام سرمایه داری ناشی از فرور تاریخی و بدنبال یک سلسله علل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی بوده است . نابودی حتمی آن نیز یک ضرورت تاریخی استوار علل اجتماعی - اقتصادی - سیاسی مشخصی پیروی میکند . بنابراین میتوان با شناخت این ضرورت و فعلیت درجهت تشدید این علل ، این نظام را نابود کرد . همانطور که ملاهم میبینیم که در بسیاری از نقاط جهان کارگران و رحمتکشان ، نظام سرمایه داری را نابود کرده و نظام سویا لیستی را بجای آن نشانده اند . آنگولا و ویتنام ،

داری را توضیح میدهیم.

برای بروجود آمدن روابط و نظام سرمایه داری دو شرط اساسی لازم است:

شرط اول اینکه عدهای باشند که هیچ گونه سرمایه و وسیله تولید و ابزار معاشر نداشته باشند و در نتیجه مجبور شوند "نیروی کار" خود را بفروشند.

شرط دوم اینکه مقادیری پول و وسائل درست عدهای جمع شود.

وقتی این دو شرط موجود باشند، دسته‌های اول که هیچ وسیله تولید و ابزار معاشر ندارند، مجبور می‌شوند "نیروی کار" خود را به دسته‌های دوم بفروشند و در مقصود ساتی که آنها ایجاد می‌کنند مشغول کارشوند.

حال بینیم این دو شرط اساسی در کدام دو رهاظناری خ فراهم شد. تا بدینترتیب روشن شود که روابط سرمایه داری کسی و چگونه بروجود آمده است.

در دو رهاظناری ارباب و رعیتی نیروهای مولد (ابزار تولید و نیروی کار بشری) به سطح بالاتری از نیروهای مولد در نظام برداشته ارتقاء یافتد. تکمیل تولید در کشاورزی بهبود یافت، استفاده از ابزار آهنی در تولید کشاورزی رواج بیشتری پیدا کرد، ابزار کار صنعتگران نیز بهتر شد، روش‌های تهییه مواد خام نوآور گشت، حرفه‌های جدید در صنعتگری پدید آمد، شیوه زوب فلزات تکامل یافت و ...

نمونه‌های بارزی از آخرین نیروهای سوسيالیسم، پیروزی رحمتکشان و کارگران بر نظام سرمایه داری است.

در رابطه با چنین رشدی در بازار تولید و ۰۰۰، تولید کلاسی ساده که بر اساس مالکیت خصوصی و کارشناسی صورت میگرفت و هدف از آن مبادله بود، توسعه یافت. توسعه این رشد باعث رقابت بین تولیدکنندگان مختلف میشد و در این رقابت عدهای از تولیدکنندگان ورشکست و تهیید است میشدن و عدهای دیگر رشد پیشرفتی کرد و کارشان توسعه پیدا میکرد و با این ترتیب عدهای ورشکست شده (یعنی کسانی که دیگر صاحب هیچ چیز جز نیروی کارشان نبودند) در کارگاههای پیشهوران رشد یافته، مشغول کار میشند.

از طرف دیگر تجارت که قبلان نقش آنها در تولید صرفه جای داشته بود، با ارادت مواد خام به پیشه وران و هقانان و پیش خرید کالاهایشان آنها را به خود واپس نمودند. تجارت در قدم بعدی، پیشه وران کوچک را در زیر یک سقف کرد آورده و آنها را وارد اداره کارمزد وری نمودند. بدینترت یک سرمایه تجاری به سرمایه‌ی صنعتی تبدیل شد.

در کارایین جریان رشد روابط پولی در روستاها د هقانان
رابه د وقشید هقانان مرقه ود هقانان تهیدست تجزییه
میکرد . . .
بدینترتیب روابط سرمایه‌داری در دل نظام فئودالی بوجود د
آمد و رشد یافت.

حاکمیت دولت های سرمایه داری:

روابط سرمایه‌داری بخصوص در اواخر دورهٔ فئودالی بسیار نظم فئودالی به تضاد شدیدی رسید. دولتها فئودالی محمد و دیت‌های زیادی برای رشد صنایع کوچک ایجاد

میگردند . پیشمندان در شهرها مجبور بودند مالیات‌های سنگینی به دولت فئودالی پردازند . در حالیکه رشد و توسعه صنایع آنها بوجود کارگروابسته بود ، واسته‌بودن هزاران دهقان به تولید فئودالی در روستاهای مانع استفاده از زیروی کارآنها میگردید . علاوه بر اینها ، راههای آمن و در خطر بود و امنیتی برای سرمایه‌ی آنها و کالاها بیشان وجود نداشت و خلاصه دولتها فئودالی نمیتوانستند اصلی‌ترین شرایط رشد سرمایه‌داری را که عبارتست از "زیروی کار" و "جمع شدن سرمایه" فراهم بیاورند . از طرف دیگر روستاهای دهقانان که سال‌ها زیرستم فئودالی زندگی کردند ، در اواخر نظام فئودالی به مبارزه‌ی خود علیمه فئودالها شدت بخشیدند .

بدین ترتیب ، دهقانان ، کارگران ، پیشمندان شهری و بورزوایی نوپا به مبارزه عظیم و مشترکی علیه فئودالها وار باهای برخاستند . رهبری این مبارزات بد لائل تاریخی ، عملابه دست بورزوایی افتد .

در فرانسه انقلاب رحمتکشان و بورزوایی در سالهای ۱۷۹۴-۱۷۸۹ موفق شد حاکمیت اریا بهار را از بین پیرد ولی علی تاریخی (*) رحمتکشان نتوانستند و لئن راکه حافظ منافع آنها باشد بر روی کارآورند ، بلکه این بورزوایی بود که با تشکیل دولت حاکمیت یافت . توضیح این نکته لازم است که بعد از سرمایه‌دارهاد رکشورها اروپائی دیگر نمیتوانستند از طریق چنین اتحادی با رحمتکشان علیه فئودالیسم مبارزه کرده و پیروز شوند . چراکه دیگر پرولتا ریا

(*) - بعد از مردم این علل توضیح خواهیم داد .

(کارگران) در کشورهای رشد یافته‌ی سرمایه‌داری اروپا مشکل شده و میتوانست خود قدرت را بدست بگیرد. از این نظر سرمایه دارهای تازه به دوران رسیده، روسیه با اربابهای سابق و دولت فئودالی متعدد شدند و مدتها رسرکوب زحمتکشان شهر و دهه با هم دیگر مشارکت کردند. ولی سرانجام، هردو به دست قدرتمند زحمتکشان و به رهبری کارگران نابود شدند. چراکه اکنون دیگر شرایط تاریخی مساعد بود. پیشتر از یک قرن از انقلاب بورژوازی گذشته بود و کارگران در این مدت توانسته بودند، مشکل و آکاهی مناسبی پیدا کرد و ایدئولوژی خود را مددون نمایند. بدینجهت تحولات انقلاب روسیه به دست کارگرانی که در حزب بلشویک به رهبری "لینین" مشکل شده بودند، صورت گرفت. اما نتیجه‌ی این تحول دیگریست نظام سرمایه‌داری نبود بلکه روزی بود سوسیالیستی به رهبری کارگران و حزب پیشاوهنگشان حزب لینینی بلشویک.



ریشه‌های فساد

در کجاست؟

در اوائل بهمن ماه سال جاری، دولت ضد خلقی شاه خائن هایه‌ی و جنجال تازه‌ای را تحت عنوان "مبارزه با فساد" آغاز کرد. این جریان جدید نیزمانند هرواقعه یا جریان دیگر راین مملکت اولین بار از طرف شاه عنوان شد و بلا فاصله دولت و مطبوعات شروع به تبلیغات پرسروصدائی در این زمینه کردند. هویدا، این قاچاقچی معروف و دزد سابق دار بین المللی - که بروندۀ های قاچاق مواد مخدوش را و هنوز هم در دادگستری فرانسه موجود است - اعلام کرد: "فسدین به جزای اعمال خود خواهد رسید" و وزیران و دیگر مقامات دولتی مأمور مبارزه با فساد شدند و ... روزنامه‌ها با تیترهای درشت نوشته‌ند که شاه فرمان داده است در برابر فساد استادگی کنید. نوشته‌ند: "دزد‌ها را معرفی کنید. فقط آنها که به خانه مردم دست بر داشته‌اند، دزد نیستند. دزد‌های خطربناکتری وجود دارند که در روزگارشان کار می‌کنند."^{۲۰}

اما برآستن دزد‌ها چه کسانی هستند؟

ما هم بخوبی میدانیم دزد واقعی و اصلی کس نیست که از فرط

بیچارگی و درماندگی، چند توانی پول از جیب این و آن بظند
میکند و یافلان وسیله و اثاثیه خانه را به سرقت میبرد؛ بلکه
دزد واقعی و دزدان اصلی کسانی هستند که هزاران هزار مردم
زحمتکش مارا بهزار یوگ برده‌اند، نیروی
کار آنها را در مقابل مزد ناجیزی غارت میکنند، منابع و شرطهای
زیرزمینی کشور را در معرض حراج برای بیگانگان میگذارند و
تاشه میلیارد هاتوان در آمد ناشی از این حراج را با پیشوصت تمام
به جیب خود میریزند.

بنابراین باید پرسید:

آیا کارگری که ده، دوازده و گاه چهارده ساعت در روز کار
میکند و در بدترین شرایط توسط کارفرما استثمار میشود و نیرو و
جوانی خود را در مقابل مزد بخور و نمیری به سرمایه دار میفروشد،
دزد و غاسد است؟

آیا دهقان رفع دیده‌ی ما که در سرمای زمستان و گرامی تن
سوی تابستان عرق میزند و کار میکنند، زمین را میکارند و میکارند و تنها
با قسمت کوچکی از شعره‌ی کار خود زندگی سخت و جان‌فرسائی را
ادامه میدهد، فاسد و دزد است؟

آیا بقیه‌ی مردم شریف و زحمتکش ما — معلمهین، کارمندان
جزء پیشه‌وران و... — که از شعره کار روز گشت خود زندگی
میکنند، دزد و غاسدند؟

اگر اینها دزد و غاسد نیستند، اگر توده‌ی خلق ما — کارگران
زحمتکش ما، دهقانان رنج دیده‌ی ما، زحمتکشان شهر و روستای
ما — دزد و غاسد نیستند، پس چه کسی دزد است؟ چه کسانی
شرطهای میهن مارا غارت میکنند؟ چه کسانی توده‌ی مردم را

قیام کارگر ۱۶۴
استثمار میکنند؟ چه کسانی حسابهای دویست میلیون و پانصد
میلیون تومانی در بانکها دارند؟ چه کسانی قصرهای باشکوه
و زندگی بسی رحمت و پر ناز و محنت دارند؟

آری، خلق ما بخوبی میداند دزد ها چه کسانی هستند.
احتیاج به معرفی ندارد. سالهاست که طبقه ای حاکمه میزد و ر
ایران و در رأس آن در بار جنایتکار پهلوی و بازد رأس همه
آنها شاه خائن و دولت دست نشانده ای آمریکائیهای بدسرگوب
واستثمار خلق ما به غارت نیروی کارتوده ای مردم ما و چیز اول
منابع عظیم ثروت‌های ملی ما (نقت، مس و ...) مشغول است.
دزد ها همینها هستند. فاسد ها همینها هستند. شاه،
در بارگشی پهلوی و هزار فامیل وابسته، اشرف ها، اقبال ها،
علم ها، شریف امامی ها و سرمایه داران میزد وری مثل ثابت -
پاسال ها، خیامی ها و ... هستند که باند بزرگترین دزدان و
فاسدان تاریخ کشور ما را تشکیل میدهند. در واقع شاه و دار و
دسته هی میزد و را در بار، در دولت و سازمانهای اداری و
پلیسی و ارشادیست بزرگترین گانگستر های مقابدار را ازشت
بستاند. حسابهای بانکی آنها در بانکهای سویس سربه
فلک کشیده اند. دزدیهای آنها رقمهای سرسام آور ۲۰۰ ،
۳۰۰ و هزار میلیون تومان را تشکیل میدهد!

اما باید پرسید در چنین صورتی چگونه شاه فرمان مبارزه با
فساد را میدهد؟ چگونه روزنامه هی جیره خوارکیهان مینویسد
دزد هارا بعما معرفی کنید؟

جواب این سوال مشکل نیست. کافی است به همین
روزنامه های هزار بار سانسور شده رژیم شاه نگاهی بیاندازیم

تاعلهٔ این جاروچنجال قلابی شاه و دولت مزد و را و - برای مبارزه با فساد - روشن شود *

در واقع بد نیال افشاگری‌های وسیع مطبوعات آزاد غربی و محافل لیبرال کثیری آمریکا در بارهٔ دزدی ورشوه‌گیری مقامات دولتی چند کشور خاورمیانه - از جمله شاه و مقامات ایرانی - بود که دستگاه حاکمه ایران شدیداً به تکاپو افتاد . اسناد و مدارک قطعی موجود و منتشره از طرف همین محافل و مطبوعات بخوبی ثابت می‌کند که در جریان خرید ۰۵ میلیارد تومان اسلحه از کمپانی‌های لاکهید و ۰۰۰، از طرف ایران و خرید میلیارد ها تومان مواد غذایی از کارتل‌های بزرگ غربی، میلیونها تومان سو، استقاده صورت گرفته است . مطابق همین استاد و مدارک در رأس کسانی که این رشوه پدانهای پرداخت شده‌است، شاه و نماینده‌گان او قرارداد شده‌اند . امام مطبوعات ایران که بشدت کترل می‌شوند بهبیچو جمهوکرانی را که انتشار این اخبار را روپا و آمریکا برای انداخت در اینجا منعکس نکردند و پنجای آن شاه مزد و را و دستگاه‌های تبلیغاتی اش جاروچنجال مصنوعی مبارزه با فساد و معرفی دزدان و ۰۰۰ را برای انداختند . آنها مخصوصاً "طوفان مسخره‌ای در فوجان آب - بنام مبارزه با فساد - برآمد انداختند" خود را از شرط طوفان آشکارشدن حقیقت یعنی آشکارشدن دزدیها و رشوه‌گیری خود آنها - برکار بد ارزند .

در جریان همین جاروچنجال مسخره است که سیاست معروف و قدیمی سپریلاسازی شاه هم بیان می‌آید . چند تن از مقامات دولتی را بعنوان فاسد و رشوه‌گیر معرفی می‌کنند تا دزد اصلی و دزدان تردست واقعی بتوانند خود شان را در بیست این

قبيل تبلیغات احمدقانه مخفی گشته است.

مطبوعات شاه خائن مینویسد: این فلان معاون وزیر بوده است که ۰۰۰ میلیون تومان رشوه گرفته است و یا فلان رئیسی نیروی دریائی بودند که قریب ۰۰۰ میلیون تومان سو استفاده کردند. امامردم ما بخوبی میدانند که در مملکتی که کوچکترین کارها باید بانظر دیکتاتور اعظم! شاه خائن صورت بگیرد، احمدقانه است اگر تصور شود فلان معاون وزیر آسانی و به شهادت ۰۰۰ میلیون تومان را بلعیده است، رئیس نیروی دریائی ۰۰۰ میلیون تومان را خورده است و شاه و درباره ای وارد این سنه فاسد او در این میان هیچ اطلاعی نداشتند!؟ آری، این بسیار مسخره است که در ایران معاون وزیری ۰۰۰ میلیون تومان رشوه بگیرد اما جناب وزیر! مر بوطها صلا روحش بیز خبردار نشود! جالب توجه تسلیم از همه اظهارات ارتشدید مزد ور "طوفانیان" فامیل نزد یک خود شاه است. او کمتردم مارا مانند خود شوار با باند زدن و فاسدش احمدقانه تصور کرده داستانی میشازد درباره‌ی ۳ برادر ایرانی الاصل که در آمریکا میلیونهای دار بحساب ایران بول گرفته‌اند و از یک طرف سر کمپانیهای بزرگ آمریکائی و از طرف دیگر سرباند شاه و دارو دسته‌ی دزد اورا کله گذاشتند. اوسعی میکند با سرهم کردن این داستان خیالی، جریان رشوه خواری شاه و دلالت خود ش را در این میان لاپوشانی کند. اما علیرغم همه این افسانه سرایهای احمدقانه جعلاتی که او در ابتدای مصاحبه اش شا

(*) — ارتشدید مزد ور "طوفانیان" شوهر خواهر ارتشدید معبد و خاتمه و خاتمه شوهر فاطمه — خواه شاه — است.

روزنامه‌نگاران، در توجیه و بکردن این قضایا بیکوید بدون اینکه خود تن بخواهد، جیزهای زیادی را روشن می‌کند . او می‌گوید: اطلاعاتی که در روزنامه‌هاد رمورد فعلیت‌های غیرفانونی کمپانیها برای فروش غرآوردهای خود فاش شده، و این مسئله به کمکرهی آمریکا هم کشانده شده است . . .

آری، همین اطلاعات منتشر شد و در روزنامه‌های غربی و همچنین فاش شدن فساد و رشوه خواری شعاود ارودسته باشد دزدان شاه خائن در کمکرهی آمریکا است که اکنون شمارا مجبور کرده برای لاپوشانی کردن آن به سره بندی کردن داستان‌های خیالی درباره برانگرانی لایوی و . . . اغفال ایران و . . . پردازید آری، بخطاطرا آنکار شدن افتضاح دزدی و رشوه خواری دارود شاه خائن در تمام معاملات خارجی و مطبوعات آزاد خارجی است که اکنون دولت شاه به چنین تبلیغات کرکنده‌ای تحت عنوان "مبارزه با فساد" دست زده است .

جالب توجه تراز همه اینها است که در همین جنگ زرگری آنکه دولت شاه و طوفانیان ساین واسطه‌ی شناخته شده‌ی شاه و کمپانیها — با این کمپانیها برای انداخه‌اند بازهم از ترس آنکه می‌دانند — بین شاه و اربابان آمریکائیش در همین شرکتها پیش بیاید، سعی می‌کنند با ایجاد اشاره ماهیت اصلی قضیه را با این شرکتها بفهمانند .

طوفانیان مزد ورده در همین مصاحبهی حود روزنامه‌ی کیهان ۲۵ بهمن ماه می‌گوید: "شاهنشاه تأکید غریب ماند که ما خواستار ورنکستگی شرکت هواپیما سازی آمریکائی نیستیم،"!؟ پرسید اینکه شاه پیش ایش برای شرکتهای آمریکائی — که

تازه‌گوشای از اعمال جنایتکارانه‌ی آنها فاش شده است - دلمن - سوزاند برای چیست؟ این تأکید دل سوزانه‌ی چصعنائی میدهد؟ شاه چدرابطه‌ای با این شرکتهای ارد و چگونه میخواهد جلوی ورشکستگی آنها را بگیرد؟ آیا شاه مزد ور میلیارد هاتومان از شعره‌ی عرق و خون ملت مارا بدجیب خودش و همین اربابان آمریکائیش نرخته است؟ آیا فقط در عرض همین بکمال اخیریش از ده میلیارد تومان ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰ د تومان، شعره‌ی کاروزحمت خلوف مارا بعنوان خرد اسلحه بدجیب این خونخواران بی‌الصلی نرخته است؟ آیا هماینهای برای خوئن خدمتی بدارای ب و پرکردن جیب در ارود سته‌ی دزد خودش کافی نیست که باز هم درصد دل سوزی برای آنها برآمد هاست؟

ارتشبد مزد ور طوفانیان - این نوکر سرسپرده‌ی آمریکائیهای این محروم رازهای پنهان شاه و واسطه، معروف معاملات او با کمپانیهای صنایع نظامی آمریکا - چگونه میخواهد با یک مصاحبه‌ی احمقانه ور از دروغ و تناقض، حقیقت سالهای خیانت، دزدی و رشوه‌کری خود و اربابانش - شاه و کمپانیهای آمریکائی - را اپوشانی کند؟

آری، توده‌های زحمتکش خلق ما - کارگران ما و هقانان ما، توده‌های شهری و روستائی ما - دزد نیستند، غاد نیستند. آنها با ریختن خون و عرق خوش لقمه‌نانی بدست می‌آورند و شرافتمد اینه زندگی میکنند. دزدان، مفسدین و تبهکاران واقعی، طبقه‌ی حاکمه‌ی مزد ور و پنهان سرمایه‌داران غارتکرایران هستند. دزد اصلی و سر دستند دزدان، شاه‌خائن و دربار کثیف پهلوی است.

آری، ماینه‌ها هستند دزدان و تبهکاران واقعی و اصلی :

شاه حنایتکار، در بار فاسد پهلوی

و هزار فامیل وابسته.

اصول و شیوه‌های

مخفی کاری

در شماره‌ی کد شمده چند تجربه و رهنمود در باره‌ی تکه‌داری، حمل و نقل ورد و بدال کردن مدارک و نشريات می‌باشد، بیان گردیدم، اما با استناد لازم است که ضمن تأکید هر جنبشتر به رفقا برای احرای دقیق‌اب رهنمودها، یکباره بگرعشی از این اصول و شیوه‌هارا مجدداً و با نویضع بیشتر درین سماره تکرار کنیم.

رفقا! مرور کوتاهی در تاریخ چندی ضربات و لطماتی که دشمن بر جنگ اندلاع کرده و بجز اخیر خلق ما، وارد آورده است و همچنین علل تاکتیکی ضرباتی که منجر به دستگیری یا شهادت رفقای اندلاعی و رزمی داشته باشند که خلقتند داشت نشان میدهد که وضعیت شیوه‌های امنیتی در کارسیاس و اصول آتشانی بسا نمی‌بودهای مبارزه با ایام سپاهیان ایرانی چند اهمیت سرگشی در نگفت، پیروزی بار افاده اندلاعی و با حنفی بُن مرحله‌ی کوتاه، سهارزه داشته است.

البته پلیس ضد خلقی شاه خود را نشکست ناپذیر، قوی و دارای قدرتی افسانه‌ای و انعمود می‌کند. سازمان امنیت برای منافع سرمایه‌داران چنین تبلیغ می‌کند که گویا "پلیس همه جا هست"! در حالیکه چنین نیست و این فقط تایعاتی است که بوسیله‌ی جاسوسان، مزدوران و عمالان دولت شاه‌جنایتکار پراکنده می‌شود تا با ایجاد ترس و وحشت در میان مردم، آنان را نسبت بهم بی اعتماد کند و جلوی وحدت خلق را برای مبارزه با امپریالیسم و دولت شاه مزد ور بگیرد. آنچه روزیم در این مورد تایع می‌کند دروغی بیش نیست! پلیس جائی وجود دارد و می‌تواند به ماضر بهبودی که مادر آنچه اینست بدماسول کار مخفی غافل و بی توجه باشیم. اکرما اصول و شیوه‌های مخفی کاری را متعبدانه بکارگیریم، آنکه خواهیم دید که چگونه دشمن — دولت شاه مزد و را امپریالیستهای جناحتکار — در مقابل خط مشی سیاسی — انقلابی صحیح ماز بون و بیچاره خواهد ماند. آنکه خواهیم دید که سازمان امنیت شاه‌جنایتکار — علیرغم ادعایش — چقدر عاجز و بیچاره است. وجود و بقای سازمانهای انقلابی مسلح، خود بهترین شاهد این حقیقت است که اکرما هوشیار باشیم و متعبدانه اصول مخفی کاری را رعایت کیم (در صورت مسلح بودن به بینش علمی و خط مشی صحیح سیاسی) می‌توانیم به حیات رشدیابنده‌ی خود، بصمارزه خود علیه دولت شاه‌جنایتکار اراده دهیم. بر عکس ضریبهای که همین سازمانهای انقلابی مسلح می‌خورند بخوبی، نشان مید هد که دشمن فقط باعتبار ضعف و عدم هوشیاری انقلابی، می‌تواند به آنها ماضر بهبودی داشت. بعارت دیگرد شدن نه بد اعتبار قدرت و توانایی ذاتی و مطلق خود بلکه تهابه اعتبار ضعف ها،

۱۷۱
اصول مخفی کاری
بیدقتی ها و کارهای پراکند و بی حساب و کتاب ماست که
میتواند برماضر به وارد کند.

مبارزه‌ی خلقهای کبیر و تنام، کامبوج و لائوس - که بـ
مقاومت قهرمانانه و هوشیارانه خود توانستند پوزه‌ی کشف
امپریالیسم جنایتکار آمریکا را به خان بمالند - بعما می‌آموزد که
مبارزه با دشمنی این چنین جنایتکار و خطرناک، فقط با فد اکاری،
با اتحاد و همبستگی و با هوشیاری انقلابی است که میتواند آمید
پیروزی داشته باشد. خلقهای قهرمان و تنام، کامبوج و لائوس
می‌آموزند که خلق ما وهمه خلقهای تحت ستم جهان میتوانند و باید
برامپریالیسم پیروزگردند.

* * *

اینک با توضیح مجدد و بیشتر اصول و شیوه‌های از کار مخفی
سیاسی کدد رشماره‌ی قبل آوردیم، بحث "اصول و شیوه‌های مخفی
کاری" را دادم و مید خیم.

۱ - پلیس نسبت به چه چیزهایی حساس و مشکون میگردد و
آنرا درک باصطلاح جرمی علیها فراد به حساب می‌ورد؟
هر چیزی اعم از کتاب، نوشته، مخاطرات و یادداشت، ابزار و
یا هرسیله‌ی دیگری که نشاند هند هی افکار و تسلیلات خد رزیمی
صاحب آن باشد از نظر پلیس درک به حساب می‌آید.
بطور خلاصه درک سیاسی شامل مواد زیر است:

الف - بد لیل بیشترین ضرباتی که مبارزه‌ی مسلحه‌ی خلق
توانسته بروزیم شد خلقی شاه خائن وارد کند، بیشترین حیا سیاست
پلیس نیز نسبت به سازمانها و گروههایی است که اسلحه را علیه
دولت شاه جنایتکاریوار باهان امپریالیستیش بکار کرند.

بنابراین ابزار و وسائلی از قبیل اسلحه، بصف، مدار مواد منفجره و... و حتی نوشته‌هایی از قبیل دستور ساختن مواد منفجره، چسب و... و بطور کلی هر گونه مسدود رکی که نشاند هند هی شرکت در فعالیت سیاسی - نظامی باشد، حساستیت فوق العاده‌ی پلیس را بر می‌انگیرد. در همین رابطه کتابه‌جزوه، نوشته‌و اعلامیه‌های سازمانهای مسلح بیشتر نیز پلیس را بشدت حساس می‌کند. پلیس باید اکردن این مدارک با این تصور که دارند هی این مدارک یا خود شد رفع ایت سیاسی - نظامی شرکت مستقیم دارد و یا با سازمانها و گروههای مسلح تعاون دارد، سعی می‌کند بادستگیری این مبارزین و تحت شکنجه‌های وحشیانه قراردادن آنان بداعضاء و امکانات این گروهها و سازمانها داشت یافته و مانع از گسترش مبارزه‌ی خلق شود.

ب - مدارک مخفی سیاسی از آثار انقلابیون جهان، کتب و مدارک هارکیستی و... و همچنین مدارکی از قبیل وسائل چاپی؛ ماشین‌پلی‌کپی، پلی‌کپی دستی، مرکب چاپ و... و اعلامیه‌ها درست نشود و... که نشاند هند هی کار فعال سیاسی است نیز موجب حساستی شدید پلیس می‌شود. چراکه پلیس وجود این نوع مدارک را در لیلی بر فعالیت بیش گروه سیاسی مخفی تلقی کرده و با بدست آوردن چنین سرنخ‌هایی سعی می‌کند گروه مربوطه را بدام بیند ازد.

ج - کتابهای داستان و آثار نویسنده‌کان انقلابی و روشنگران مترقبه داخلی و خارجی که اغلب فروش آنها در بازار ممنوع است و جزو کتب مخفی و ممنوعه به حساب می‌آیند، نظریه کتابهای ماقم کیم کورکی (مادر و...) بشد وستان زنده پوش،

پاشنهی آهنین، خرمگس و ...

د - نوارهای پرشده و متنوعه نظیر اشعار و سرودهای انقلابی و همچنین عکس‌های انقلابی بزرگ (نظیر مارکس لینین، مائو، چه‌گوارا، هوشیمن و ...) و همچنین عکس‌های انقلابی شهید ایرانی.

ه - بعضی از کتابهای که آزادانه به فروش می‌رسند اما مطالعه‌ی آنها در لیلی بر سیاست بودن فرد است، نظیر کتابهای که بر جهان یعنی علمی‌متکی است و یا کتابهای اقتصاد سیاسی (که رژیم بدلاً لئلی اجازه‌ی چاپ آنها را داده است) و همچنین بعضی از کتابهای آزاد مانکیم گورکی و صمد بهرنجی و ...

۲ - شیوه‌های حفظ مدارک :

در شماره‌ی قبل گفتیم که تنها شیوه‌ی صحیح حفظ مدارک سیاسی، نگهداری آنها در رجاسازی‌های مطمئن است. ولی در برخورد با برخی از رفقاء که "قیام کارگر" بدستشان رسیده بود مشاهده کردیم که این اصل مهم در کار مخفی سیاسی را غایبت نمی‌کند. این رفقاء تنها "قیام راد رجاسازی" مطمئن حفظ نمی‌کردند بلکه آنرا در جاهای معمولی نظیر روی‌میز، داخل کمد، روی طاقچه و ... گذاشتند که دیگران بسادگی می‌توانستند بدآن دسترس پیدا کنند.

این شیوه‌ی حفظ مدارک و گذاشتن مدارک در جاهای کم در دسترس دیگران است به زودی افکار و تمايلات ضد رژیعی مبارا برای دیگران مشخص کرده و با انگشت‌تua کردن مابعنوان یک فرد

(*) هرجا صحبت از مدارک می‌شود، منظور مدارک سیاسی است.

سیاسی امکان لورفتن و دستگیری ماراز یاد میکند . بعلاوه مدنس است که پلیس جیره خوارشاه خائن - هر چند وقت یکبار - دست به منطقه گردیدهای ناگهانی میزند . آنها در زیمه های شب و کاهی اوقات حتی در روز طور سرزده و ناگهانی به خانه ها ریخته و به بازرسی اشیاء منزل و بازرسی از اهالی خانه میبردند . این امر باضافه دستگیریهای اتفاقی - که کشتی های ساوان بعمل می آورند و بلا فاصله بعد از مشکوک شدن بعفرد و دستگیری او خانه اش را نیز بازرسی میکنند - لازم میسازد که مدارک رادر موقع غیر لازم در جاسازی غیر قابل دسترسی نگهداری نمائیم تا بتوانیم از غافلگیری های شبانه و روزانه جلوگیری کرد و به کار سیاسی خود منظماً ادامه دهیم .

در شماره‌ی قبل ، نحوه و چگونگی "جاسازی" را مفصلانه توضیح دادیم . تنهای تأکید و تذکر چند نکته را ضروری میدانیم .

اول - رفقابرای درست کردن جاسازی باید با بتکار خود شا منکی باشد و از جاسازهای استفاده کنند که برای پلیس لسو رفته باشد .

در هر صورت یک جاسازی ابتدائی برای نگهداری مدارک سیاسی، مسلمان "بهراز گذاشتن مدارک در جلوی چشم و در دسترس همکار" است .

دوم . مدارک شناسانی و اطلاعاتی نظیر کارت های شناسایی ("کارت کارخانه" : نام و نامه و کواهینا مم و . . .) ، عکس ، نام و نام - خانوار دگی ، آدرس ، شماره می تلفن ، گزارش های نوشته شده ه از بیرون از جاهای افراد ، کاغذ های مارک دار کارخانه و یا محلی آنها ، آنها را یک زیرا و . . . بازخواه ، امدادارک سیاسی باشند .

اصل مخفی کاری

(لای کتاب و ...) و همچنین نباید در جاسازی و درکار مد ارک نگهداری شوند . چون ممکن است جاسازی لورفته و خطری متوجه افراد مزبور یا خود تان شود . کلام درک شناسائی باید جدا از مد ارک سیاسی باشد تا در صورت کم شدن ، لورفت و ... پلیس متوجه نشود که مد ارک سیاسی متعلق به چه کسی بوده است .

سوم - اگر مجبور میشود به دلائل نام رفیقی که بانماکار سیاسی مشترک میکند و یا آدرس محلی که نباید بدست پلیس بیفتد و ... را بنویسید ، حتماً بصورت رمز و مستعار غیر واقعی بنویسید تا اگر آن اسمی ، آدرسها و ... بدست پلیس افتاد از آن نتواند به کسی باجایی برسد .

۳ - چند تذکر رموز رد و بدل کردن مد رک و اخبار سیاسی : در این زمینه هم نمونه هایی از عدم رعایت ضوابط امنیتی و اصول مخفی کاری مشاهده شد . که برخی از مشخصات این نمونه ها را برای درس آموزی بیشتر را بینجامیم و بیم :

الف - برخی از رفقاء کارگر شریه " قیام کارگر " را مستقیماً و دست بدست رد و بدل کرد و بودند .

رقا ! اکرده قلت کنیم که باجه دشمن خطرناک ، حیله کر و خونخواری رو بروهستیم ، اکرخساب کنیم که فردی که مستقیعاً به او مد رک مید هیم در هر صورت سنگیری بوسیله پلیس جنایتگار چه شکجه های وحشیانه ای را باید تحمل کند ، آنگاه متوجه خواهیم شد که رد و بدل کرد مستقیم و دست بدست مد ارک سیاسی چه عواقب ناکواری ممکن است بدنبال داشته باشد .

اگر پلیس مد رکی را که بحضور مستقیم به فردی داده ماید ، ازاو بگیرد از هیچ جنایتش برای پیده اکردن کسی که مد رک را به فرد

مذکور داده است خود داری نخواهد کرد . او وحشیانه ترین شکجه ها و مکاراندترین حیله ها را بکار می برد تا فرد را وادار کند که رفیق هم فکر و همزم خود را لو بد هد . در این شرایط احتمال اینکه شمال و جنوب و ضربه بخورد کم نیست ،

در این مورد و برای نشان دادن اهمیت قضیه بهتر است شجر بهی درس آموزی را ذکر کنیم .

فردی که جزو های از سازمان مجاهدین را شدای سیر می گردد . پلیس وی را شکجه می کند و از وی می خواهد که نام کسی را که جزو و رابه او داده بگوید . او شکجه ها را تحمل نمی کند و فردی را که جزو و رابه او داده بود لو میدهد . پلیس فرد دوم را دستگیر می کند و او نفر سوم را لو میدهد . . . به همین ترتیب تا نه همین فرد دستگیر می شود . موج دستگیریها در همین جا متوقف شد . چرا ؟ چون مدرک بار عایت شیوه های اصولی کار مخفی سیاسی و بطور غیر مستقیم (از طریق اند اختن شبانه به خانه اش) بشه او داده شده بود .

چنانکه مشاهده می کنیم اگر همهی این افراد ضوابط امنیتی و اصول مخفی کاری را عایت می کردند دستگیری در حد همان فرد اول متوقف می شد .

نکته ای که در اینجا باید تذکر بدهیم اینست که هر کدام از هشت نفر اول نیز می توانستند با گفتن اینکه " شب به خانه ام اند اختماند " و با تحمل شکجه وایستادن بر روی همین حرف ، ضربه رابه خود شان ختم کنند ولی همانطور که گفته شرط شناس این بود که وحشیانه ترین شکجه های آریا مهری را برای لوندادن رفای هم فکر و همزم شان تحمل کرده و ننگ ضربه زدن بشه

اصول مخفی کاری
جنبیش خلق را که بهر حال ضعف محسوب می‌شود برخود شان
هموار نکنند.

بنابراین میتوانیم نتیجه‌های این بحث را بدین ترتیب خلاصه کنیم:

هیچگاه نباید مدارک سیاسی مخفی را مستقیماً و بادست خود بهدیگران، حتی به دوستان و نزدیکان صمیمی و یکزنگ خود بد هیم.

با استثنی برای هر کار خود تو جیمه و محمول (*) مناسبی داشته باشیم و روی آن با فشاری و مقاومت نمائیم.

اکنون باید بپرسیم اگر مدارک را بهیچوجه نباید بطور مستقیم به کسی داد پس شیوه‌های صحیح‌تر و بد ل کردن مدارک سیاسی چیست؟

مدارک سیاسی (مثلًا "قیام کارکر"؟) را میتوانیم بطور غیرمستقیم و از راههای گوناگون به دست دیگران برسانیم. مثل اندادخان ازدیوار خانه‌ی فرد مورد نظر، فرستادن به درمنزلشان توسط چندی خرد سال یا فردی ناشناس، پست کردن، دادن به یکی از افرادی که با او نسبتی دارد و لی شماران عیشناست (البت مدر پوشش مناسب مثلًا در یک بسته‌ی کاد وئی) و ...

(*) — پاسخهای حساب شد و مناسبی که در جواب سئوالات پلیس و بازجویانی رد کم کردند و فریب آنها می‌گوئیم، اصطلاحاً: "محمل" نامید نمی‌شود. در واقع "محمل" یعنی پیش‌بینی قبلی سوالیستی که باز جو از مامیکند و آمارده کردن جواب آن از قبل.

البته باید توجه داشته باشیم که فقط در یک صورت میتوانیم مدارک را بطور مستقیم رد و بدل کنیم و آن دل رموقع است که با فرد یا افرادی کار مشترک گروهی و تشکیلاتی سیاسی انجام میدهیم.

ب - اگر میخواهید راجع به مطالب "قیام" یا کتابهای سیاسی دیگر با دوستان مطعن خود صحبت کنید باید منبع خبر خود را ذکر کنید، زیرا در این صورت آنها خواهند فهمید که "قیام" یا مدرک مورد نظر به دوستان رسیده است. برای نقل اخبار جنبش یا نقل خبرهایی که رژیم شاه جنایتکار را رسواییکند، میتوانید منابع مختلفی را ذکر کنید. مثلاً برای رد گم کردن میتوانید بگوئید آنرا از زادیو (رادیو میهن پرستان یا رادیو ظفار) شنیده‌ام و یا فردی در فلانجا (مثلًا در تاکسی یا اتوبوس) نقل میکرد و ...

همچنین برای افرادی که بطور غیرمستقیم "قیام" یا هر مدرک سیاسی مخفی دیگری میفرستید در باره‌ی مطالب آن با او صحبت نکنید چون در این صورت او با خواندن مدرک مورد نظر میفهتمد که شما هم آنرا خوانده‌اید و حتی احتمال خواهد دارد که خود شما آنرا برای او فرستاده‌اید.

ج - مشاهد مشد و کم بعضی از رفقاء کارگروقی نشر —

"قیام کارگر" به دستشان رسیده، آنرا در میان جمعی از افراد بازکرده و خوانده‌اند و یا اینکه "قیام" را به محل کار خود بردند و درنتیجه با این کارهای بزرگان را زاین مطلب که "قیام" بدستشان رسیده مطلع کردند. این کارهای ناطور که گفتیم بهدلیل مشخص نکردند تعاپلات ضد رژیمی ما، کارد رستی نیست. رفقاء کارگر اگر بسته‌ای را که بدستشان میرسد - بد لیل بن خبر بودند از اینکه در داخل آن چه چیزی قرارداد است - پیش‌عده‌ای بازمی‌کنند،

اصول مخفی کاری

وقتیکه فهمیدند محتوای بسته "قیام" با هر مرد رک سیاسی دیگر است باید طوری رفتار کنند که دیگران از آن چیزی نفهمند. مثلاً بگویند که تقویم، آلبوم و... است که فلان شرکت برای تبلیغ محصولاتش فرستاده و یا کتاب درسی است که هملاً ایام فرستاده است و...

د - اگر موقع مطالعه یک کتاب سیاسی مخفی، اعضاي خانواده و یاد بکاران متوجه آن شده و سوال کردند که جیست؟ جوابی بد هید که برای شان غیرعادی نباشد. مثلاً اگر درس میخوانید نام یکی از کتابها و جزووهای درسی خود را بگوئید، مثلاً کتاب فیزیک یا حزوهای زبان و... برای اینکه توانید بدسترن تیپ کار خود را تعجیل کنیم باید کتاب سیاسی را در پوشش مناسب بپوشانید مثلاً آنرا بوسیله‌ی روزنامه و... جلد کنید یا موقع استفاده آنرا اخراج فtro و... گذاشته و مطالعه کنید.

ه - بازگو کردن مطالب و اخبار است اول جنبش از "قیام کارگر" یا مدارک سیاسی مخفی دیگر رم哈فل عمومی و در میان افراد مختلف درست نبست. جراحته دایین قبیل جاهای احتمال کنترل پلیس وجود دارد. مثلاً اگر فرد مزدور و خود فروخته‌ای در آن جمع باشد از حرفهای شما متوجه میشود که "قیام کارگر" و یا فلان مرد رک سیاسی بددست شمارشیده است. ولی در جمیع های خصوصی و مطمئن (که به افراد آن اعتماد داریم) اگتن اخبار شبیه - به عنان ترتیبی که قلاً نذکر کردیم - اشکال ندارد.

و - وقتی برای کسی مرد رک میفرستند آنرا در یا کتهائی، که مارک محل کارتان را دارد نگذارید. جو ز ممکن است گیرند - از روی مارک روی پاکت - جائی را که در آن کار میکنند مفہمد و از اینظر یق

قیام کارگر شمارا بشناسد. چون در این موارد حتی ممکن است خط روی پاکت هم باعث شناخته شدن شما شود، بهتر است در موقع و شتن آدرس و... خط خود تان را هم عوض کنید.

ز - پلیس جنایتکار شاه و مژد و ران جیره خوار کار فرما برای بید اکردن کارگران مبارزد است بهر کاری میزندند. از جمله شیوه های آنها بازرسی بد نی کارگران در موقع ورود به کارخانه و یا بازرسی جالباسی ها و کمد ها و... است («! نمونه های زیادی دیده شده که مدارک سیاسی در کمد های لباس کارگران مبارز توسط ساواک ها و یا مژد و ران کار فرما کشف شده و بد نیال آن کارگران مزبور استگیر شده اند. باین در لیل حتی الامکان باید از برد ن مدارک سیاسی به کارخانه خود داری کنید.

گاهی از اوقات مجبور بدم درک سیاسی را همراه خود بگیرد کارخانه ببرید، مثلاً رفیق کارگری یک اعلامیه را که بدستش رسیده کارخانه ببرید تا آنرا به طریق (گذاشتند درست شوئی و...) در اختیار سایر کارگران قرار دهد و... در این گونه موارد رعایت نکات زیر ضروری است.

اولاً "قیام" و "اعلامیه" و یا هر مد رک سیاسی دیگر را باید در پوشش های مناسب به کارخانه ببرید تا در موقع بازرسی

(*) - این یکی از شیوه های عمومی پلیس است که در همچنان از آن استفاده میکند و تاکنون نتایج زیادی هم - برای غفلت دیگر توجه مبارزین - از آن گرفته است. مثلاً پلیس از طریق بازرسی کمد های دانشجویان در دانشگاه های تاکنون توانسته دانشجویان مبارز زیادی را شناخته و دستگیر نماید.

بد نو جلوی در کارخانه، کشف نشود.

"ثانیاً" مدرک سیاسی را باید در کمد لباس خود و جیب لباس کارتان و... مگذارید. مدرک را باید در محلو، مگذارید که "اگر احیاناً" کشف شد خطری متوجه شما نشود. این محل قبل از بازدید نهادهای و تعیین شده باشد تا وقتی مدرک را به کارخانه بردید بلافاصله آنرا در راین محل مگذارید.

"ثالثاً" در اولین فرصت باید قصدتان را بازآوردن مدرک سه کارخانه عملی ساز بدمثلاً "اعلامیه را در دستشویی مگذارید یا باید بوار بحسبانید و...

رفقاء کارگران

در حفظ بیشترین نیروهای خود و از بین

بردن بیشترین نیروهای دشمن بکوشید.

رفقای کارگر!

باما به آدرس "کمیته‌ی پشتیبانی از خلق‌ای ایران" ،
مکاتبه کنید .

نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از
اینطریق برای ما بفرستید .

ما را از اوضاع کارخانه‌ای که در آن کار می‌کنید ،
از مبارزات خود و از جنابات دولت شاه خائن باخبر سازید.

آدرس کمیته‌ی پشتیبانی از خلق‌ای ایران :

P O BOX 246 CRATER ADEN

PEOPLE'S DEMOCRATIC REPUBLIC

OF YEMEN

آدرس بانکی :

ACCOUNT NO 59397 NATIONAL

BANK OF YEMEN TOWAHI BRANCH

ADEN P.D.R.Y

* * *

توجه داشتم باشد، برای اینکه نامه های شما بدست
مزدوران ساواک نیافتد، نباید آنرا مستقیماً آدرس فوق بست
نمائید.

نامه های خود را برای یکر، ازد وستان، آشنا یاران و...
خود در خارج از کشور، بفرستید، از آنها بخواهید که آن را
به آدرس فوق بست نمایند.

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com



از انتشار ات سازمان مجاهدین خلق ایران

A PUBLICATION OF

Organisation of Mojahedeen of the People of Iran

MARCH 1976